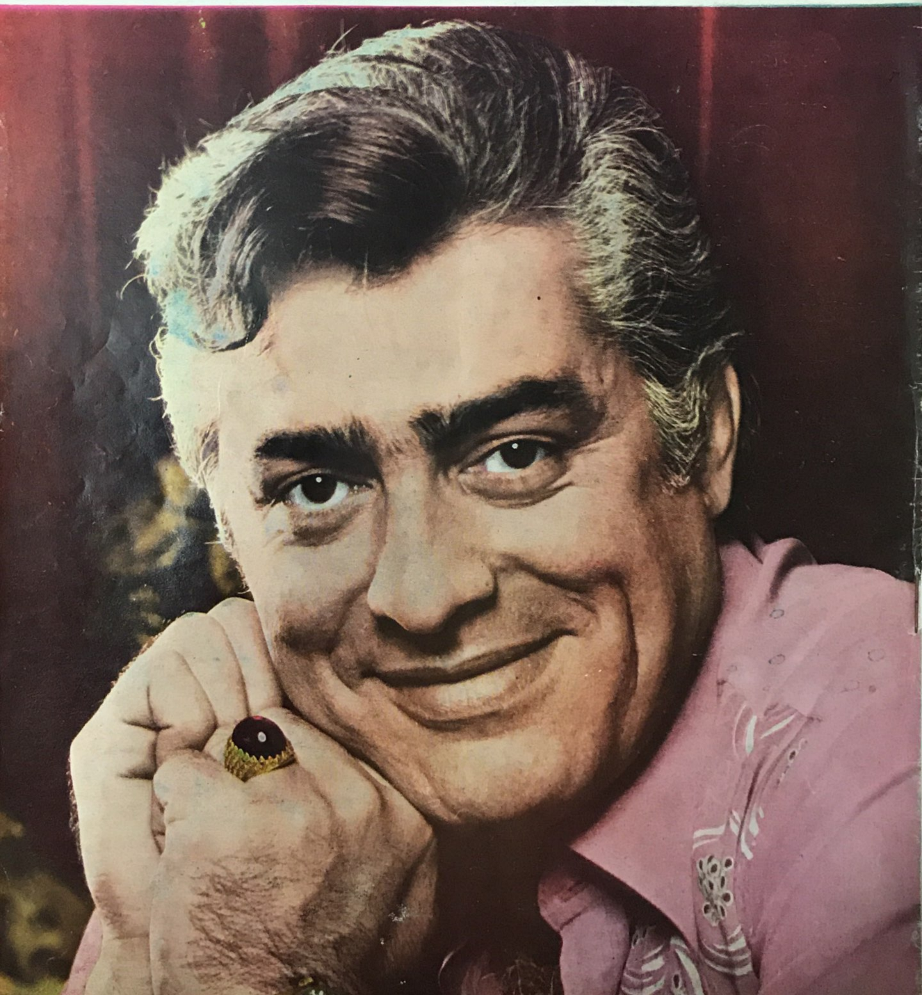
فیلم و هنر

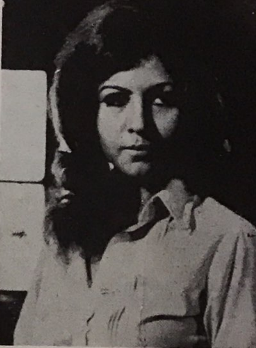
شماره ۳۸۷ — ۲۵ خردادماه ۱۳۵۱ — با دو تابلوی رنگی — ۱۵ ریال



زری خوشکام،

*** در شرایط حاضر ... زندگی خانوادگی از هرچیزی برایم مهمتر است .**

*** من سینما را از طریق «تماشا» می‌شناختم... وقتی هم آدم مثل یك تماشاچی سینما را نگاه می‌کند ، برایش ظاهر بسیار فریبنده‌ای دارد .**



● خبرها اینست :

ـ «زری خوشکام» سینما را ترك می‌کند ...

ـ زری خوشکام تا چندماه دیگر مادر خواهد شد ، ستاره‌ای که پس ازاین به فرزند و شوهرش خواهد پرداخت و زندگی‌خانوادگی او در درجه اول اهمیت قرار خواهد گرفت ، گرچه حالا هم که بتدریج دوران بارداری را میگذراند ، سینما دیگر برایش آنقدرها اهمیت ندارد ... بهرحال این دو خبر که از جهاتی با هم همبستگی پیدا می‌کنند سبب و انگیزه این گفتگو شد و قبل از شروع گفتگو ، اشاره به بعضی از نکات مناسب آشنائی میتواند مفید باشد .

زری با نمایش فیلم «کلبه‌ای آنسوی رودخانه» وآنگاه «آدمك» توانست اعتباری بدست آورد اما متاسفانه بعداز آن‌هررلی را که بدو واگذار کردند پذیرفت ، شاید چون آن موقع تجربه حالا را نداشت و یاشاید کسی چون «علی حاتمی» را نیافته بود . بهرحال فیلم‌های بعدی او ارزش آنچنانی برای او کسب نکردند . در توبه از سکس او آنچنان که خواست تهیه کننده و کارگرداش بود استفاده شد و موجب توفیق فیلم گردید . شاید اگر زری زودتر باعلی حاتمی آشنا میشد پیشنهاد بازی در فیلم «توبه» راردمیکرد! بهرحال دیگر زری خوشکام آن ستاره سکسی سابق نمیخواهد بشد ومیخواهد هرچه‌زیادتر از سینمای ایران دوری اختیار کند . بدین جهت برای آن که نظریاتش را در این مورد جویا شویم پای‌صحبت های او نشستیم و آنچه در ذیل میآید ماحصل یکساعت گفتگو مابا این ستاره است .

گفتگو از : جمشیدارجمند

● **آیا صحت دارد که شما میخواهید برای همیشه از سینما کناره گیری کنید ؟**

زری خوشکام : من بطور کلی از سینما کناره‌گیری‌نمیکنم، بلکه فقط در فیلم‌هائی که «حاتمی» خواهد ساخت بازی میکنم والبته باز ممکن است نقش‌هائی درفیلم‌های او وجود داشته باشد که مناسب تیپ من‌نباشد و کسی‌دیگر بازی کند و بازهم بدین ترتیب من در فیلمی ظاهر نشوم .

من دردرجه اول فقط می‌خواهم به کار ، خانه‌ام برسم بعد به‌کار سینما و احتمال دارددر فیلم بعدی حاتمی من نتوانم بازی کنم ، چون فعلا دوران بارداری راسپری میکنم .

● **فکر می‌کنید آیا این کار عملی بشود ؟ آیا کار کردن یك هنرپیشه و کارگردان بطور دائم با یکدیگر باعث عدم پیشرفت آنها ویکنواختی کار هردوی آنها نمیشود ؟**

ـ در درجه اول اگر هم بشود مهم نیست ، بدلیل اینکه‌بهر حال به نفع زندگی خودمان تمام میشود حال‌اگر به کار هنری‌مان لطمه وارد می‌آورد ، مهم نیست و عیب ندارد . زندگی خودمان در درجه اول برای ما مطرح است‌بعد کار هنری . ازطرفی من فکر نمیکنم موجب یکنواختی بشود ، بدلیل این که یك کارگردان به توانائی‌ها و نقاط ضعف یك آکتور پی‌میبرد و سعی میکنداین نقاط ضعف را برطرف کند و از توانائی های آکتورش در صحنه



سینمارا ترك میکند!



های مختلف بیشتر استفاده کندکه نتیجه بهتری بدهد . خیلی از کارگردانی هستند که بایك هرپیشه دائما کار میکنند واین مورد تازه‌ای نیست .

در مورد حاتمی چون‌نویسنده قصه‌ها خودش است و کارگردانی راهم خودش میکند سعی می‌نماید اصولا قصه‌هائی را بنویسد که با شخصیت من جور در بیاید که بتوانم با او کار کنم .

● **شما چه جور نقش‌هائی را درسینماترجیح میدهید ؟**

ــ نقش‌هائی که طبیعتا من خودم را با آنها نزدیك ، حس کنم و یا فکر کنم که می‌توانم با ایفای آن نقش‌هاموفقیتی بدست آورم . شاید خیلی از آکتورهای مرد دلشان بخواهد رل «هملت»را بازی کنند ولی شاید قیافه‌ظاهری وقدرت بازیگری اجازه بازی کردن این رل را ندهد ولی آرزویش را دارند .

● **چطور ستاره‌ای هستید؟**

ــ در درجه اول من یك زن خانه‌دار هستم و فعلا آنچه‌که برای من مهم است موفقیت‌زندگی خانوادگیم است ، چون درسینمای ایران من نسبتا توفیقی داشته‌ام و حالا میخواهم این توفیق را در زندگی‌خانوادگی خود بدست‌آورم .

● **اوائل کار در سینمای ایران ، این سینمارا چگونه تعبیر و تلقی میکردید ؟**

ــ سینما برای من یك چیز ناشناخته‌ای بود و من سینما رااز طریق تماشا می‌شناختم و در خود آن نبودم . وقتی هم آدم مثل یك تماشاچی سینما را نگاه می‌کند، برایش ظاهربسیار فریبنده‌ای دارد .

در حالی که در این کار هم مثل هرکار دیگری ، آدم احساس خستگی ، یکنواختی و خیلی از مسائل دیگری که برای حرفه‌های دیگر پیش می‌آید،وجود دارد و من خیلی دلم میخواست که بادید فعلی می‌توانستم کارهای سینمائی خودم را دنبال کنم .

کما اینکه زمانی هم که بعنوان هرپیشه در سینما کار میکردم باز با مشکلات کار فرما یك کارگردان آشنائی نداشتم ولی وقتی بایك‌کارگردان سینماازدواج کردم ، دیدم وقتی کار هرپیشه تمام میشود ، تازه نیم بیشتری ازکار او باقی مانده‌است .

● **و حالا چه دیدی نسبت به سینمای ایران دارید ؟**

ــ حالا که با یك کارگردان سینما ازدواج کرده‌ام احساس میکنم که هنگام کار بااو من یك مسئولیت دوگانه دارم یکی این‌که کار هرپیشگی خودم را انجام بدهم و دیگر آنکه مثل یك فرد دلسوز گروه مراقب مجموعه کار باشم . بهرحال هرچه باشد من نسبت به کل کاری که «علی» انجام میدهد احساس مسئولیت شدید میکنم . توفیق من تنهامطرح نیست ، بلکه اکنون توفیق کار در فیلم بطور مجموع مطرح هست .

● **بین نقش‌هائی که تا بحال درسینما بازی کرده‌اید کدامیك را ترجیح میدهید وبچه دلیل ؟**

ــ نقشی که در فیلم «خواستگاری» بازی کرده‌ام ، چون نقش یك دخترمدرسه‌ای است که تا دوران چهل سالگی مراحل مختلف زندگیش را من می‌بایست ایفا کنم واین از نظر تحولی که این کاراکتر بعنوان یك بازیگر روی کار من بوجود آورد ، می‌تواند مهم‌ترین‌نقطه عطف درکاری هنری من بشمار برود ، چون‌هفت هشت مرحله از زندگی یك زن را ، از زمانی که دختر مدرسه‌ای بیش نیست تا بسن ٤٠ سالگی برسد ، نشان میدهم .

● **بعنوان یك تماشاگر ، قبل از ازدواج با حاتمی درباره کارهای او چه نظری داشتید ؟**

ــ بعنوان یك تماشاگر،وقتی هرپیشه نبودم از «طوقی» اوخیلی خوشم آمد !

بقیه درصفحه٤٣

رویدادها

صدا برداری هشتمین روز هفته

● اولین فیلم سینمائی «رجائیان» موسوم به «هشتمین روز هفته» آماده صدا برداری است. در این فیلم که توسط مصطفی عالمیان بطور رنگی فیلمبرداری شده ژاله سام، محسن سهرابی، فرزانه تاییدی ایران قادری وعده‌ای دیگر شرکت دارند.

علی کنکوری رو به اتمام

● آخرین مراحل فیلمبرداری «علی کنکوری» یکی ازمحصولات تازه استودیو عصر طلائی توسط داریوش طی میشود. در این فیلم که سناریست و کارگردان ان «مسعود اسدالهی» است اسدالهی، شهناز تهرانی ، رضا کرم رضائی، اشرف کاشانی ، گیتی فروهر ، بنی‌احمد، زاهدی، گرجی، عارفان وداریوش اسدزاده شرکت دارند.

نواب

● جواد طاهری فیلمسازی که سال گذشته فیلم عزیز قرقی را از او دیدیم و قبلا نیز فیلمی بنام «خاطرات یك عیار» راساخته است که‌بعداز اتمام فیلمبرداری درانجام کارهای فنی نیمه کاره مانده است قراردادی با «یزد» فیلم منعقد نموده است تا بموجب آن ازاوایل تیرماه کارگردانی فیلمی را که محمدعلی بندانی تهیه‌مینماید تحت عنوان «نواب» آغاز کند . دراین فیلم که در شیراز و یزد فیلم‌برداری خواهندشد منوچهر وثوق، شیراندامی ، میری و یك چهره جدید رلهای عمده را بعهده‌دارند. طاهری قرار بود فیلم «نبی‌ونگار» را برای سازمان سینمائی سپنتا بسازد که فعلا بخاطر شروع فیلم نواب تهیه آن آغاز نمیشود.

پریزاد شروع میشود.

● بعداز انجام صدابرداری فیلم «طغرل» واتمام فیلمبرداری «یك کلاغ ، چهل کلاغ» اواخر خردادماه محصول تازه سازمان سینمائی چهلستون موسوم به «پریزاد» در اصفهان جلوی‌دوربین خواهد رفت . دراین فیلم سینما-سکوپ رنگی که سناریست و کارگردان آن سیامك یاسمی و فیلمبردارش حمید مجتهدی است فروزان، ارحام صدر ، میری ، کامی کسروی، حسن رضائی ، خواجوی، جنتی شیرازی و عده‌ای دیگر شرکت دارند.

مراجعت

● این هفته اکیپی که در شهرکرد سرگرم ساختن فیلم«قیمت یك بار گوجه فرنگی» بودند بعد از اتمام کار بتهران مراجعت نمودند. در این فیلم که سناریست و کارگردان جواد ذوالریاستین و فیلمبردارش جمشید الوندی هستند ارغوان ، همایون‌بهادران ، آرش، محمد کریمی، علی ژکوند واردشیر پهلوان شرکت دارند . امور فنی این فیلم در استودیو کاسپین و مهرگانفیلم طی میشودو پخش آن بعهده فرودین فیلم است.

گودبای پارتی

● جمعه گذشته بمناسبت مسافرت «محمد زرین دست» به آمریکا در منزل بیك ایمانوردی شوهر خواهر او «یك گودبای پارتی» داده شد که در آن عده‌ای از هنرپیشگان ونویسندگان جراید شرکت داشتند.

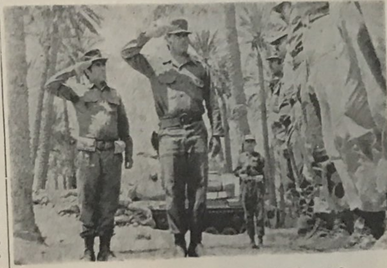
ظاهرا زرین‌دست بخاطر تهیه وکارگردانی یك فیلم به امریکا میرود ولی با وضعی که او دارد وما از آن آگاهیم بعید بنظر میرسد که او قادر به‌انجام چنین کاری باشد !

طوق لعنت

● بیك ایمانوردی ، نوری کرائی ، شیراندامی و بهروز به نژاد ، هنرپیشه فیلم آدمك ، نقش های اصلی‌فیلم «طوق‌لعنت» محصول تازه‌ی اسکار فیلم‌را بعهده خواهند داشت. سناریست و کارگردان این فیلم که اوایل تیرماه در کرمانشاه جلوی دوربین‌خواهدرفت اسماعیل پورسعید میباشد.

گروهبان در آخرین مراحل

● هم‌اکنون آخرین مراحل می فیلم «گروهبان» یکی از دو محصول تازه تیبا فیلم طی میشود وتا چند روز دیگر آماده نمایش خواهد شد.دراین‌فیلم کمسناریوش را ایرج جنتی عطائی نوشته است وتوسط ایرج صادقپور درنواحی جنوب فیلمبرداری شده ناصر ملك مطیعی، منوچهر وثوق، امین‌امینی شهرزاد وچهره جدید لیدا دانشور شرکت دارند گروهبان بعداز کوچه مردها و میعادگاه‌خشم سومین‌فیلمی است که سعید مطلبی کارگردانی نموده است.



● ناصر ملك مطیعی درنمائی ازسومین ساخته «مطلبی» بنام گروهبان

تغییراتی برای تکامل

● هفته گذشته فیلم و هنر پس از مدت زمانی که بصورت دو مجله مستقل منتشر میشد باردیگر درهم ادغام گردید و برای آنکه بصورت یك مجله کامل درآید کوشش شد که باحذف مطالبی ازآن و افزایش صفحاتی جدید مقداری از این تغییرات که بخاطر کامل شدن فیلم وهنر انجام گرفته است آغاز گردیده است.

وجود مجله دوم در وسط مجله با آنکه طبقه خاصی از خوانندگان مجله را راضی نگاهمیداشت ، معهذا سبب گردیده بود که گروه بسیاری سخت برما انتقاد کنند که مطالب خارجی زیاد است و افزایش دو تابلوی وسط بهنرمندان خارجی در حالیکه فقط در روی جلد مجله ما تصاویر هنرپیشگان ایرانی راچاپ میکنیم زائد . بهمین جهت از هفته قبل فرصتی بدست آوردیم تا با تغییراتی که دادهایم در صفحات وسط مجله نیز ازتصاویر هنرمندان ایرانی بهره بیشتری بگیریم، بخصوص آنکه از این پس پشت جلد مجله اختصاص باگهی‌های تبلیغاتی خواهد داشت.

در مورد مطالب مجله باید بگوئیم هنوز کار ما "بقول معروف «جا نیافتاده» است اما معهذا تلاش نویسندگان فیلم وهنر آن است که بتوانند یك مجله خوب، یك دست بامطالبی بکر وتازه در همه زمینه‌ها بخوانندگان فیلم و هنر تقدیم دارند.

دلمان میخواهد برایمان بنویسید که بیشتر مایلید در چه زمینه‌ای مطلب داشته باشیم.فیلم وهنر را دقیق مطالعه کنید . نکات خوب آن رابرایمان بنویسید و مطالبی که باید افزوده شود بما تذکر دهید تابتوانیم فیلم و هنر را بصورت دلخواه همه منتشر سازیم.

شورای نویسندگان فیلم وهنر

فیلم جلیلوند

● چنگیز جلیلوند دوبلور معروف که صدای اورا بجای فردین، ملك مطیعی وبسیاری دیگر از هنرپیشگان معروف خارجی و ایرانی شنیده‌ایم در صدد تهیه فیلمی با شرکت ناصر ملك‌مطیعی، بهمن مفید و شیراندامی است که در حال حاضر ایرج رشائی «سناریست فیلم گذراکر» مشغول نوشتن سناریوی آنست . از نام‌فیلم وگروه سازنده‌ی آن هنوز اطلاعی در دست نیست.

سامارا

● از این هفته اکیپ تازه‌ای جهت تهیه‌فیلمی بنام سامارابهمدان سفر خواهند کرد . این فیلم که با سرمایه نجات ساخته می‌شودتوسط «عباس کمالی» کارگردانی وتوسط مراند فیلمبرداری می‌شود . بازیگر نقش نخست این فیلم را «ایلی» عهده‌دار است. درضمن فیلمبرداری محصول جدید سازمان ایران‌اکران بنام بالاتر از خطر نیز در این‌هفته پایان یافت .

نمایش دوباره «سه‌قاپ»

● «سه‌قاپ» ساخته : ذکریا هاشمی ـ محصول ایستار فیلم که دربار نخست نمایش خودمهجور بود . بعد از دریافت جایزه‌های بهترین سناریو و جایزه بازیگر نقش نخست مرد و همچنین دیپلم افتخار بهترین فیلم سال ۵۰ از جانب مجمع منتقدان ایرانی فیلم، فیلم سروصدا کرده و گویا قرار است ، این فیلم مجددا در دو سه سینمای پایتخت به نمایش درآیند و بدین ترتیب برای کسانیکه بار اول نمایش فیلم ، موفق بدیدارآن نشده‌اند ، فرصت مناسبی برای تجدید دیدار از آن خواهد بود.

در جستجوی خدا

● غلامرضا سرکوب که اخیرا اولین فیلم مستقلش موسوم به «جدال در کویر» بهروی‌اکران آمد در صدد تهیه فیلم مستقل دیگری است که «در جستجوی خدا» عنوان آنست . این فیلم را قرار است علی صادقی فیلمبرداری نماید که صحنه های آن در اصفهان فیلمبرداری خواهد شد. نقش‌اصلی این فیلم را علاوه بر چند هنرپیشه معروف کودك خردسال «ساسان» بعهده خواهد داشت.

آشوبگر وسپنتا

● سازمان سینمائی سپنتا عهده‌دار پخش فیلم «آشوبگر» گردید. دراین فیلم که آماده‌ی نمایش است و پروانه آن نیز از طرف اداره کل امور سینمائی کشور صادر شده آرمان ، سیمین غفاری ،اسداله یکتا، آراسته وجك لرد شرکت دارند . آشوبگر را سعید نیوندی کارگردانی و فیلم برداری کرده است.

پهلوان وبدکاران

● بجمع بازیگران فیلم «بد کاران» محصول آریانا فیلم که اینك آخرین مراحل‌فیلمبرداری‌آن طی میشود، اردشیر پهلوان نیز اضافه شد. این فیلم را کسناریوی آنرا «اکبر صادقی» نوشته است قدرت‌الله احسانی برای آریانافیلم میسازد و در آن مختار، وجستا، تجدد ، دلیله، تهرانی و اردشیر پهلوان شرکت دارند.



● کیوان ـ داریوش ـ افشین وجمیله در صحنه‌ای از «یك کلاغ، چهل کلاغ»

یك کلاغ ، چهل کلاغ رو به‌اتمام

فیلم تازه امیرشروان موسوم به «یك کلاغ ، چهل کلاغ» که مدتی است دراصفهان جلوی‌دوربین است تا یکهفته دیگر بپایان‌خواهد رسید واکیپ سازنده‌ی آن بتهران مراجعت خواهد کرد . دراین فیلم که قبلا سکانسهائی از آن نیز در تهران فیلمبرداری شده بود ارحام صدر، جمیله، میری، مرسده‌کامیاب عادل روحی ، جمشید آریا، فرخ لقا هوشمند وبرای‌اولین بارکیوان داریوش ، و افشین «خوانندگان جوان پرطرفدار» شرکت دارند . این فیلم محصولی است ازفردوسی فیلم که توسط شکرالله رفیعی فیلمبرداری میشود.

سردارساگر

کارگردان هندی که ایران رادوست داشت، درگذشت..



● هفته‌ی گذشته سینمای ایران یکی از قدیمی‌ترین کارگردانان خود را از دست داد و او «سردارساگر» کارگردان هندی‌الاصل فیلم‌های ایرانی بود که مرگش خیلی بی‌سروصدا اتفاق افتاد و شایدهنوز هم بسیاری از سینماگران ایرانی از آن مطلع نباشند ...

سردار ساگر برای اولین بار فیلم «مراد» را در ایران ساخت این فیلم که در سال ۱۳۳۱ تهیه شدمحصول دیانا فیلم بود که در آن علی محزون ، هایده ، رحیم‌روشنیان، عزت‌الله وثوق وتعدادی دیگر از هنرپیشگان معروف آن‌زمان شرکت داشتند . این فیلم نسبت بسایر محصولاتی که تا آن‌موقع درایران تهیه شده بود ازنظر کارگردانی تفاوت زیادی داشت بهمین جهت سردا رساگر جای مستحکمی میان‌کارگردانان انگشت‌شمار ایرانی در آنروزها بازکرده بود فیلم‌بعدش خورشید میدرخشد محصول کاراوان فیلم بود که باعث شهرت زیاد وحدت و شهین‌هرپیشگان نخست آن گردید . روزنه امید ، علی واکسی، فرداروشن است، مرد میدان، دختر طلا، گربه کور و... نام تعدادی دیگر از فیلمهائی است که سردارساگر درایران کارگردانی کرده است.

سردار ساگر در سالهای اخیر بخاطر ناراحتیهای قلبی کمتر فعالیت داشت و چند بار برای‌معالجه بخارج مسافرت نمود ولی متاسفانه بخاطر همین بیماری خیلی بی‌سروصدا با زندگی وداع گفت..

نقل است که «سردار ساگر»سال گذشته در هندوستان ، در استودیو (R.K)قرار بوده فیلمی بسازد، ولی بعداز مدتی از این‌کار منصرف میشود و علت این امر را به تهیه کننده هموطنش چنین می گوید: من‌میخواهم‌به‌ایران برگردم‌دوست دارم در آنجا باشم.

و «سردار ساگر» به ایران بازگشت ... هفته گذشته جسد «سردار ساگر» طبق سنت و مراسم‌هندی‌ها سوزانده شد و خاکسترش را به هند فرستادند تا در رودمقدسشان بریزند.



● فرزانه تائیدی ، داود رشیدی ، پوری بنائی و فردین در نمائی ازاین فیلم

جهنم + من در چه‌حال است ؟

● صدا برداری فیلم «جهنم +من» محصول فرودین فیلم انجام گردیده واین فیلم بعد از ضبط موزیك متن آماده نمایش خواهد شد. در «جهنم +من» کهسناریوی آنرا سکتکین سالور نوشته است و بکارگردانی محمدعلی فردین‌توسط مصطفی عالمیان بطور رنگی در نواحی بم فیلمبرداری شده فردین پوری بنائی ، فرزانه تاییدی، شیر اندامی ، کهنموئی، منصورجهانشاه تهرانچی ، خواجوی ، نازنین و داود رشیدی شرکت دارند.

شوفر تاکسی

● رضا بیك ایمانوردی که هم‌اکنون فیلم مرد اجاره‌ای را آماده نمایش دارد درصدد تهیه‌فیلم تازه‌ای است‌که فعلا عنوان آن‌هست «شوفر تاکسی» ولی مسلما این نام تغییر خواهد کرد. در حال‌حاضر فریدون گله مشغول نوشتن‌سناریوی این فیلم است که نقش اصلی آنرا خود بیك‌ایمانوردی بازی خواهد کرد.

آفتاب‌رو

● محمدعلی فردین که تا چند روزدیگر فیلم «جهنم +من» را آماده نمایش خواهد کرد در صدد تهیه فیلم تازه‌ای استموسوم به «آفتاب‌رو» که سناریوی آنرا «فریدون گله» نوشته است وقرار است خود فردین کارگردانی آنرا انجام دهد. دراین فیلم فردین و پوری بنائی ایفاگر نقشهای اصلی خواهند بود.

سرکارغضنفر روبه‌اتمام

● هم‌اکنون آخرین مراحل فیلمبرداری محصول تازه «آس فیلم» موسوم به «سرکار غضنفر» در یزد طی میشود دراین فیلم که سناریست و کارگردان آن «رضا میرلوحی» و فیلمبردارش کمال مطیعی است بهمن مفید ، مرتضی عقیلی ، بهرام وطن‌پرست ، فخیم زاده، احمد هاشمی ومرجان شرکت دارند.

سرکار غضنفر را عباس همایون وایرج صادقپور تهیه مینمایند.

پشت پرده

راوی میگفت :

● ازهفته قبل نمایش آنونس فیلم تپلی در تلویزیون ممنوع شد، علت این امر آن است که چندسال قبل بعلت توهینی که هوشنگ مستوفی به رئیس قسمت رادیوایران نمود برای همیشه دستور قطع برنامه ها و صدای او را از رادیو دادند و چون گوینده آنونس تپلی نیز هوشنگ مستوفی بود و رادیو و تلویزیون نیز اخیرا درهم ادغام شده‌اند، دستور جلوگیری از پخش صدای وی صادر شده است.

● راوی میگفت: احتمال خیلی زیادی هست که گروه‌های نمایش دهنده فیلمهای ایرانی ازسه گروه به چهار گروه کشیده شود زیرا مجددا در بین مدیران گروه های کاپری ــ نیاگارا اختلاف افتاده است و جمال مجتهدی در نظر دارد با خارج کردن سینماهای میامی ــ اروپا ــ سیلوانا ازگروه مزبور باتفاق محمد کریم ارباب گروه جدیدی بوجود آورد.

● راوی میگفت : برعکس آنچه که تاکنون رواج داشته و تهیه کننده‌ها از صاحبان سینماها بخاطر تعویض فیلم باتحادیه صنایع فیلم ایران و سندیکای هنرمندان فیلم ایرانی شکایت میکردند ، محمد کریم ارباب صاحب سینما دیانا از تهیه کننده فیلم رگبار شکایت کرده است ، زیرا فیلم رگبار در حالیکه هرشب نزدیک هفت هزارتومان فروش داشته‌است برای نمایش در اختیار سینمای دیگری قرار داده است.

● راوی میگفت : نویسندگان مطبوعات بخصوص سینما نویس‌ها سخت بطرف فیلمسازی روکرده‌اند بطوریکه هوشنگ حسامی منتقد کیهان و گیلانی نویسنده هنری کیهان بکارگردانی روکرده‌اند و سیکتکین سالور نویسنده معروف کانونی برای نوشتن سناریو ایجاد کرده است وحتی شنیده شده است که نصرت کریمی از جهانگیر پارساخو دعوت کرده است که در فیلم تازه‌اش تختخواب سه نفره ایفاگر نقشی شود.

● راوی میگفت: محمدعلی جعفری از پرویز صیاد تهیه کننده سریال تلویزیونی سرکار استوار بسندیکای هنرمندان فیلم ایرانی شکایت کرده است . گویا بدون اجازه وی گروه صیاد ازروی یکی از پیسهای وی که چندسال قبل بروی صحنه آورده بنام «تله» در یکی از برنامه‌های سرکار استوار استفاده کرده است.

● راوی میگفت: فروش بیسابقه فیلم خاطرخواه که درآن سه بازیگر اول آن ملك مطیعی ــ فروزان ــ بهمن مفید بازی دارند وهرسه جایزه سپاس گرفته‌اند اهمیت کار سپاس را نشان داد و ثابت کرد که برندگان سپاس و جایزه سپاس چه تاثیری میتواند در فروش بیشتر فیلمها داشته‌باشد.

● راوی میگفت: تصادف شدید سوسن سبب زیان بیش از حدی بوی شده است . وی دراین تصادف سخت مجروح شده واینك در بیمارستان میثاقیه بستری است. دراین تصادف تنها بیش از ششصد هزار ریال بماشین سوسن خسارت وارد آمده و ماشین «بی.ام.و.» او از میان رفته است.

ظهوری تکذیب میکند

● بدنبال درج خبری در مورد زوج رادیوئی که هفته گذشته چاپ شد، در این هفته تقی ظهوری طی یك تماس تلفنی خبرمزبوررا قویاتکذیب نموده واظهار داشت که بهیچ عنوان قصد هیچگونه فعالیتی در زمینه هنری‌ندارد وترجیح میدهد که در سندیکای هنرمندان فیلم ایرانی فعالیت داشته باشد.

نشریه هفتگی
فیلم وهنر

صاحب امتیاز و مدیر :
عبدالمجید رمضانی
آدرس اداره : ابتدای روزولت شماره ۳ ــ آپارتمان شماره ۱۰
تلفن امور اداری
۸۳۹۹۷۱
تلفن هیئت تحریریه :
۸۳۳۶۳۵
چاپ از : سکه
تلفن ۳۱۳۹۳٤
گراور از : جواهری
تلفن ۳۱٤۳۱۱

روی جلد : فردین
تابلوی وسط سعیدراد



● عبدالعلی همایون، حسین حسینی و مرتضی عقیلی در صحنه ای از «استوار وپاسبان»

استوار وپاسبان تمام‌شد

● مراحل فیلمبرداری «استوار و پاسبان» یکی از محصولات تازه استودیو عصر طلائی تمام شد واین فیلم بزودی بعداز انجام سایر مراحل‌فنی آماده‌ی نمایش خواهد شد. دراستوار وپاسبان کهسناریوی آنرا سعید مطلبی نوشته وبکارگردانی نظام فاطمی توسط ابراهیم دیلمانی فیلمبرداری گردیده است عبدالعلی همایون ، حسین حسینی مرتضی عقیلی ، شهروز رامتین ، مهدوی‌فر و بهارك شرکت دارند.

اخبار



● چهارشنبه هفته‌گذشته در برنامه «در باره‌ی سینما» تلویزیون ملی ایران، برنامه‌دوم پیرامون سپاس گفتگو شد و بابك ساسان و بهمن‌فرمان آراء درمورد برگزاری مراسم صحبت‌کرده وبانتقاداتی پیرامون آن پرداختند.

● پنجشنبه گذشته علی‌مرتضوی در مورد «نقش‌جایزه سپاس درپیشبرد سینمای ایران» درکانون سپاهیان انقلاب وابسته بحزب ایران نوین‌بطور تفصیل سخنرانی کرد.

دراین جلسه که با حضور بیش از دویست نفر از جوانان عضو کانون تشکیل شده بود، مرتضوی در مورد تاریخچه‌ی سینمای ایران وایجاد جایزه‌سپاس بتفصیل صحبت کرده و بسئوالات حاضرین در جلسه‌پاسخ داد.

● پنجشنبه شب هفته قبل‌در برنامه جنك شب پیرامون جایزه سپاس بار دیگر صحبت‌شد و مجری برنامه طی يك مصاحبه تلفنی با دکتر حسن‌صدر حاج سیدجوادی ریاست هیئت‌ژوری نظریات وی رادرمورد نحوه‌ی انتخاب‌برگزیدگان برای شنوندگان رادیوایران پخش کرد.

● مجله زن روز درآخرین‌شماره خود ضمن درج رپرتاژ مربوط بسپاس مصاحبه جالبی با فروزان درمورد جایزه‌سپاس بعمل آورده بود که انعکاس بسیار خوبی در میان محافل هنری داشته است.



● شهروز رامتین و ارغوان در «ساعت فاجعه»

واثقی و ساعت فاجعه

● حسین واثقی قرار است برای فیلم «ساعت فاجعه» محصول ایماژ فیلم موزيك متن بسازد. این فیلم که صدابرداری آن نیز انجام گردیده بعد ازضبط موزيك متن وانجام چند مرحله‌ی فنی دیگر آماده نمایش خواهد شد. در ساعت فاجعه که سناریوی آنرا سیروس الوند نوشته است و به کارگردانی رایموند هواکیمیان توسط تورج پورمروت فیلمبرداری شده شهروز رامتین ، ارغوان ، محسن سهرابی ، محمداسکندری ، ژاله و قدکچیان شرکت دارند. ساعت فاجعه را بهروز صیادی‌تهیه کننده فیلم «سه قاپ» تهیه کرده است.



● رضا بیك‌ایمانوردی ـ شیراندامی در «گذراکبر»

گذر اکبر

● محصول آماده نمایش شرکت سهامی سینما تئاتر رکس موسوم به «گذر اکبر» بزودی به روی اکران خواهد آمد. در این فیلم که سناریوی آنرا ایرج رضائی نوشته است و بکارگردانی محمد علی زرندی «آرش» توسط‌شکرالله رفیعی فیلمبرداری شده بیك ایمانوردی ، شیراندامی، فرشته جنابی ، ایران دفتری و داود رشیدی شرکت دارند.

یك مسئله

کمك یا جلوگیری کدامیك؟

آنچه اسماعیل نوری‌علاء دوست شاعروفیلمساز من‌درجلسه‌ی نمایش فیلم «تپلی» که‌بمنظورتقدیر از این ساخته خوب در سینمای کاپری برپا شد عنوان کرد . در حقیقت حرف دردی بود که از زبان همه جاری شد . نوری علاء اشاره‌ای داشت به وضع فیلمسازان نوجوی سینمای ایران که آثارشان با تقدیر و تحسین روبرو میشود ولی پاسخ «گیشه» به‌آنها چندان مساعد نیست . بگفته نوری علاء در این‌مرحله جوایز جزسرایی که باعث نابودی مادی این فیلم‌سازان و تهیه کنندگان فیلمشان میشود چیزی نیست . شاید این حرف در محدوده سرزمینی دیگر درست نباشد . ولی با وضعی که در سرزمین ما ، سینمای جوان را احاطه کرده ، این داوری کاملا، به صواب و عین واقع است . فیلمسازی با همه امید و آرزو اندوخته‌های ذهنی خود را به‌تصویر مینشاند و با فداکاری به فکر در خور عنایتی جان میبخشد ـ از او فداکارتر تهیه کننده‌ای است که سرمایه خود را در اختیار به‌تصویر آمدن اندیشه فیلمساز می‌کند . اثر ساخته و پرداخته میشود وبر پرده سینما می‌نشیند با ماجراهائی که در پشت پرده وجود دارد و آنچه از روبرو بصورت مشکل‌نبود تماشاگر مقابل تهیه کننده وفیلمساز قرار میگیرد دهها جایزه نمی‌تواند زخمی را که فیلمساز و تهیه‌کننده از این بی‌اقبالی برجان دارندالتیام بخشد . اینجاست که مسئله حمایت بعنوان یك عامل سازنده و اساسی مطرح میشود . در اینجاست که دولت باید به مدد این بخش خصوصی بیاید . وقتی فرهنك اجتماعی هنوز در سطح پذیرش هنر متعالی و اثر ارزنده نیست ، واین نبود فرهنك را نیز ظرف امروز و فردا نتوان‌برطرف کرد آیاچاره‌ای جز حمایت دولت از بخش‌خصوصی (ی) که اندیشه‌ای در خور اعتنا و حرفی برای گفتن دارد ، قابل نظر داشت است ؟ وقتی دولت از اتومبیل‌سازی داخلی در مقابل مشابه خارجی به انواع مختلف حمایت می‌کند آیا نمی‌تواند به احیای فکر برتر و بهتر مدد رساند ؟

دولت می‌تواند کمیسونی را ماموز کند که فیلمهای ارزنده‌ای را که گیشه نامساعد پاسخشان می‌دهد ، تامین کند . یعنی لااقل خرجی راکه تهیه کننده و فیلمساز برای تهیه و عرضه آن متحمل شده‌اند در اختیارشان بگذارد تا آنها بتوانند راهشان را تاهنگامی که شعور اجتماعی از حد فعلی خارج شد ادامه دهند . برای‌اینکار احتیاج نیست که دولت از کیسه خود درمی خارج کند . می‌توان با بخشیدن مالیات فیلمهای خوب ایرانی ، یا تخصیص قسمتی از عوارض فیلمهای خارجی به صندوق حمایت از سینمای متعالی داخلی به این مشکل پاسخ داد . جز این حمایت دیگری را باید از دولت چشم انتظار شد و آن تجدیدنظری است در اساس و بنیان نظارت بر فیلمها ـ کمیسونی که فیلمی نظیر «پستچی» را که باعث سر‌فرازی نام ایران و اعتبار وطن ما درمجامع جهانی‌میشود وبقیمت خوب از طرف کشور هائی چون سویس ، فرانسه ، ایتالیا ، کانادا و ... خریداری میشود ، بعلت ابتذال و نه چیز دیگر در محاق توقیف قرار می‌دهد . یا به «بلوچ» پروانه نمایش نمی‌دهد . آیااساس درستی دارد ؟ این سئوالی است که اینروز ها همه برلب و چشم خویش دارند . امیدواریم مسئولان هنری کشور با درك موقع حساس خود قشر نوجوئی را که درسینمای ایران پس از سالها رنج و خون دل خوردن بوجود آمده حمایت کنند .

ع ـ ن

حق تماشاگر

● مسئله این است که میخواهیم بدانیم واقعا کی وچه دستگاهی محافظ و مدافع حقوق ، من تماشاچی است ؟ ـ بعنوان یك نفر مصرف‌کننده چطور میتوانم جلوی اجحافی را که نسبت بمن میشود ، بگیرم ؟!

ـ حال که خیلی زیرکانه و با ظرافت نیمی از سینما ها بسوی «لژ ٤۰ ریال»ی پیش رفته‌اند و نیمی دیگر در انتظار نوبت چون «زلیخا» برابر «یوسف» چشم انتظارند و بطور عملی ومستقیم و غیرمستقیم‌دولت وملت وسینماچی با این گرانی مثل اینکه موافقت دارند (یا نموده‌اند) جا داشت (اگر برای مدت کوتاهی هم که شده) لااقل‌امتیازی برای تماشاچی در نظر گرفته میشد تا اینکه مورد ۱۰ ریال ناقابل اضافه پرداختی‌را بداند ـ می‌بینیم که سینما همان سینماست (یعنی ۳ ستاره ـ گرچه ٤ ستاره‌اش هم‌فرقی با بقیه ندارد) برنامه همان برنامه است (یعنی‌نیم ساعت تمام آگهی برنامه آینده ـ بزودی و بعد از بزودی و بالاخره کمتر از یك ساعت نیم‌فیلم‌اصلی) واقعا باید اذعان نمود که‌تماشاچی ایرانی یکی از صبورترین و محروم ترین تماشاچیان دنیاست و خیلی راحت میتوان او را فریفت وسرش کلاه گذاشت چرا که او خیلی سازشکارانه تمام اجحافاتی را که از طرف دوبله و صاحب سینما و صاحبان کالای تجارتی وآپاراتچی و کنترل کنندگان سالن و بالاخره سانسور اعمال میشود می‌پذیرد و صدایش هم در نمی‌آید .

اما میخواهیم بدانیم که این درست است که خیلی آشکارا روی سر من تماشاچی کلاه گل وگشادی بگذارند و حقم را بخورند . آیا گردن گذاشتن باین حق‌کشی خیلی آشکار ، را باید حمل برموافقت با آن بنمایند ؟

وقتیکه نازل‌ترین موادمصرفی مردم (مثلا گوجه فرنگی) طی ضوابطی باید عرضه و خریداری شود و می‌بینیم که کنترل تره بار خود مسئله‌ای است برای‌سازمانی چون شهرداری و حتی هرچند یکبار ترازو و سنگهای خواربار فروش و نانوا و سبزی فروش را کنترل می‌نمایند تا حق خریدار محفوظ بماند چرا در موردتماشاچی سینما اینهمه بی‌اعتنائی وجود دارد ـ مگر همین تماشاچی همان خریدار نان و سبزی کنترل شده نیست پس چرا در آنجا عزیز و محترم است ولی در اینجا حتی برا ی‌او پشیزی هم ارزش قایل نمیشوند و خیلی راحت و بدون پرده‌پوشی طول قانونی فیلم را برای هم‌آهنك نمودن با ساعت نمایش آگهی ها می‌برند ـ داستان فیلم را عوض می‌کنند . درموسیقی و گفتار فیلم دستکاری می‌نمایند ماهیت‌فیلم را قلب‌می‌کنند بطوریکه گاهی یك اثر تراژدی ـ کمدی میشود و یا بالعکس ـ بجای فیلم اصلی برایش آگهی های تجارتی (که از بس تکرار شده دیگرتهوع آور گشته) نمایش میدهند ـ مثله آگهی ها بی‌شباهت باین نیست که سبزی فروش‌محله بجای‌سبزی‌کوکو در مقابل چشم خریدار مقداری‌علف و یونجه را قاطی نموده و روی ترازو بگذارد ـ ترازوئی که سنگهایش از تو تراشیده شده است .

لابد در مقابل اینهمه تقلب ممکن است این جواب وجود داشته باشد که سزای گران فروش و کاسب متقلب ، نخریدن است و

بقیه درصفحه ٤٤

و چگونه صداها

*** اولین شکل دوبله در ایران ، تعریف داستان وسیله یك گوینده بههنگام نمایش فیلم در سالن بوده است !**

*** اولین فیلم را در هندوستان به فارسی برگرداندند .**

*** اشکالات کار دوبلور ها و دوبلاژ در ایران**

*** ناصر ملكمطیعی، سیامك یاسمی، ایرن، فروزان و آذر شیوا هم دوبلوری کردهاند !**

و چگونه صداها ، سکــه ساز شدند ؟

● این سئوال مستلزم آگاهی از یك مقدمه است، مقدمه ایجاد سینما در ایران ....

قبل از افتتاح «گراند سینما» (اولین سینمای مرتب ایرانی)، سینما آفتاب در خیابان لالهزار، افتتاح شد که در این سینما، فیلمهای سریال بطور نامرتب نشان داده میشد ، بعداز سینمای آفتاب، «اردشیر خان» روبروی محل قدیم بانك ملی ایران ، یك بالاخانه را اجاره کرده وآنجا را برای نمایش فیلم مرتب کرد که در آنجا برای زنان فیلم نمایش داده میشد وبعد هم سینماهائی چون «فاروس» و «جدید» نیز دائر شد ، ولی اولین سینمائی که مرتب بود ونامی در کرد «گراند سینما» نام داشت که درمحل تماشاخانه فعلی «دهقان» وسیله «علی وکیلی» ساخته شده بود .

در «گراند سینما» ابتدا فیلم ها بصورت صامت نشان داده میشد وبرای صحنههای آن توضیحی بصورت شفاهی جهت تماشاگران ادا میگردید و موزیك نیز در این حال توسط هنرمندان درجریان نمایش فیلم نواخته میشد .

اولین فیلم ناطقی که در تهران نمایش دادند ، یك فیلم عربی بود با نام «ریورینا» ، واز این زمان «ترجمه» باب شد ، ابتدا ترجمهها چـاپ و تکثیر شـده و قبـل از دیـدن فیلم نسخهای از تـرجمه ها را به تماشاگر میدادند ولی بعد با افتتاح سینمای ایران (البرز فعلی) ، مجددا حالت شفاهی ترجمه باب شد، باین ترتیب کهصاحب سینما (آقای زنجانی) در سالن قدم میزد وباصدای بلند فیلم را تعریف میکرد ، بالفرض در قسمتی حتی اینطور اشاره داده میشد: «آرتیسته گفت ، من ترا دوست دارم !» و اتفاق میافتاد کـه مترجم مزبور بیمار شده و یا بعلت گرفتاری نمیتوانست بموقع در سینما حاضر باشد و معاون او که اتفاقا سوادنداشت وصرفا از قدرت حافظه براساس شنیدهها کمك میگرفت ، کار ترجمه را بعهده میگرفت و موضوع فیلم را تا آنجا که ازجهت شنیدن در روزهای قبل بخاطر و حافظهاش سپرده بود میگفت وچون در برخی ازمواقع نیز ازیادش میرفت ، صحنه بعدی را تعریف میکرد و اکثرا قبل از اینکه صحنه مورد نظر برسد !

اولین فیلم دوبله

با افتتاح سینما ایران (سینما ایران سابق، اکنون البرز نام دارد) کار ترجمه رونق گرفت و در اینحال فیلمهائی از : متروگلدوین مایر ، پارامونت ، یونیورسال «آمریکا» و اوفای «آلمان» در تهران روی پرده میآمد .

و در این حال نیز تعداد سالنهای سینما درتهران افزایش گرفت و سینماهای مایاك (سهیلای فعلی) ملی (نادر فعلی) نور (ستاره فعلی) هما ، متروپل ، سپه (که مدتی بانام زهره در جرگه گروه مولنروژها


● فرخنده


● جلال مقامی


● جلیلوند


● ناظریان

سکه ساز شدند؟

بود و حالا یك پاساژ بزرك است !) وتهران به جمع سینماهای آن‌روز (فاروس ، گراندسینما ، تمدن «زرین فعلی» ، پری «پردیس» و پارس) افزوده شد ...

در اینحال نمایش چند فیلم بزبان فارسی که وسیله «سپنتا» در هندوستان ساخته شده بود وموفقیت خیره‌کننده‌ای در تهران بدست آورد ، عده‌ای از ایرانی‌های دست‌اندرکاران سینما را بفکر انداخت که فیلم‌های خارجی را دوبله کنند ، اولین نتایج این‌کار فیلم هندی «جن وپری» (در بمبئی) وفیلم‌های ایتالیائی «فریدون بینوا» و «شیطان نازی» (در رم) بود وهمانطوریکه انتظار میرفت با اقبال شدیدی مواجه شد ....

استقبال تماشاگران از فیلم دوبله سبب شد ، صاحبان سینمای ایران که شرکتی تحت عنوان «شرکت سهامی ایران» بمنظور پخش فیلم وگسترش سالن سینما در شهرستانها ایجاد کرده بودند بفکر ایجاد تشکیلاتی برای دوبلاژ افتادند و موفقیت دو فیلم دوبله دیگر بنامهای «دختر فراری» و «دختر کولی» ، که وسیله «دکتر اسماعیل کوشان» دوبله شده بود، این فکر را بمرحله‌عمل کشاند ...

رواج دوبله :

اولین کارهای شرکت سهامی ایران ، بعد از ایجاد دوبلاژ ، فیلم‌های «داگلاس فربنکس» بود که درآن روزها هنرپیشه محبوبی بود .

در همین احوال «جلال مغازه‌ای» و «زاهد» با همکاری گروهی استودیوئی در سراه امین حضور بوجود آوردند که کارشان دوبله و تهیه فیلم بود .

جلال مغازه‌ای وزاهد ، اولین فیلم رنگی دوبله را مرتکب شدند و این کار را بادستگاه اختراعی مغازه‌ای بطریق «مگنتیك» صورت گرفت .

کار دوبله تدریجا گسترش پیدا کرده و دکتر کوشان نیز ، که قصد سفر به‌آمریکا را داشت ، بعلل مشکلات و مقیدات جنك از سفر منصرف ومجددا چند فیلم از محصولات کمپانی «آرتورانك» انگلستان و سینمای ترکیه را خریداری و دوبله می‌کند .

کار تهیه فیلم ایرانی نیز به‌نمایش فیلم دوبله ، به‌جهت ضعف تکنیك وفرم وحتی محتوی ، لطمه‌ای میزند و دوبله روزبروز در بین عامه خود را می‌یابد والبته فیلم هائی که در ایتالیا دوبله میشد، بیشتر مورد استقبال واقع میشوند .

توقف کوتاه !

در این احوال ، اضافه شدن عوارض شهرداری برای فیلم‌های فارسی و دوبله بفارسی ... مستقیما ضمن محدود شدن فعالیت فیلمسازی در ایران ، دوبله را نیز تحت‌الشعاع قرار میدهد ...

بعد از توقف کوتاهی در طریق توسعه دوبلاژ ... اقدامات مسئولین امر نتیجه میدهد وعوارض شهرداری کاهش می‌یابد وکار دوبله فیلم مجددا رونق پیدا می‌کند وازآن پس هرروزگامی‌درطریق توسعه و تکامل آن برداشته میشود واین روزها صرفنظر بعضی ازنشانه های سخیف ، بایستی اذعان داشت‌که «دوبله خوب» داریم که‌تاثیر بسیار شایسته‌ای نیز درافزودن ارزش فیلم‌ها دارند .

ایراد و مشکلات دوبله

● در حال حاضر فیلم‌های تلویزیونی دوسوم حجم فیلم‌هائی‌راکه در ایران دوبله میشوند ، بخود اختصاص داده‌اند ودراین فیلم‌ها کمتر امکانی برای جلوه دوبله هست واین‌هم به‌جهت کیفیت فیلم‌هاست وهم به‌دلیل فشرده بودن زمان، معهذا دوبلور ایرانی نشان داده است که در کارش تسلط دارد و ذوق بسیار ... نمونه‌ها دراین جهت زیادست، منتهی به دلائلی که بعدا ذکر خواهد شد، برخی ازدوبلورها ومدیران دوبلاژ با وارد کردن جملات سخیف وتعبیراتی (نابجا وغیرمنطقی) ارزش کوششهای خود را در فیلم‌ها سقوط میدهند .

ایراد کلی دیگری که بطورکلی درفیلم‌های دوبله وجـود دارد، شنیدن یك صدا ازدهان چند پرسوناژ فیلم است وآنطور که از فحوای

بقیه در صفحه ٤٠



● ایران بزرگمهر



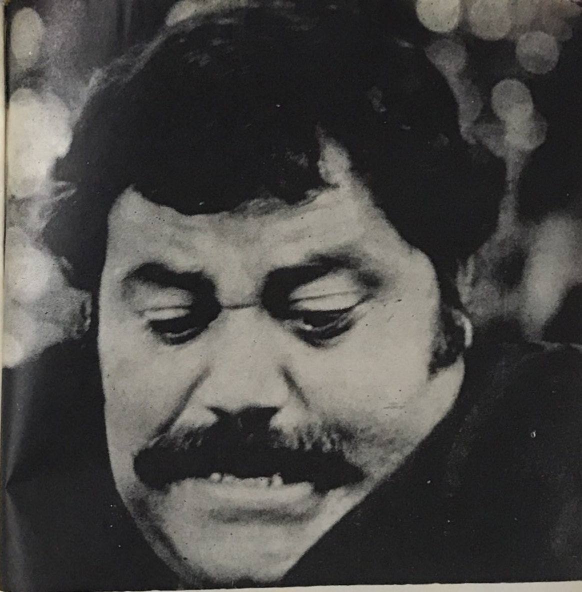
● مدقالچی



● تاجی احمدی



● مظفری



انتقاد فیلم ایرانی

تپلی
سینمای متعهد و سینمای بی هدف

از : علیرضا نوری‌زاده

سناریست و کارگردان: رضا میرلوحی

بانگاه بـه اثر «اشتین بك» «موشها و آدمها»

انسانهای تپلی : همایون ، عقیلی ، خوشکام ، زکریا هاشمی، وطن‌پرست و...

موزیك متن : اسفندیار منفرد زاده

مدیر فیلمبرداری و تدوین: ایرج صادقپور

تهیه کنندگان : صادقپور ، همایون

● از آغاز ، از زمانیکـه شعرهایم را باواسطه نامه ، و یابدون واسطه برای چاپ راهی فردوسی می‌کردم تا حال که سالهائی برمن گذشته، قلـمی زده‌ام، چیزهائی نوشته‌ام که وقتی دوباره نگاهشان می‌کنم شرمنده نم پیشانی نمیشوم، همیشه به‌یك چیز معتقد بوده‌ام. ، این باور من در این پنج شش سال آنی رهایم نکرده و در هر زمینه که قلم زده‌ام براساس این باور انگاره‌ای ساخته‌ام که اغلب برای دیگران مطلوب نیست . به باور من «هنر» فارغ از رویدادهای اجتماعی که اساس و بنیان تفکر انسانهای آن جامعـه را میسازد چیزی است نه در خور اعتنا و نه مبنای حرف ــ آنچه که صاحبان هنر ایتروزها از این پدیده کـه به دلیل پدیده بودن لاجرم فعـل وانفعالی اجتماعی باید داشته باشد استنباط می‌کنند متاسفانه از نظر من سخت مهجور و نادرست است.

محصولی دیگر از سینمای «مردمی»

چرا؟ پاسخ این چرا را حرف صاحبان هنر، در خود پنهان دارد. نقاش می‌گوید بمن چه که در جامعه چه می‌گذرد یا اینکه در جهان چه روابطی حاکم است. شاعر نیز چنین می‌گوید، حرف فیلمساز نیز چنین است. یعنی خالقین پدیده‌هائی که در میان هنرها بیشتر از همه مبنائی اجتماعی دارد با نفی رابطه خود با جامعه و درونمایه آن، تنها با عنوان کردن «نفس هنر، هنر برای هنر، جوهر هنر و ...» چیزهائی از این قبیل بار مسئولیتی را که در مقابل مردم دارند از شانه وامی‌نهند. این پذیرفتنی نیست. سینمابدون داشتن رابطه باروابط اجتماعی، کنشهای مردمی، وحتی گاه فعل‌های جهانی نمی‌تواند پذیرفتنی باشد همچنان‌که شعر و نقاشی وبقیه هنرهای وابسته بمردم که جنبه همه‌گیری دارد. سینمای امروز جهان نمی‌تواندبدون هدف و غیر متعهد باشد. سینماگر حق ندارد وقتی کنارش فریاد و زشتی و رنج است به بیان آرامش ورفاه بپردازد. اگر چنین کند هنرش فرمایشی است و نظیر هنر اشرافی قرون وسطائی مردود است چنین‌است که من هرگاه در سینمای خودی فیلمی می‌بینم که بیان‌کننده روابطی است متعلق به آدمهای هم نفس من، پابند یك سیر دیالکتیکی است. و برمبنای «تز» و «آنتی‌تز» و «سنتز»ی ساخته شده، قلم‌بدست می‌گیرم و درباره‌اش می‌نویسم. حال می‌خواهد متهم شوم که فیلم نمی‌فهمم، یا اینکه گفته شود باسازنده اثر رابطه خصوصی دارم.

من درباره آنچه متعلق به جبهه عده‌ای از «من»ها است می نویسم. و نوشتن من درباره «تپلی» نیز براین اساس است.

«تپلی» برداشتی است ازداستان «موشها و آدمها» اثر «اشتین‌بك» امریکائی ـ یعنی یك آدم شرقی قصه‌ای را که یك غربی نوشته با برگردان محیط به فیلم درآورده ـ ابتدا باید دید توفیق او در اینکار تاچه حد است.

اگر اثر اشتین‌بك را خوانده باشید متوجه میشوید که او نظر خاصی روی منطقه‌ای خاص ندارد. بهمین دلیل اثرش یك اثر جهانی است. بنابراین کار برگرداننده اثر لااقل از نظر خاك ومنطقه ساده بوده، اما در مورد روابط اشتین‌بك آدمهای خاصی را مد نظر دارد، او از انسانهائی حرف میزند که پنجاه سال پیش در جامعه نیمه صنعتی و نیمه وحشی آنروز امریکا زندگی می‌کردند. «میرلوحی» بعنوان سناریست این داستان را در جامعه نیمه صنعتی‌و نیمه سنتی ایران پیاده می‌کند و اینکارش یعنی جفت وبست دادن روابط آدمهای جامعه خودی برـ اساس روابطی‌که یك‌سرش بربریت است، بنحواحسن انجام می‌گیرد. در داستان «اشتین‌بك» کارگران با بعدی که از بربریت در وجودشان است تابع قدرتهای‌پوشالی میشوند وگاه بهنگام غلیان امیال نفسانی می‌خروشند. واینجا یعنی درداستان «تپلی» کارگران به دلیل خلق و خوی ساکنین این خطه که در آنها نیز وجودش را می‌توان دید هرروز با کسی هستند و هر زمان بر قدرتی گردن می‌نهند. این از نظر روابط اما انسانهای اصلی اشتین‌بك «لنی» و «جان» که در داستان ایرانیش «تپلی» و «اسی» میشوند چون متعلق‌به‌همه‌جا می‌توانندباشند لذا وجودشان بهمان صورت در «تپلی» حفظ میشود. بدین‌ترتیب اگر ایرادی برداستان وارد باشد باید نسبت به‌کار اشتین‌بك باشد نه سناریوی میرلوحی.

فیلم آغاز میشود. حکایت سرگشتگی دو انسان که بدون هم نیستند هیچ چیز نیستند. و باهم نیز جز تکمیل سرگردانی یکدیگر کاری نمی‌کنند. انسانهای دربدر همه جائی و هیچ جایی. تپلی و اسی بخاطر صاحب شدن مزرعه (یعنی برخورداری از استقلال و برای خود کار کردن که موید اندیشه گروه گراوسوسیالیست اشتین‌بك است) اینو و آنو می روند. از خیلی چیزها می‌گذرند ولی چیری که حاکم برسرنوشت آنهاست «تپلی» را وارد ماجرائی می‌کند که آفریننده‌اش نیز گناهی جز تابعیت از چیری که بر او حاکم است ندارد. «تپلی» موشها را می‌کشد. او انسان بی‌آزاری است‌که نمی‌خواهد نفس ببرد ولی موشها خودشان‌میمیرند چون‌آنقدر قدرت ندارند که مثل خرگوشهای رویائی تپلی نوازش «قایم قایم» را تحمل کنند. و «اسی» که پابسته‌ی تپلی است می‌تواند به‌تنهائی صاحب زندگی خوبی شود، مزرعه‌را بخرد آسوده وبی‌خیال زندگی کند. ولی می‌داند که‌بدون تپلی او هم هیچ چیز نیست او هم تنهاست. آنها در راهی که از «کارگری در خانه ارباب تامزرعه» ـ از جنگل، رودخانه، شهر، و کارخانه می‌گذرد بایکی‌دیگر مثل خودشان آشنا میشوند که او هم آرزودارد در رویای آنها شریك شود. «میر حسین» تصویری است از «اسی» و «تپلی» در سالهای بعد، سالهائی که هیچگاه آندو به آن نمی‌رسند. و «سرکارگر بشیر» قربانی‌دیگری است مثل آندو که نمی‌خواهدتابع قدرت پوشالی باشد و نمی‌تواند مثل دیگران هرروز بر درگاهی سرساید. تپلی و اسی برسر مزرعه جان می‌بازند و در حالیکه همه آرزوها، «قفس خرگوش، ربابه، مزرعه، گاو و گوسفندها و ...» ویران میشوند، ایندو که‌در انتظار چشمشان بار می‌ماند نماینده صدها چشم انتظار دیگرند که در همه سوی دنیا چشم براه ظهورند.

باید خیلی بیشتر درباره «تپلی» نوشت درباره منفردزاده که با موسیقی بی‌نظیرش لحظات فیلم‌را جاودان می‌کند درباره «همایون» که فکر دیرین او به ساختمشدن‌این فیلم جان داد بایددرود فرستاد به «همایون» که بارها اشك و خنده را به چشم و لب من آورد به «همایون» که خود «لنی» بود، با چشمهای سرشارش که همه چیز را در خود پنهان داشت، انتظار را، امیدرا، حسرت را و مرك را ـ وبعد به «اسی» به مرتضی عقیلی همکلاسی سابق من که خاطره‌اش از نمایش‌هائی که توی مدرسه باهم بازی کردیم همیشه برایم‌ماندنی است. به عقیلی که پابپای همایون آمد و بعد «زری خوشکام» باباری درخشانش، وطن‌پرست، زکریا هاشمی‌و... که‌در یك‌کار گروهی خوب‌درخشیدند. بایدستایش‌کرد از رضا میرلوحی کارگردانی که اثرش با جهت وهدفی اجتماعی در این وانفسای بی‌تعهدی، غنیمتی است. بایدستایش کرد از میرلوحی برای «تپلی»اش که سرو گردنی از فیلمهای دیگر بلندتراست وباید ستایش کرد از ایرج صادقپور با فیلمبرداری‌عالیش، با درك‌صمیمیش از داستان و آدمها و روابطشان و حسن نظرش که بهمراه اشتیاق همایون چنین اثر درخور اعتنائی را بوجود آورد.

جهان سینما

افسانه جسی‌جیمز

● ورسیون تازه‌ایست از زندگی «جسی‌جیمز» یاغی معروف غرب آمریکا که نقش «جسی‌جیمز» راکه تاکنون فیلم‌های متعددی از داستان زندگیش ساخته شده (جفری هانتر فقید نیز این نقش رابازی کرد) این بار «رابرت دووال» بازی کرده و سایر بازیگران فیلم «کلیف رابرتسون، لوك‌آسکیو، الیشا کوك، مت کلارك و چند نفر دیگر هستند.

این فیلم را «فیلیپ کوفمن» (استاد تاریخ دانشگاه شیکاگو) ساخته است واین اولین‌باریست‌که وی بعنوان‌کارگردان سینمافعالیت می‌کند.

کوفمن زندگی جسی‌جیمزرا ازدیدی متفاوت بافیلمسازان دیگر ازدید یك تاریخ‌شناس بررسی‌کرده ومطالعه‌ای در باب تاریخ غرب آمریکا بعمل آورده، ضمنا فیلم او از خشونت بی‌بهره نیست.

در جستجوی زمان‌های ازدست رفته

لوکینوویسکونتی بالاخره پس از مدتی‌که ساختن فیلم «درجستجوی زمان‌های ازدست رفته» رابه‌تعویق می‌انداخت، این‌بار با یافتن نو ستاره‌ای‌که ایفاگر نقش «البرتین» باشد، تهیه این فیلم را آغاز میکند.

این نو ستاره «سونیا پترووا» نام دارد که نقش مقابل «هلموت برگر» را در این فیلم که‌براساس رمانی بهمین نام اثر «مارسل ـ پروست» ساخته میشود، ایفا می‌کند.

✻ بونوئل و راهبه



● یك منقد سینما باسم «آدوکایرو» فیلمی براساس یك سناریو از «لوئیس بونوئل» سازنده فیلم‌های «ویریدیانا»، باغ مرگ، زیبای روزوتریستانا ... میسازد تحت‌عنوان «راهبه» که اولین‌فیلم او بشمار میرود داستان فیلم را بونوئل از رمانی نوشته «ام. جی. لوئیس» نویسنده قرون گذشته اقتباس کرده است ظاهر قضیه‌خیلی تعجب‌آوریست، چون بونوئل‌حاضر شده سناریوی خود را بدست یك منقد سینما بسپارد و خود فقط درطی فیلم یك ناظر باشد.

اما آنچه مسلم است این که «راهبه» نماینده‌طرزتفکر «بونوئل» خواهد بود یعنی سینمای «خیر و شر» و آنچه که درفیلم‌های قبلی این فیلمساز خلاق اسپانیائی‌الاصل شاهد بوده‌ایم.

نقش‌های اصلی فیلم را «فرانکونرو» و «ناتالی دلون» بازی می‌کنند. تصویر فرانکونرو وناتالی دلون را در صحنه حساسی از فیلم «راهبه» نشان میدهد.

✻ هیچکاك محبوب‌تر از همه



● در فستیوال اخیر کان این «آلفرد هیچکاك» بود که بیش از هرستاره و هرپیشه و کارگردانی موردستایش فرانسوی‌ها قرار گرفت و حضرات تماشاگر و فستیوال‌چی‌ها مقدم این‌استاد سینما را گرامی داشتند، از سوی دیگر خود هیچکاك هم چندان بی‌میل نبود که مورد لطف مخدرات سینمائی واقع شود وی‌دربرخورد با «جینالولو بریجیدا» ژست جالبی نشان داد، جالب ازاین نظر که پیش ازاین حتی دربرابر بزرگتر از «جینا» ها هم چنین وضعی نداشته است.

«فرانچسکو روزی» و «الیو پتری» که بدریافت جوائزفستیوال کان نائل آمدند نیز از جمله کارگردانانی بودند که موردتوجه شدید قرارداشتند. تصویرهیچکاك و جینا را بهنگام همان برخورد جالب نشان میدهد.













سینمای سیاه

از: سعید صالحی

● بنابه‌معتقدات دینی‌انسان «سفید» آفریده شده است. ولی امروزه ما با انسانهایی به رنگهای سفید، زرد، سرخ، سبزه و «سیاه» مواجه می‌شویم که اسلاف همان نخستین‌انسان‌سفید می‌باشند. علت تغییر رنگ انسان نیز در طول هزاران سال، معلول آب وهوای مناطق مختلف می‌باشد که تأثیرش را مستقیما بر روی‌پوست انسان باقی گذاشته است. بایك تعمق می‌توان دریافت‌که انسانهای «سفید» معمولا در مناطق سردسیر انسان «زرد» در مناطق نیمه استوایی، انسان «سرخ» در مناطق نیمه گرمسیر، انسان «سبزه» در اکثر نقاط گیتی و بالاخره‌انسان «سیاه رنك» در مناطق گرمسیرو حاره یافت می‌شوند. اما علاوه بر این تغییررنك، بعضی‌ازخصوصیات ظاهری نیز در اثر همین آب و هوا دچار تحول شده‌اند که به خوبی می‌توان در ظاهر انسانها، در نقاط مختلف مشاهده نمود که بلندی یاکوتاهی‌قد ازآن‌جمله‌است. بهمین جهت این تغییرات که‌باعث شد بعضی خود را «برتر» بدانند، نه‌تنها ریشه اصیل و واقعی ندارد بل عقیده‌ای بس مسخره واحمقانه می‌باشد که نمونه‌اش‌را در«هیتلر» می‌توان سراغ نمود.

زمانیکه «ابراهام لینکلن» لغو بردگی وبعد آزادی سیاه‌پوستان را که سالها در استعمار سفید پوستان بودند، اعلام نمود بخاطر کوته‌بینی و تعصبات خشك واحمقانه جمعی شهید راه آزادی شد. این نمونه مشهور که دردناك‌ترین فصل تاریخ امریکارا تشکیل می‌دهد، بقدری آغشته به‌خون است که پاك کردن یا جبران ساختن‌آن غیر ممکن به نظر می‌رسد.

امروزه‌با پیشرفتی کهسیاهان توانسته‌اند در فنون و مشاغل مختلف پیدا نمایند و استعدادهای نهانی خویش را عیان سازند، بعداز سالیان دراز که عقده‌های گوناگون را در درون خویش پرورش می‌دادند، دست به‌تظاهرات متقابلی زده‌اند که پرونده سیاه آنان را بیشتر به سیاهی سوق‌داده است. این امر که باعث بوجود آمدن محله‌های سیاه‌نشین مختلفی مثل «هارلم» و گروههای ضربتی «پلنگان سیاه» شده که برای خود رئیس جمهور و حکومت مستقل سیاه نیز ترتیب داده‌اند، بدون شك حوادث خونینی در پس دارد که محرکشان نژاد برتر (سفید) می‌باشد.

طبعا سینما که یك پدیده اجتماعی است از این حوادث دور نمانده و سوژه‌های سیاه و هنرپیشگان سیاه را نیز به کار گرفت که امروزه بخشی‌از سبکهای مختلف سینمایی را تشکیل می‌دهد. در سالهای اولیه که تبعیض نژادی در امریکا غوغا می‌کرد، سینما نمی‌توانست به یکباره سیاه را به طریق امروز به کار گیرد. ابتدا نقش‌های کوچك و جزیی مانند خدمتکار، دربان، آشپز و غیره را بدانها داد وبعد نقش‌های بزرگتر که امروزه حتی فیلم‌سیاه سیاه نیز می‌توان دید. استفاده از سیاهپوستان در سینما معلول چند دلیل است که یکی ایجاب سوژه است، ودیگر کشاندن‌گروه کثیری از مردم به سینماها که اجتماع سیاه را تشکیل می‌دهند و بعد تنوع محتوای فیلمهاکه خود باعث تقویت و غنی شدن سوژه‌ها می‌گردید.

به جرات می‌توان اظهار داشت که تاامروز فیلمی ساخته نشده که‌بطور واضح چهره راستین سیاهپوستان را که ازلحاظ‌اجتماعی توفیری با دیگران ندارند، نشان داده باشد. شما هیچگاه در فیلمی یك سیاه را در نقش منفی‌ندیده‌اید علت نیز ترس از تحریك سیاه‌پوستان وانقلابی که‌امکان وقوعش هست می‌باشد که فیلمسازان را از این کار منصرف نموده است. بهر حال «سینمای سیاه» بانامی تثبیت شده و درخشان مشخص می‌شود که سرآمدستارگان سیاه سینماست. این هنرمند سیاه «سیدنی پوانیه» می‌باشد که بعداز «هری‌بلافونته» که در فیلمی مثل «جزیره‌ای در خورشید» بازی داشت «سینمای سیاه» را رونق بخشید. معروفترین وبزرگترین فیلمهایی که مسایل نژادی در آن مطرح بوده یا به هنرپیشگان سیاه نیاز داشته، از این هنرمند بزرك سیاهپوست بهره گرفته است که می‌توان تعدادی‌از آنها را نامبرد:

دسته فرشتگان — خشونت در شهر — جنگل تخته سیاه — ستیزه جویان — نغمه‌های پاریس — کشتی های بلند — زنبق‌های مزرعه (که بخاطر آن برنده جایزه اسکارشد) دنیای تاریك عشق — سیم باریك بخاطر عشق ایو — در گرمای‌شب حدس بزن چه کسی برای شام می آید — تقدیم با عشق.

«سیدنی پوانیه» نخستین سیاه پوستی بودکه برپرده سینما درخشید و راه ورود و پیشرفت دیگر سیاهان هنرمند را هموار ساخت. بعداز «سیدنی پوانیه» که پول‌سازترین سیاه سینماست اینها وارد سینما شدند:

هنی مك‌دانیل — رکس‌اینگرام ماریادان — دوروتی دندریج — لناهورن — لاناکیت — جانی‌سکا ایتراندرسون — هال فردریك —

بقیه درصفحه ۳۹

«سپاس» همچنان بحث روز است

● همانگونه که پیش‌بینی میشد ، پخش مستقیم مراسم سپاس از تلویزیون سبب گردید که انبوه بیشماری از مردم وطن ما ، از نزدیك شاهد اجرای این رویداد بزرگ سال باشند ، تردید نبود که اعلام نام برندگان ممکن بود مطابق‌میل و نظر گروهی نباشد وبرعکس عده زیادی نیز برآن صحه گذارند و تعدادی نیز در نحوه اجرای آن ایراد بگیرند .

از آنجا که فیلم و هنر میکوشد پیوسته بخواست و نظریات خوانندگان خویش ارج‌نهد و بخصوص‌آنکه«سپاس» همچنان تنها بحث روز محافل هنری کشور است ، بی‌مناسبت ندیدیم که از این شماره بدرج بعضی از نامه‌های دریافتی بپردازیم و امیدواریم که بتوانیم با طرح این نامه‌ها ، بیشتر از گذشته با نظریات علاقمندان سینمای ایران و جایزه سپاس آشنا شویم .

خسته نباشید

● امیدوارم که خستگی و زحمات طاقت فرسای جشنواره که بردوش شما و همکاران بوده است رفع شده باشد شما در باشکوه‌تر ساختن شب اهدای جوایز سنگ تمام گذاشته‌اید مخصوصا که از شبکه سرتاسری تلویزیون پخش شده که یك پوئن مثبت برای جشنواره و یك گام جلوتر از پارسال : البته اینرا بدانید که کرمان جزو شبکه سراسری نیست لطفا ترتیب این‌کار را بدهید که فیلم را برای‌تلویزیون کرمان بفرستید که متجاوز از ۳۰ هزار نفر مشتاق دیدار این شب فراموش نشدنی هستند : الان که داشتم نامه را می‌نوشتم در اخبار رادیو نتایج جشنواره سپاس را شنیدم یك حالی شدم و بی‌اختیار در اطاق شروع به دست زدن و پایکوبی کردم و لذت بردم از نام برندگان ، و فورا خبر را درخانه که خواب بودند گفتم‌آنها همشادی و سرور عجیبی بهشان دست داد : و واقعا نشان دادید که داوران باصلاحیت و حسن نیت بودند ودر کمال صداقت وبی‌طرفی موشکافانه هنرمندان را که واقعا مستحق جایزه بودند انتخاب کردند . در اینجا لازم می‌دانم که به داوران بگویم خسته نباشید : و واجب می‌دانم از طرف خود و برادر و دوستان به برندگان جوایز تبریك بگویم .

کرمان ــ منصور فرزان ــ علی ناظری ــ حسین مرادی ــ احمد سعیدنژاد ــ نادر فرزان

اخم شکست‌خوردگان

● در حال حاضر که تمام جوانان سینمای ایران‌را پذیرفته‌اند وآنرا جدی گرفته ویکی ازامور مهم خود میدانند اما چرا باید محیط آن اینقدر کثیف ودور ازخلق وخوی انسانی باشد ؟

خوب، سال گذشته گذشت ودرمیان هنرمندان بزرك بهترینها را انتخاب کردند وجوایزی به‌آنان‌تعلق گرفت. چراعده‌ای شکست خورده اخم میکنند وگاه وبیگاه کنایه میزنند وناسزا میگویند ؟ در روزنامه اطلاعات پخش مراسم چهارمین جشنواره «سپاس» بطور خلاصه آمده بوده اما بچه صورت ؟ . بصورتی (انتقادآمیز) ، انتقاد از خودجشنواره وبرگذار کنندگان آن، کمسفارشی بودن این جایزه‌ها را میرساند ... دراین روزنامه باچند هنرپیشه باروحیه وفکرهای متضاد مانند: فردین‌ــ نصرت کریمی ــ سعیدراد ــ منفردزاده و مسعود اسداللهی گفتگوئی بعمل آمده بود، دراین میان سعیدراد ومنفردزاده میشد حدس زدکه چه میگویند البته نمیشد باور کردکه این گفتگوها ازاین هنرمندان بود یااحیانا آقای خبرنگار ازهیجان آنان استفاده کرده وکلمات ضد ونقیص آنان‌را بصورتی گویا وانتقادآمیز در روزنامه بچاپ رسانیده بود .

مثلا آقای «سعیدراد» هنرپیشه تازه بدوران رسیده‌ای که «هنوز برای سینمای ایران عمل درخور تحسینی انجام نداده» دربین حرف‌هایش جشنواره بزرك سپاس‌را «فرمایشی» پنداشته ... و از طرفی گفته است «حنانه ، ملك مطیعی ، فروزان» اینها کسانی هستند که باید از سینما کنار گذاشته شوند ؟!

من میخواستم ازاین هنرپیشه «از خود راضی» سئوال کنم که: چرا؟ دلیلت چیست؟ اگر واقعا در خودت چیزی می‌بینی رقابت‌کن، به سن وسال افراد چکار داری . امسال واقعا سپاس بی‌نظیر بود و حرفهای عده‌ای مغرض وشکست خورده نباید در کارتان خللی وارد آورد. کارتان‌را ادامه دهیدکه همه ملت باشما هستند .

جهرم ــ مسعود رضائیان

شب شکوه خیره کننده

● دیشب شب چهارم خرداد برنامه جالب جشنواره سپاس‌رابرای اولین‌بار از تلویزیون تماشا کردم وازاین همه شکوه واقعا خیره شدم جدا این همه زحمت‌را نمی‌دانم شما چطور برخود هموار کرده‌اید جشن شما خیلی خوب بود انتخاب‌ها بسیار بسیار خوب وبه‌جا بود بعقیده من خانم فروزان گل سرسبد بود بازیبائی خیره کننده‌اش وصدبرابر خوشحال شدم وقتی اول شد .

محمدرضا احمدی

سپاس عادلانه نبود

● راستش غرض از ارسال این نامه در وحله نخست اظهارتشکر وقدردانی ازحضورتان می‌باشد‌که به‌یاری ومددسینمای مفلوك ودرمانده فیلم فارسی شتافته و با بپا نمودن «سپاس» قدری آنرا از سقوط حتمی نجات داده وبسوی آینده‌ای بهتر رهنمون ساخته‌اید. واما مطلب قابل

خوانندگان «فیلم وهنر» درمورد چهارمین دوره سپاس اظهار نظر می کنند



ذکری‌که می‌خواهم بخدمتتان عرض کنم تماما مربوط به سپاس میباشد .

سپاسی‌که می‌خواهد همیشه و در همه جا مشوق باشد ، مشوق بهترین‌ها ، سپاسی باظاهر عادلانه وحقیقتی غیر عادلانه. بله سپاس شما امسال عادلانه نبود وموج نارضائی‌را در تمام طبقات مختلف مردم، چه آنهاکه سینمارا وسیله تفنن می‌دانند وچه آنهاکه این هنررا ازدیدی جدی‌تر می‌نگرند برانگیخت . شاید خود شما نیز این را فهمیده باشید .

سال ۵۰ سال خوب و بااهمیتی برای سینمای ما بود ، در این سال همه تلاش کردند واکثرا فیلمهای خوبی ساختند، ازاینروچهارمین دوره سپاس نتایجی بهتر ازاین میتوانست داشته باشد.

در هرحال علیرغم تمام کوشش وتمایلتان سپاس امسال سپاسی دور از حقیقت بود وبطور کلی در مواردی غیر قابل تصور میباشد .

تهران ــ حسین شامبیاتی ــ رامین شهبازی

حق کشی در حق هنرمندان

● چند روز قبل انتخاب بهترین‌های سینما در سال ۵۰ انجام‌شد و عده‌ای به‌دریافت جایزه نایل شدندکه ازمیان اینها دو سه نفری بحق وبقیه درکمال بی‌انصافی داوران به‌این مهم نایل آمده‌اند انتخاب داوران این توهم‌را برایم بوجود آورده است‌که فکر می‌کنم هیئت ژوری اغلب بهترین‌ها را جدا نموده و ازمیان سایرین شروع به‌انتخاب نموده است متاسفانه داوران در اینگونه موارد خصومت‌های خصوصی خودرا باهنرمندان واقعی پیش می‌کشند واگر چنین نباشد باید به مصاحبه آقای فردین باخبرنگار اطلاعات تکیه کردکه گفته‌اند اکثر جوایز فرمایشی بوده است‌که البته دوستی نزدیك ایشان باآقای ملك مطیعی مانع اظهار نظری درباره وی بوده بهرحال حق‌کشی در اهدای جوایز امسال یکی ودوتا نبودکه به‌ذکر بعضی ازآنها می‌پردازم هیئت ژوری حق مسلم هنرمندانی چون خانم ایرن و آقایان کریمی ــ کیمیایی ــ منفردزاده ــ وثوقی وغیره‌را پایمال کردند آقای کریمی‌را بادادن دوپاسه دیپلم بقول معروف دست‌بسر کردند، اما حق صددرصد خانم ایرن‌را ضایع کردند، یاجوانی مانند منفردزاده که اولین کسی بودکه به موسیقی متن فیلم‌ها جان تازه‌ای بخشید ودهها نفر از دست اندرکاران موسیقی هنرش‌را در داش‌آکل ستودند باید فدای شخصی به‌اسم حنانه بشود و هنرمندان پرقدرتی چون وثوقی وکریمی باید فدای ملك‌مطیعی که بشهادت اکثر فیلمسازان سال گذشته فیلم قابل توجهی از وی بنمایش درنیامده است شود . شما بگوئید کیمیائی وقتی می‌بیند که تمام زحماتی راکه بخاطر داش‌آکل کشیده به‌هدر می‌رود ومقدم جایزه بهترین کارگردان را می‌برد به‌چه دلخوشی فیلم بسازد .

فرشاد وکیل

پیشرفت سینمای تجربی

● پایان چهارمین دوره پرافتخار سینمائی سپاس را بشما وهمه آنهائیکه در اجرای هرچه باشکوه‌تر این دوره جشنواره زحمت کشیده‌اند تبریك می‌گویم وامیدوارم درهدف خود که پیشبرد سطح سینمای ملی وتشویق فیلم سازان آماتور است به توفیق بسیار نائل آئید .

همان طور که اطلاع دارید گروه من فیلمی جهت شرکت در چهارمین دوره جشنواره ارسال داشت‌که جزو هشت فیلم انتخابی جشنواره شد من در درجه اول ازاین لطف وعلاقه شما، ازطرف فیلم‌سازان آماتور تشکر می‌کنم وخیلی خوشحالم‌که فیلم من ازمیان ۱۹ فیلم ارسالی در ردیف هشت فیلم انتخابی جشنواره درآمد این‌را باور کنید همین مهم برای ما دل گرمی و تشویق بزرگی است هرچند که این فیلم جائزه‌ئی بخود اختصاص نداد ولی من حتی انتظار همین اندازه را نداشتم .

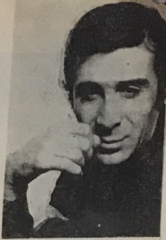
از طرف گروه هنری شیح ــ جلال طوفان

مبارك باشد

● جشنواره بزرك «سپاس» بنحوی مطلوب برگذار شد، ورفت تاباموفقیتی بیشتر در سالهای آتی بدرخشد، وهمچنان عاملی باشد برای ترقی وپیشرفت سینمای ملی این مرزوبوم .

در اینجا ما خوانندگان مجله وزین فیلم وهنر لازم دانستیم از کلیه گردانندگان این جشنواره بخصوص جناب آقای «علی مرتضوی» ونیز به‌عموم برندگان خصوصا هنرمند محجوب ومحبوب سینما «ناصر ملك‌مطیعی» ازصمیم قلب تبریك عرض نمائیم وموفقیت آنان‌را در سالهای آینده خواستاریم .

**جهرم ــ عبدالحسین استحکامی ــ مسعود رضائیان وناصر مصلی‌لا





فرخ ساجدی

چند کلامی با خانم دادستان هنرپیشگان (ژاله‌سام)، که سینه نشان نمی‌دهد وهیچکس را هم قبول ندارد!

سردبیر محترم مجله فیلم و هنر جناب آقای علی مرتضوی

● روی جلد گرامی نامه بانوان شماره ۸۷۷ دهم خرداد عکس تا بالای زانو از هنرپیشه غیر معروف و تازه بمیدان رسیده سینمای فارسی خانم ژاله سام چاپ شده بود وگزارش نیز با حروف درشت نوشته شده بود که ژاله‌سام در نقش دادستان کارگردانان و ستارگان فیلم های ایرانی را متهم میکند و یك مشت مسایل کندگی یعنی کسی که متهم میکند این‌است خواستم بی‌توجه بگذرم، بهخودم گفتم بخوان ببین چطوری متهم میکند و خواندم که البته قابل خواندن نبود اما حالاکه خوانده‌ام لازمست اشاره‌ای باراجیفی که علیامخدره مربوطه ضمن ارائه یك قطعه شمایل ملبس بتنبانك خود با یك خرواراطوارآنچنانی درافشانی نموده است بنمایم...

در پاسخ اولین سئوال خبر نگار ، علم نجابت برداشته که سینمای فارسی یك سینمای سکس مآبانه است ومن مخالفم میخواستم انقلاب کنم سکس پرستی را ریشه کن نمایم، شمشیر بردارم ، هرچه پستان است (البته ایشان لغت سینه را بکار برده‌اند) ببرم بریزم دور، بد است ، بابا بد است سکس را نپرستید فقط ارائه بدهید. والله خجالت آور است‌این دوراز پرستیژ سینماگران ماست‌که از هر هشتاد فیلم هفتاد وپنج‌تایش دارای‌سکس کثیف باشد بروید لااقل سکسهارا بشوئید، لیف بزنید بعد ارائه بدهید حالا اگر میخواهید حتما سکس داشته باشید، سکس‌آبگوشتی نباشد یك جور سکس مثل مال من باشد که از نوع کله‌پاچه‌ای است‌و برای تائید ادعای خودهم یك‌قطعه عکس بمنظور نشان‌دادن رانهایشان زینت‌بخش مطلب کرده‌اند وطوری برداشته شده که فیهاخالدونش را هم البته بطریق غیر آبگوشتی شاید سوپی میتوان سیرتماشا کرد.

در جائی دیگر گفته‌اند از پانزدهم فروردین تا بحال سه قرارداد نان و آبدار را بخاطر اینکه از من خواسته‌اند که سینه‌هایم را نشان بدهم رد کرده‌ام ، شاید دلیل ناراحتی دادستان هنرپیشگان این است که از او خواسته‌اند فقط سینه‌هایش را نشان بدهد چون نامبرده در فیلمهای قبلی بیشترش را هم نشان‌داده است شاید هم خانم دادستان تنها سینه نشان دادن را آبگوشتی میداند و همه جا نشان دادن‌را غیرآبگوشتی وسکس تمیز والله خدا داناست.

اصل مطلب اینجاست کهمیگوید سطح فکر تماشاگران ایرانی پائین است که کارگردانان ما ورزیده نیستند و باید بروند باشگاه دمبل بزنند و بازوهایشان را قوی کنند خانم جان شما که‌از پاریس‌آمده‌اید وسطح فکرتان قد برج ایفل است تابحال سه فیلم بازی کرده‌اید ودر هرسه آنها هم با کارگردانان بسیار خوبی چون مهرجوئی و مقدم وخاچیکیان کار کرده‌اید که دوتای اولی را همه آنهائی که خیلی بیشتر از شما میفهمند و سرشان توی این کار است قبول دارند و سومی هم که‌البته من از شخص خودش دل خوشی ندارم‌سی سال است دراین کار خون دل میخورد واگر فقط سالی یك‌چیز یاد گرفته باشد سی‌تا مورد مهم سینمائی بیشتر از شما که هنوزاز گرد راه نرسیده‌اید بلد است که بشما هم ضمن کارش آموخته ، خوب بود لااقل حرمت استادی آنان را نگه میداشتید ویك «بغیر از» هم بپاسختان اضافه مینمودید — هفتصدسال قبل هم‌اشخاصی مثل شما را پیش‌بینی میکرده‌اند که گفته‌اند بزرگش نخوانند اهل‌خرد — که نام بزرگان بزشتی برد —

قضیه شما حتی مثل‌آن‌کشتی گیر جوان نیازموده حکایت سعدی هم نیست که وقتی همه فنون‌کشتی را یاد گرفت استادش را هیچ شمرد، او لااقل کشتی را یادگرفته بود ولی شما چی ؟ شرط میبندم اگر بپرسند چهارتا از کارگردانان نامی سینما را اسم ببر ، خواهی گفت اولش را بگو، اطمینان‌دارم نخواهی توانست اسم ده‌تا هنرپیشه سینمارا که اسکار گرفته‌اند نام ببری فقط ادعایت بسیار است و افاده‌هایت روی طبق ...

حتما بهمین دلیل است که گفته‌ای من کسی را بعنوان ستاره فیلمهای فارسی‌نمی‌شناسم‌وهیچکدام را بعنوان همکار قبول ندارم ، خوب نباید هم قبول داشته باشی خودت چه؟ آیا دیگران تو راقبول

بقیه در صفحه ۴۵

مسعود اسدالهی را ختنه کردند!



● مسعود اسدالهی به هنگام ختنه شدن !!



حادثه‌ای نزدیک بود از مرحله «فکر» واقعا بمرحله «عمل» در آید!

● مسعود اسدالهی هرپیشه و بازیگر تلویزیونی که این روزها کارش در سینما گل کرده است دو هفته قبل برای بار دوم ختنه شد. آن روز نیز مثل روزهای دیگر صحن بیمارستان آرام بود وآمد ورفت مریض‌ها و افراد مثل هرروز، اما در میان مراجعین چندچهره تازه وسرشناس‌هم دیده میشدند، مسعود اسدالهی، شهناز تهرانی، رضا کرم‌رضائی. آنها آمده بودند که بار دیگر اسدالهی را از زیر تیغ بیدریغ جراح بگذرانند و مجددا او را ختنه کنند و اسدالهی که سخت این پا وآن‌پا میکرد وناراحت بود. در هرحال در راس موعد مقرر وی را باطاق انتظار برده ولباس از تنش بدر آوردند و لباس مخصوص عمل را بتن او کردند و روی برانکار قرار داده و چهار پرستار اطراف او را گرفته وداخل اطاق عمل بردند. شهناز تهرانی پشت در اطاق ناراحت بود و رضاکرم رضائی این پا وآن پا کرده وسیگار می‌کشید. اسدالهی را روی تخت جراحی خواباندند و جراح با چاقوی تیزکرده بالای سر او رفت. اندکی بعد وی را بیهوش کرده و عمل انجام شد.

نیمساعت بعد وقتی اسدالهی بهوش آمد اطراف او را عده‌ای گرفته بودند واسدالهی بسبك قدیمی‌ها لنك بلندی باطراف کمر خود بسته و در حالیکه شهناز تهرانی و رضا کرم‌رضائی زیر بازوی او را گرفته بودند از بیمارستان خارج شد.

این صحنه کمیك وخنده‌آور که منجر به ختنه مجدد اسدالهی شده است مربوط بفیلمی تازه است از محصولات استودیو عصرطلائی بنام علی‌کنکوری که توسط خود اسدالهی سناریو آن نوشته شده و کارگردانی میگردد و روی تخت عمل قرار گرفتن او نیز سکانس جالبی از فیلم است.

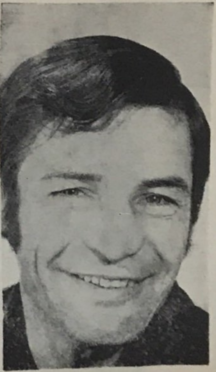
عصر طلائی که پس از توفیق فیلم کوچه مردها ازکمیت فیلمهای خود کاسته و بکیفیت کارهایش افزوده است علی کنکوری را یکی از فیلمهای خوب امسال خود میداند ومعتقد است که این فیلم که تا حد زیادی با زندگی مردم نزدیك است سبك تازه‌ای در سینمای ایران بوجود خواهد آورد.

رضا بیك ایمانوردی

* بولینگ ، اسب سواری و چوگان از ورزشهای مورد علاقه ماست .

* «حبیبی» ورزشکار مورد علاقه من است، او در بین کشتی گیران دنیا ، نظیر ندارد .

* ورزش مثل سینما نیست که هر نورسیده یا نوجوانی برای پیشکسوت خود رجزخوانی کند .



● بیك ایمانوردی از جمله ورزشکارانی بوده است که از عالم ورزش بسینما روی آورد واتفاقا خیلی زود مورد توجه بسیار قرار گرفت ، چون تمرینات موثر جسمی باو اندام ورزیده و نرمشی فوق‌العاده داده که این دو عامل باضافه عوامل دیگری که بیك از آن برخوردار است مثل استعداد درونی بازیگری و بازی بااجراء صورتش «میم»، اورا در رسیدن بمقام یك آکتور ایده‌آل و محبوب یاری بسیار دادند.

این هفته بدنبال مطلب تازه‌ی «ورزش وسینما» که در مجله باب شده، گفت و شنیدی با او دراین زمینه بعمل آوردیم که ذیلا می‌آوریم.

● ورزش های مورد علاقه شما کدام بودند و حالا چی ؟

— من چندین نوع ورزش را تا دوران قهرمانی رساندم: هالتر پرورش اندام وتاحدودی بوکس‌و در خاتمه کشتی کچ. ورزش اصلا برای من مساله «اسپورت» بودمو مساله قهرمان شدنش و کاپ‌گرفتن آن مهم نبوده و بهمین دلیل کاپ هائی را که طی دوران فعالیت ورزشی خود گرفتم به این و آن بخشیدم.

در سابق غیراز کشتی کچ به همان ورزش‌هائی که برایتان اسم بردم، علاقه داشتم ولی در حال حاضر ورزش‌هائی که باصطلاح در جور حال من هستند و بآن علاقه دارم عبارتند از : بولینك، اسب سواری و چوگان که از این سه ورزش، در سواری و بولینك‌تمرین دارم.

● این اواخر عده زیادی‌از کشتی گیران و فوتبالیستها به سینمای ایران کشانده‌شدند، دراین مورد نظرتان چیست ؟

— کسانی که از ورزش به سینما کشیده شدند مخصوصاکشتی گیرها دارای نرمش و سوپلس مخصوصی بودند وفیزیکشان برای سینما بهتر بوده و همچنین یك بوکسور می‌تواند نرمش‌خوبی‌برای سینما داشته باشد.

البته کارهنری و بازی با صورت واستعداد ذاتی، اینهاعوامل خاصی هستند که باید در شخص وجود داشته باشد و تنها ورزشکار بودن صرف کافی نیست. منتها یك ورزشکار اگر این عوامل راداشته باشد، یك هنرمند نیز به حساب خواهد آمد. من فکر میکنم‌ورزش بنوبه خود همردیف یك‌کار هنری تلقی بشود.

● چه ارتباطی بین ورزش و سینما وجود دارد ؟

— اصولا تناسب اندام برای هر هنرپیشه‌ای چه زن و چه مرد لازم است وبرای‌داشتن تناسب‌اندام وپیدا کردن یك اندام مناسب و ورزیده به‌ورزش صددرصد احتیاج هست واین یك ارتباط مستقیم بین سینما و ورزش بحساب می‌آید . بعضی از هنرپیشگان زن و مرد ما دارای شکم‌های برآمده وباسن‌های بزرك هستند واین چیزی استزشت وبرای آن که این وضع پیش‌نیاید لزوم ورزش کردن حس میشود.

● درمیان رشته‌های مختلف ورزشی ، فکر می‌کنید ما درکدام قسمت و زمینه موفق‌تر هستیم ؟

— در میان رشته‌های ورزشی ما در حال حاضر در فوتبال موفق هستیم ولی‌در کشتی‌هم می‌توانستیم موفق‌تر باشیم ، بطوریکه قبلاکشتی ما در ردیف کشتی‌های اول و دوم دنیا بوده و بیشتر کشتی گیران جهان از بیشتر فنون ما اقتباس و پیروی کردند. ماا‌کنون جوانهائی داریم که استعداد زیادی برای کشتی گرفتن دارند ، چون این‌یك سنت قدیمی ما ایرانی‌هاست، ولی خوب فوتبال هم یك ورزش نو بشمار میرود.

● فوتبالیست یا کشتی‌گیر مورد علاقه شما چه کسانی هستند؟

● من چون زیاد به فوتبال وارد نیستم واکثرا هم اگر دیده باشم از تلویزیون دیده‌ام ، نمی‌توانم کس بخصوصی را اسم ببرم ولی در کشتی‌گیرها می‌توانم از «الحبیبی» نام ببرم که فکر نمیکنم اصلا در کشتی‌گیران دنیا کسی چون او پیدا بشود. او قهرمان ایده‌آل ومحبوب من دراین زمینه است.

بقیه در صفحه ٤١

از : جمشید ارمیان

از : داریوش سعیدی



علی جباری

* اگر حس رقابتی که بین هنرمندان بوجود آمده ، بصورت سالم ادامه پیدا کند ، بهترین راه پیشرفت سینما در ایران خواهد بود.

* ناصر ملک‌مطیعی ، فخری خوروش ، عزت‌الله‌انتظامی، آذرشیوا، رومیناپاور،چارلتون هستون و کرك داگلاس هنرمندان مورد علاقه من می‌باشند .

● علی جباری تنها بازمانده تیم ملی ایران این‌هفته بسئوالات ما پاسخ میگوید «علی جباری» هافبك جوان تیم و کاپیتن تیم تاج تهران که بعلت صدمه دیدگی نتوانست همراه‌یارانش راهی‌برزیل شود ما باأو به گفتگو می‌نشینیم **واین در شرایطی است که «جباری»** قصد دارد در فرصتی که بدست آورده برای دیدن فیلمی به سینما برود وبهرحال این ماحصل گفتاری است که با او داشته‌ایم.

● **عقیده شما راجع بسینمای ایران چیست ؟**

علی جباری : والله من مدتی بود که هیچ فیلم ایرانی را نمیدیدم و دلیلش هم این بود که سوژه و حتی فضای اکثر فیلمها کاملا شبیه هم شده بود و بنظر میرسید که فیلمها سرهم بندی میشوند، بیشتر این فیلمها فقیر و بدون ابتکاربود وحتی هنرپیشگان فیلم در جهت بازیگری کوششی متعادل نداشتند ولی در سالهای اخیر محیط سینمای ایران یکباره تغییر کرد و فیلمسازان ایرانی‌سعی میکنند کار بهتری را ارائه دهند و حس رقابتی که بین هنرمندان بوجود آمده ، اگر بصورت سالم ادامه پیدا کند بهترین‌راه پیشرفت سینما در ایران خواهد بود .

● **باکدامیك از هنرپیشگان آشنا وبا دوست هستید ؟**

علی جباری : باهنرپیشگان سینما بطور کلی آشنائی ندارم و همانطور که آنها اسما ممکن است مراشناسند ، منهم در همان حدآنها را می‌شناسم‌ولی تمام‌آنها رابخاطر هنر طریفشان دوست دارم تا از خاطرم نرفته است بگویم که باچند دوبلور دوست هستم‌مثلا «بهادریان» و «مقامی» .

● **شما با سینما چگونه‌مواجهه میشوید ؟**

علی‌جباری: واقعیتش‌اینکه‌من سینما راگاهگاهی بخاطر گذراندن وقت میروم و برخی مواقع هم وضعیت خاص یك فیلم سببمیشود تا آن را ارزیابی کنم و آنچه که دروش است پیدا کنم ...

● **کدامیك از هنرپیشه مرد یا زن ایرانی یا خارجی مورد توجه شما هستند ؟**

علی جباری: ناصر ملك‌مطیعی فخری خوروش- عزت‌اله انتظامی آذر شیوا و از هنرمندان‌خارجی «رومیناپاور - چارلتون هستون- کرك‌داگلاس» مورد علاقه من می باشند.

● **اگر روزی از شمابخواهند از هنرمندان یك تیم فوتبال را ارنج کید چه کسانی را انتخاب می‌کنید ؟**

علی جباری : عزیز اصلی - ناصر ملك‌مطیعی - بهروز وثوقی محمدعلی جعفری - رسائی - داریوش - عارف- منوچهرنوذری ایرج مهدیان - حمید قنبری - محمدعلی فردین و «همایون» را هم برای جمع کردن توپ دوست دارم در تیم ببینم !

● **از فیلمهای خارجی یا ایرانی که دیده‌اید کدام را بیشتر پسندیدید ؟**

علی جباری : ماجراجویان- تجسم - آگراندیسمان - فرار از تله - رگبار - داش‌آکل - گاو و آقای هالو

● **آیا در مسافرتهای خود به خارج به سینما رفته‌اید ؟**

علی جباری : در مسافرتها من بیشتر فیلمهائی را رفته‌ام که درایران موفق بدیدنشان نشده‌ام.

● **اگر یك روز از شما بخواهند در مقابل مبلغ هنگفتی به عالم سینما روی آورید عکس‌العمل شما چه خواهد بود ؟**

علی جباری: من به سینما واقعا علاقمندم مخصوصا ازصحنه تاتر ولی عشق و علاقه من به‌فوتبال بیش از آن است که در موردش بحث کنیم و روی این اصل فکر میکنم اصلا مناسب برای این کار نباشم.

● **جدیدا حتما مراسم جایزه سپاس را دیده‌اید، اگر اینطورست نظرتان در موردش چه است .**

علی جباری : من قبل از هر چیز به کسانیکه این ایده راپیاده کردند درود میفرستم همانطوریکه ما برای بردن یك جام در زمین‌از جان مایه میگذاریم از این پس نیز تمام هنرمندان ودست اندر-

بقیه در صفحه ٤١

بازگشت گوگوش

*** بهروز وثوقی در ایتالیا بـا گوگوش ملاقات کرد**

*** محمدکریم ارباب چه پیشنهادی بگوگوش داد * پولهای گوگوش چگونه برباد میرود**



● هفته گذشته بهروز وثوقی که هنگام بازگشت بایران درایتالیا توقف کرده و ضمن این توقف با گوگوش خواننده معروف ملاقات کرده بود بتهران بازگشت . توقف وثوقی در ایتالیا همزمان باایامی بود که محمدکریم ارباب بزرگترین طلبکار گوگوش در ایتالیا بود تا آخرین مذاکرات را جهت فراهم کردن مقدمات بازگشت وی بایران انجام دهد .

اتفاقا چهارشنبه هفته قبل یکی از نویسندگان مجله دیداری داشت با بهروز وثوقی و محمد کریم ارباب . در این دیدار محمدکریم ارباب اظهار داشت که مقدمات بازگشت گوگوش بایران فراهم‌شده است و طی تشریفات خاصی دوشنبه هفته آینده بتهران باز خواهـــد گشت .

محمدکریم اربـــاب صاحـــب کاباره‌های باکارا ، مولن‌روژ و لیدو که در طی یکی دو سال‌اخیر بعلت درگیری با محمود قربانی ، همسر گوگوش جبهه مخالفی بـــا قربانی پیش گرفته است ، معتقد است که کلیه درآمد گوگوش را محمود قربانی ازبین برده ومی‌برد زیرا گوگوش به‌تنهائی قادراست‌که در هرماه بیش از سه میلیون ریال درآمد داشته باشد .

یك پیشنهاد عجیب

محمدکریم ارباب اضافه کرد در سفر های قبلی خودم در فرانسه بگوگوش پیشنهاد کردم که هرماه سه‌میلیون ریال (سیصد هزارتومان) بتو پرداخت خواهم‌کرد وحاضرم‌که طی سه سال مبلغ ده میلیون تومان بتو بپردازم یعنی برای هرسال سه میلیون وششصد هزار تومان منتهی بیك شرط که درآمد های حاصل از عروسی‌ها ، صفحات و کاباره تو متعلق بمن باشد ، اما متاسفانه محمود قربانی او را از قبول این پیشنهاد بازداشت .

بدینترتیب گوگوش درایران بیش از ده هزارتومان در هرروز درآمد خواهد داشت . اما محمد کریم ارباب‌علت‌عدم قبولی‌گوگوش را وجود محمود قربانی دانست زیرا معتقد است بدینترتیب درآمد گوگوش مشخص خواهد شد ودیگر همسر او نمی‌تواند لفت و لیس کند .

سه‌میلیون ریال باخت

بطوریکه شایع‌شده است‌هنگام اقامت گوگوش در آمریکا، محمود قربانی در حدود سه میلیون ریال از درآمد گوگوش‌را درلاس‌وگاس باخته است ، در حالیکه موزیسین های او از جهت مالی سخت در مضیقه هستند .

گوگوش طی اقامت خود در فرانسه ، خود و اعضای ارکـــترش در یکی از معروفترین هتل هـــای فرانسه که اکثرا شاهزادگان در آن سکونت دارند ، اقامت داشت و مخارج اقـــامت وی و اعضای ارکـــتر و همراهانش در هرهفته دویست و پنجاه هزار ریال بالغ میشده است .

ماجرای برسر چیست

اصل اختلاف‌گوگوش ومحمد کریم ارباب ، برسر برنامه وی در کاباره باکارا است زیرا محمدکریم ارباب معتقد است در زمان اجرای برنامه توسط گوگوش دربـــاکارا بیش از دو میلیون ریال از چك های برگشتی او را پرداخته است و بعلاوه در هرفرصتی کـــه شده کوشیده است‌که تعهـــدات او را انجام دهد . در حالیکه گوگوش و یا در حقیقت محمود قربانی در مقابل همه این خدمت‌ها ، تمایـــل باجرای برنامه گوگوش در باکارا با شبی پنج هزارتومان هم ندارد و لذا اختلاف آنها بالا گرفته‌است و چون کلیه چك های برگشتی گوگوش و محمود قربانی را محمد کریم ارباب جمع‌آوری نمـــوده است که مبلغی در حدود ده‌میلیون ریال است و چون هیچ‌گونـــه اعتباری نه گوگوش و نه همـــرش در ایران‌دارند ، لذا از ترس‌آنکه ارباب در مورد چك‌ها اقدام کند از بازگشت بایران خودداری می‌کنند ، در حالیکه اگر گوگوش قرارداد اجرای برنامه در باکارا با او منعقد کند ، همه مسائل حل خواهد شد .

گوگوش در ایتالیا ، فرانسه، آمریکا و آلمان با اجرای برنامه های متعددی سخت کارش گـــل کرده است صفحات او که درکمپانی معروف صفحه پـــرکنی R.C.A ضبط شده با استقبال روبرو شـــده است ، در دو ماه قبل وی صفحه‌ای بچهار زبان فرانسه ، انگلیسی ، ایتالیائی و آلمانی پرکرده است که هنوز ببازار نیامده است ، اما تعجب مدیران کمپانی که صفحـــه مزبور را ضبط کردند بیشتر بدان جهت بود که وی با آنکه زبان بطور کامل نمی‌داند چگونه‌توانسته است اینگونه آهنك‌ها را با مهارت اجرا نماید .

«بهروز وثـــوقی» کـــه در مذاکرات گوگوش و ارباب شرکت داشت از علاقه گوگوش ببازگشت بایران صحبت کرد و معتقد بـــود که وی نهایت علاقه را ببازگشت دارد اما معهذا بنابعللی که‌در راس آن همـــرش قرار دارد ، همیشه بازگشتش بایـــران دچار تعویـــق می‌شود .

گوگوش سوژه روز مطبوعات

از چند ماه قبل تاکنون در مورد هیچ مسئله‌ای و در مـــورد

بقیه‌در صفحه ۴۳

چهره هفته



همایون

بازیگر فیلم : «تپلی»

● همایون مثل اکثر هنرپیشگان سینمای ایران از تئاتر آمده و بهمین دلیل تجربه او در اجرای کاراکترهای متفاوت بیشتر از کسانی است که صرفا کارشان را از سینما آغاز کرده‌اند. همایون هنوز هم به‌تئاتر علاقه فراوانی دارد و هروقت در این مورد از او سئوال شود که آیا حاضری در نمایشنامه‌ای بطور مجانی شرکت کنی میگوید: **«من همیشه به تئاتر علاقه داشتم و حاضر بوده‌ام اگر پیس خوبی پیدا بشود بطور افتخاری در آن کار کنم»** واین اشتیاق و نیاز فعلا برای او یك «آرزو» است‌که امیدوارست روزی درآینده نزدیك بـه‌این آرزویش نائل شود.

در سینما همایون کارش را با فیلم‌های کمدی آغاز کرد وطی سالهای اخیر در فیلم‌های بیتفاوتی بازی کرد که بگمان ما اکثرآنها نتوانستند از نظر معنوی برای او ارزشی کسب کنند . این فیلم‌ها، تنها بقول او پرکننده خلاء ساعات بیکاری اوبوده‌اند. همایون همیشه در پی فرصت مناسبی برای ایفای یك نقش حساب شده واساسی در سینما بود. باایفای نقش کمدی در فیلم **«دنیای آبی»** اوتاحدودی باین ایده‌آل دست می‌یابد وبرنده جایزه سپاس بهترین هنرپیشه مرد نقش دوم بخاطر همین فیلم درسال ۱۳۴۸ میشود.

این جایزه بطـور کلی یك دگرگونی در نحوه فعالیت وکاریر سینمائی او پدید می‌آورد وهمایون مصمم میشود فکری را که مدتها در مخیله اوپرورش یافته بود، بمرحله اجرا درآورد: نمایشنامه **«موش‌ها وآدمها»**ی «جان اشتاین‌بك» راکه خود نقش «لنی» را در آن بازی کرده بود، بصورت فیلم در آورد. همایون درموردایفای نقش «لنی» درتئاتر میگوید:

«... همین کاراکتر لنی در موش‌ها و آدمهارا بارهاخواندمش تاکاراکترش را درك‌کردم. دونفر از دوستان فرنك رفته‌ام مرامسخره

بقیه در صفحه ۴۵

سینمای نو، نسل نو



پرویزفنی‌زاده

● پرویز فنی‌زاده در تئاتر از یك استعداد شایان توجه و بـا ارزش برخوردار است . کارهنریش را در زمینه تئاتر تقریبا از هشت نه سال قبل آغاز کرده ، و اولین بار ما او را در گروه سمندریان می‌بینیم . در نمایشنامه هائی که بازی می‌کند ، تمایز خود را بـا دیگران نشان میدهد و حتی کـار به مرحله‌ای میرسد که درباره او می‌گویند او در گروه سمندریان ، ارجح‌تر از بقیه اعضاء گـروه است و یا یك «سمندریان» ثانی است .

فنی‌زاده بعدا بعللی گروه را ترك می‌کند و به اداره تئاتر می‌پیوندد و باستخدام آنجا درمی‌آید و با گروه رشیدی همکاری می‌کند و در نمایشنامه هائی که رشیدی روی‌صحنه تالار ۲۵ شهریورمیآورد مثل **«حسن کچل»** ایفای نقش می‌کند .

آخرین کاراو در روی صحنه بازی در نمایشنامه **«سرگذشت مرد خسیس»** بکارگردانی دیلمقانی به نقش «حاجی قره» در تـالار ۲۵ شهریور بود که خوش درخشید ، یعنی چون‌سایر نقش‌هایش، توانست توجه تماشاگران را بخودجلب‌کند.

از کار های دیگر او در تئاترباید بازی در نمایشنامه های «دبکه و زاویه» اثر «گوهرمراد» نمایشنامه «گاو» و چند نمایشنامه دیگر که داود رشیدی در تالار ۲۵ شهریور روی صحنه آورد نام برد .

این اواخر ازپرویز فنی‌زاده که دارای استعدادی جوشان وذاتی در ایفای نقش های گوناگون‌است، در اداره تئاتر اصلا استفـاده‌ای نمیشود بطوریکه همین موضوع‌او را واداشت که رسا طی مصاحبه‌ای اعتراض کندکه در این اداره‌قدرت هائی وجود دارد که علنا مانـع رکود کار میشوند ویکجورانحصار طلبی وجود دارد که به بقیه‌امکان کار نمیدهد .

روی این‌اصل پرویز فنی‌زاده مدتی است که اصلا در هیـچ نمایشنامه‌ای شرکت ندارد و تقریبا یکجور بیکاری آشکار بـراو در زمینه تئاتر چنك انداخته است .

از سوی دیگر فنی‌زاده وقتی مهرجوئی فیلم گاو را میسازد ، مانند تنی چند از بازیگران قبلی ایـن نمایشنامـه ، ایفاگر نقش کوتاهی در این فیلم میشود و با «گاو» او بدین ترتیب به سینما روی می‌آورد .

«رگبار» دومین فیلم او به حساب میآید که در واقع اولیـن

بقیه‌در صفحه ۴۵



چارلتون هستون

مردی برای همه‌نقش‌ها

● یکی از فتوژنیك‌ترین هرمندان سینمای آمریکاست . چهره‌اش نشان از یك عظمت قدیمی و افسانه‌ای میدهد و خبر از قدمت مردانی‌که در لابلای افسانه های تاریخی ، یادبودهای فراوان برای آیندگان برجای گذاشته‌اند ...

مهارت او در شکل دادن و وزن بخشیدن به رلهایش بی‌نظیرست خصوصا درایفای نقش‌های تاریخی مثل «موسی» (ده فرمان) بن‌هور و «السید». هستون گوئی برای ایفای این چنین نقش‌هائی آفریده شده، اما او هرگز نخواسته خود را در قالب چنین نقش‌هائی اسیر کند و بدام آنها بیفتد. برای همین بودکه اخیرا قالب نقش‌هایش را عوض کرد و به حیطه‌های جدیدی گام نهاد.

وی بتازگی از فیلمبرداری آخرین فیلمش «کلئوپاترا» فارغ شده است ، هستون در یکی دوساله اخیر ضمن دادن تحولی در کیفیت نقش‌های سینمائیش ، هوس کارگردانی فیلم هم به سرش افتادو ضمن کارگردانی «کلئوپاترا» خود به‌نقش «مارك آنتونی» در آن ظاهر شده است. قبل از این فیلم ، او از دنیای تخیل و اوهام بازگشته : دنیای «مرد امگائی» که از روی یکی از نوول‌های علمی تخیلی «ری برادبری» نویسنده مشهور آمریکائی اقتباس شده است.

در پلاتوی فیلمبرداری «کلئو پاترا» ، گفتگوی کوتاهی با او بعمل آورده‌ایم وی دراین گفتگو ابتدا ازدوران طفولیت خود حرف زد . از زمانی که در میشیگان کودك تنهائی بود و داستانهای زیادی را در اوقات تنهائی میخواند و آنها را بصورت ماجراهای گوناگون‌نزد خود تجسم میکرد، حرف زد. و بعدبفکر فرو رفت... شاید هم فکر کودکی ...

با او درباره فیلمهای تاریخی و نقش‌های مهم و برجسته‌ای که غالبا در انجیل وتورات با شخصیت‌های پرجاذبه آنها آشنائی حاصل کرده‌ایم حرف زدیم واین که ایفای این نقش‌ها تا چه حد در او تاثیر گذاشته است ؟

هستون گفت: «تنها چیزی که می‌توانم بگویم این است که من باایفای نقش «موسی» در ده فرمان هرگز خدارا نیافتم ولی چگونه می‌توان بازیستن در وجود این شخصیت‌های تاریخی ، تحت تاثیرآنها قرار نگرفت ؟

برای صحنه اصلی فیلم «ده فرمان» من پابرهنه روی قله‌کوهسینا ایستاده بودم وبنظرخودم بسیارعادی بودکه در بازگشت از آنجا دگرگونی عجیبی در خود احساس کردم که هنگام بالا رفتن اصلا وجود نداشت .»

ایفای نقش‌های تاریخی در چند فیلم بطور مداوم، این اشتباه را در ذهن تماشاگران بوجود آورد که هستون فقط نمایشگر شخصیت‌های تاریخی و مذهبی است و دراین مورد هستون گفت:

«من فقط یکی‌از شخصیت‌های‌انجیل را زنده کرده‌ام و آن حضرت موسی بود ولی تماشاچیان گمان میبرند که فقط ایفای این نقش‌ها تخصص من‌است وبرخی از آنان نیز اعتقاد دارند که «بن‌هور» یکی از شخصیت‌های انجیل است.

من گمان میکنم چنانچه ۱۵ سال دیگر در نقش یك دائم‌الخمر که زن خود را در کلبه محقری بشدت کتك میزند، ظاهر بشوم آنهائی که مرا در نقش‌های مذهبی تاریخی دیده‌اند بسیار خشمگین بشوند.»

از او پرسیدیم مشکل‌ترین نقشی‌که‌تا بحال دراین حیطه بازی کرده کدام است او گفت: «اجرای رل درفیلمهای تاریخی بسیار مشکل است . مثلا خود شما اگر خود را در شخصیت یك شوالیه که اغلب اوقات با زره بسر میبرد مجسم کنیدحتما از خود سئوال خواهید کرد که اشخاص قرن ۱۱ چگونه با این لباس‌ها زندگی میکردند !

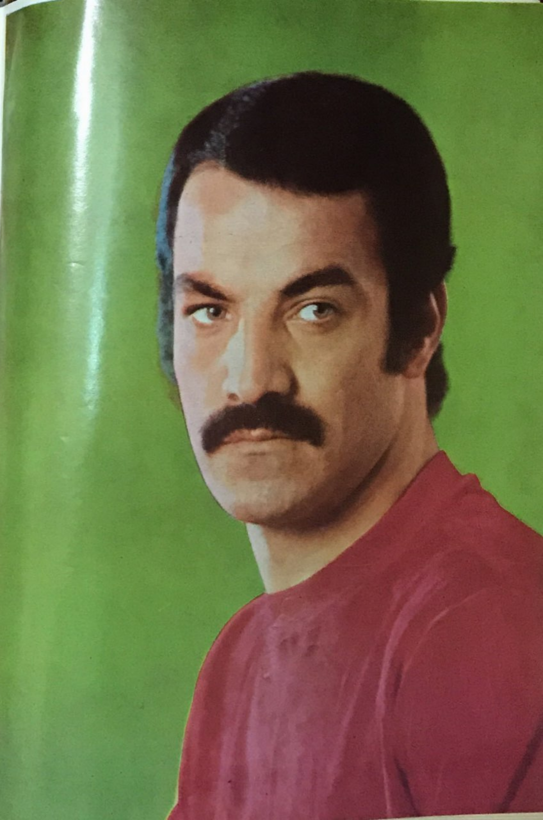
برای یك هنرپیشه این مساله همیشه وجود دارد و آن آفریدن شخصیت‌های خیالی است . مثلا «السید» بنظر من یك مرد عادی است که نه تنها در جنك‌ها پیروز میشود بلکه عاشق میشود و با «شیمن» ازدواج می‌کند و زجر میکشد برای آن که ایمان دارد.»

هستون که در یکی دو سال اخیر درفیلمهای متفاوتی چون «سلطان‌جزایر»

بقیه در صفحه ٤٥



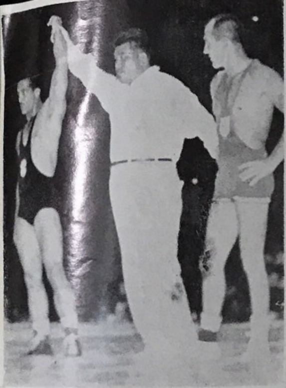








● محمد عرب در حضور شاهنشاه آریامهر



● محمد عرب هنگام کسب پیروزی در یکی از مسابقات جهانی

قهرمانی تازه درعرصه سینما...

«محمد عرب» نام آور دیگر کشتی بافیلم «طغرل» به‌سینماروی آورده‌است

● همانطور که اکنون قهرمانان فوتبال مورد توجه مردم خاصه ورزشدوستان میباشند زمانی‌هم بود که قهرمانان کشتی این اهمیت را میان مردم داشتند.

کشتی ورزشی است که از دیرزمان مورد علاقه جوانان ما بوده و هنوز هم علیرغم بعضی بی‌مهریها قهرمانان ورزشی ارج و قرب خاصی میان مردم داشته و دارند متاسفانه در سالیان اخیر نسبت به این ورزش ملی آنطور که باید و شاید توجه نمیشود واین باعث دلگیری جوانان ورزشکار این رشته ورزشی شده است. یکی از قهرمانان سابق کشتی کشور که از این بابت دلپردردی و گله فراوانی از مسئولین کشتی دارد، «محمد عرب» قهرمان سابق وزن پنجم کشتی فرنگی است که در حال حاضر نیز مربی کشتی فرنگی می‌باشد و جوانان علاقمند را در این رشته تعلیم میدهد.

محمد عرب از سال ۱۳۲۹ — زمانی که یك جوان ۱۶، ۱۷ ساله بود کار کشتی را زیر نظر مربیانی چون «ابوالملوکی و حبیب‌الله بلور» آغاز و بزودی توانست در رشته کشتی آزاد به عضویت تیم ملی ایران درآید و در مسابقات آسیائی و جهانی افتخاراتی کسب نماید.

در بدو کوششهایش با کشتی‌گیران نام‌آوری مثل‌مرحوم غلامرضا تختی، مرحوم مهندس جهانبخش توفیق، حسین نوری، محمدعلی فردین و امامعلی حبیبی همدوره بود و در چند مسابقه آسیائی نیز که در هندوستان، پاکستان و ترکیه برگذار شد توانست عنوان قهرمانی هم بدست آورد. وی بعد‌ها متوجه شد که در رشته کشتی‌فرنگی نیز میتواند مبارزه نماید و بعد از تعلیم در چند مسابقه جهانی چون مسابقات‌جهانی‌ژاپن (۱۹۶۱) مسابقات جهانی رومانی (۱۹۶۳) مسابقات جهانی فنلاند (۱۹۶۵) و مسابقات جهانی تولیدو (۱۹۶۶) امتیازاتی برای تیم کشتی فرنگی ایران بدست آورد، «عرب» ازسال ۱۹۶۷ به دستور آقای «خادم» رئیس وقت فدراسیون کشتی کشور، با عنوان مربی کارکشتی را ادامه داد و در حال حاضر علاوه برحفظ سمت مربی در استخدام سازمان تربیت بدنی کشور نیز می‌باشد.

«محمد عرب» نیز چون‌برخی از ورزشکاران، سالها است که تهیه‌کنندگان فیلمهای ایرانی برای شرکت درفیلم ازاو دعوت مینمایند که از آن میان اخیرا دعوت‌آقای جمال مجتهدی مدیر عامل سازمان سینمائی چهلستون را که در ضمن با او نسبت فامیلی هم دارد قبول نموده و با شرکت در فیلم «طغرل» قدم بعالم سینما گذارده است هفته گذشته با وی برخوردی داشتیم و بی‌مناسبت ندیدیم که گفتگوئی با وی داشته باشیم در مورد اینکه روی چه انگیزه‌ای بکار بازی در فیلمهای ایرانی روی آورده است و این است ماحصل این گفتگوی کوتاه.

***

● چطور شد که بفکر بازی در فیلمهای ایرانی افتادی؟

— حدود شش سال قبل که آقای مجتهدی و آقای دکتر کوشان در سینما اونیورسال با یکدیگر شریك بودند روزی بر-

خوردی داشتم با آقای کوشان ، ایشان بمن پیشنهاد کردند که در فیلم «حسین کرد» بازی نمایم ولی من بخاطر اشتغالاتی که آن زمان در عالم ورزش داشتم نتوانستم دعوت ایشان را قبول نمایم ، سپس از من خواستند که با «مرحوم تختی» در این مورد مذاکره نمایم ولی «مرحوم تختی» هم با اینکه آقای دکتر حاضر بودند دستمزد خیلی خوبی به او که تا آن تاریخ در سینمای ایران سابقه نداشت بدهند حاضر نشد در فیلم بازی کند .

بهر حال فکر بازی در فیلمی با آنکه بعدها از طرف چند تن دیگر منجمله آقای خاچیکیان هم بمن شد ، سعی کردم از ذهنم‌خارج کنم تا آنکه بالاخره چندی پیش مسافرتی داشتم‌همراه آقای مجتهدی و یاسمی بشمال ، که در آنجا آقای مجتهدی سرگرم تهیه فیلم «میخك سفید» بودند و بار دیگر پیشنهاد شد که من در فیلم بازی نمایم . آقای سیامك یاسمی قرار بود فیلم «طغرل» را برای آقای مجتهدی بسازند که میگفتند یکی از رلهای آن به تیپ و چهره‌ی من میخورد خلاصه بقدری وسوسه شدم که قبول‌کردم بازی درفیلم‌را شروع نمایم حالا تا چه‌اندازه رو سفید خواهم شد ؟ بعد از نمایش فیلم «طغرل» معلوم خواهد شد .

● اولین روزیکه جلوی دوربین فیلمبرداری رفتی چه احساسی داشتی ؟

ـ هیجانزده و ناراحت ، و این ناراحتی بیشتر از برگزاری یك مسابقه جهانی برای من‌بود . ولی بعد از فیلمبرداری چند پلان، کم‌کم از ناراحتیم کاسته شد تا اینکه بعد از چند روز برایم عادی گردید .

● از رلی که در فیلم «طغرل» بازی کرده‌ای راضی هستی ؟

ـ «طغرل» اولین فیلمی‌است که من در آن بازی کرده‌ام و چون قبلا هیچگونه سابقه‌ای در سینما نداشته‌ام ، نمیدانم در فیلم چطور خواهم شد . ولی با وجود آنکه نقش من در فیلم «طغرل» منفی است‌بخاطر آنکه میدان‌زیادی برای بازی داشته‌ام کلا از رلم راضی هستم و از این بابت بخاطر کوششی که آقای یاسمی برای بهتر شدن کار من کرده‌اند ، ممنونم ، آقای یاسمی برای من در سینما ، حکم آقای بلور را در ورزش دارند .

● چه خاطره‌ای از بازی در فیلم «طغرل» داری ؟

ـ روزی‌نزدیك یك آسیاب قدیمی‌صحنه آتش‌سوزی فیلمبرداری میشد و چون گاز را با بنزین برای شعله بیشتر قاطی کرده‌بودند شعله‌های آتش بقدری مهیب شده بود که افراد اکیپ از هنرپیشه گرفته تا کادر فنی با دیدن آتش فراوان پا بفرار گذاشتند دیدن منظره فرار آنها در بیابان که توام با یك نوع ترس بود برای من جالب بودکه‌آنرا بعنوان یك‌خاطره خوب از بازی در فیلم طغرل فراموش نمیکنم .

همچنین در جنك دو خروس که بطور خیلی جالبی در فیلم استفاده شده‌است هنگام فیلمبرداری آن صحنه من سر یکی از خروسها را با کارد میبرم و بطرف صاحبش که خواجوی است پرت میکنم بقدری با شدت و تندی این کار را کردم که کم مانده بود انگشت دست خودم را هم از بیخ ببرم که البته کارد تیز زخمی هم بدستم وارد آورد . اینهم خاطره‌ی بدی است که از بازی در فیلم «طغرل» دارم .

● از میان هنرپیشگان فیلم های ایرانی کار کدامیك آنها را دوست داری ؟

ـ ناصر ملك‌مطیعی و فردین هنرپیشگان مورد علاقه من هستند و این نه بخاطر دوستی دیرینه‌ایست که با آنها دارم بلکه بخاطر کار خوبی است که همیشه ایندو ارائه داده‌اند . از میان خانمها نیز کار «فروزان و شهین» را بیشتر از سایرین می‌پسندم .



● محمد عرب در میان نام‌آوران کشتی ایران



● محمد عرب همراه با سعید راد وحسن رضائی در صحنه‌ای از «طغرل» ساخته «سیامك یاسمی»

● محمدعرب در صحنه دیگری از فیلم «طغرل» اولین فیلم او



تلویزیون

تمرکز فعالیت شهین در تلویزیون

● شهین که یکی دو سالی است ، بطوری محسوس فعالیت هنری خویش را کاسته و علاوه بر رد پیشنهاداتی که در موردشروع مجدد کار خوانندگی دریافت می دارد، در قبول عهده‌دارشدن ایفای رلهای فیلمهای مختلف نیزوسواس مخصوصی بروز میدهد ، چندی‌است که بازهم هوای کار تلویزیونی کرده و بد نیست بدانید که چند سال پیش نیز شهین در یك سریال تلویزیونی که «خبرنگارماجراجو» نامداشت باتفاق ایرج رستمی و عده‌ای دیگر بازی نموده بود که باوجود ضبط قسمتهای مختلفی از این سریال ، پخش آن تا اینزمان بتاخیر افتاده است ، واکنون‌شهین سرگرم بازی در «گذرعمر» میباشد که عزت‌الله مقبلی، علی تابش ... و مژگان همبازی شهین دراین‌سری فیلمهای کوتاه بودهو احمدبهبهانی نویسنده داستانهای سری مزبوراست وضمنا تا چند روز دیگر شهین‌ضمن ایفای رل خود در قسمتهای‌مختلف سریال «گذر عمر»، بازی در یك سریال دیگر را هم در دست می‌گیرد و سریال مزبور بصورت نیم ساعته ضبط می‌شود و نویسنده‌اش احمد بهبهانی است و باین‌ترتیب با پخش سریالهای مورد نظـر از تلویزیون که از مهر ماه سال‌جاری صورت می‌گیرد ، تمرکز فعالیت های هنری شهین‌بیشتر درتلویزیون گردیده و ضمن این فعـالیت‌ تلویزیونی گهگاه نیزشهین‌را روی پرده سیما خواهیم دید!





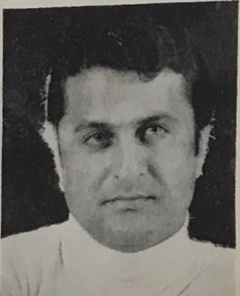
سامانتا وفیلم

● محتملالی در بین است‌تا تیپ سامانتا که شهناز تهرانی در برنامه تلویزیونی «اختاپوس» ارائه داد و درخششی برای او تولیـد نمود، در یك برنامه تلویزیونـی جدید مورد استفاده قرار گرفته و درحقیقت شهـناز تهرانی بنقش سامانتا ایفاگر رل اصلـی سریال تلویزیونی تازه‌ای شود، و امـا شهناز تهرانی که اینروزها مشغول بازی درفیلم «علی کنکوری» است قـرار است بلافاصله پس از اتمام این فیلم ، ستاره تحت یك فیلم دیگر از استودیو عصر طلائی گردد

گذرها و محله های قدیمی !

● برپایه داستانهائی مستند از گذرها و محله‌های قدیمی تهران فیلمهائی کوتاه در دست تهیه است

بازگشت حسین حسینی به تلویزیون



● زمزمه‌هائی هست کـه حسین حسینی به تلویزیون بـاز خواهد گشت .. و هنگامیکه این موضوع را با «حسینی» در میان میگذاریم ، و درمی‌یابیم که این امر واقعیت دارد و قرار اسـت «حسینی» با ایفای رلی در «خانه بدوش» ، سریالی که تا چندی‌دیگر پخش مرتب آن بصورت هفتگی از تلویزیون آغاز خواهد شـد ، فعالیت تلویزیونی خویش را ازسر خواهد گرفت و در کنار پرویز کاردان که در «خانه بدوش» رل مراد برقی‌را ایفاء می‌نماید، باریگر رل بااهمیتی در این سریال‌میشود. بهرحال گفتگوی کوتاهی باحسین حسینی بعمل آورده‌ایم که در ذیل ملاحظه می‌کنید :

ــ از کار در تلویزیون‌خوشت می‌آید ؟

ــ نسبتا بله ، منتهی من‌همیشه از یکنواختی دوری می‌جویم ویکی ازعوامل کناره‌گیری‌ام از «سرکار استوار» را هم یکنواخت شدن تدریجی نقش خودم بود و روی همین اصل دوری از یکنواختی ، در هرقسمت از «خانه بدوش» ، نقش کاملا متفاوت و متمایز ازهم را برعهده خواهم گرفت و باید دید که نظر تماشاگران تلویزیون در این باره چیست ؟!

ــ شخصا خیال ساختن سریالی

که از تلویزیون پخش می‌شود و سناریست وتهیه کننده این سری فیلمهای تلویزیونی محمدعلی‌عرفی زاد میباشد و ضمنا همایون‌شهنواز کارگردانی آنهارا برعهده دارد.

دو نمایشنامه

● پرویز تائیدی دو نمایشنامه «زیبای بی‌اعتنا» نوشته ژان‌کوکتو و«شب شگفت‌آور» نوشته اسلاو- میروژك را همین روزها برای تلویزیون ضبط می‌کند و تائیدی قصد دارد که ترتیب پخش هریك از این نمایشنامه‌ها را از یکی از دوکانال موجود بدهد.

چشم سوم !

● چشم سوم عنوان سریال جدیدی است کهشجاع‌الدین مصطفی زاده سازنده سریال تلویزیونی «داش پالکی» کهچندی است‌پخش آن از تلویزیون قطع شده،مصمم است کارگردانی آنرا عهده‌دار گرددو بد نیست بدانید که مدت هرقسمت از این سریال تلویزیونی کلا نود دقیقه خواهد بود .



نقاط دیدنی در یك وارنته



● عده‌ای از خوانندگان آماتور برنامه «کوکو» که وسیله «عطاالله خرم» تهیه میشود .

● عطاءالله خرم که هرچند زمان یکبار، ترتیب تهیه وارنته‌ای را تحت عنوان «کوکو» برای‌پخش از تلویزیون میدهد ، دست‌اندرکار آنست که این وارنته را بصورت برنامه‌ای ثابت‌از برنامه‌های‌هفتگی تلویزیون درآورد و روی این اصل نیز یك سری وارنته «کوکو»تهیه کرده و حتی کار ضبط آنرا نیز بپایان رسانیده است و همین روزها یك سری دیگر از وارنته های تلویزیونی «کوکو» ضبط خواهد شد و ناگفته نماند که در وارنته های «کوکو» ، یك عده خواننده های آماتور در کنار خواننده‌های سرشناس قرار گرفته و بهنرنمائی میپردازند،وضمناهروارنته «کوکو» هم دریك نقطه فیلمبرداری‌خواهد شد ودرواقع‌محل اجرای«کوکو» هربار یکی از نقاط دیدنی درتهران میباشد !

بطور مستقل را نداری ؟

ــ فعلا نه ، ولی ناگفته نگذارم که در یك سریال تلویزیونی دیگر هم که فعلا عنوان «هفت بازیگر» را برای آن برگزیده‌اند ، از وجود من برای ایفای رلی‌عمده استفاده خواهد شد که از هم‌اکنون تدارك تهیه آن دیده می‌شود .

ــ و اما با سینما و کار در آن چه می کنی ؟

ــ علاوه برآنکه فیلم «شهر آفتاب» را آماده نمایش دارم کهاینطورکه می‌گویند من‌ایفاگررل نخست آن هستم ، بازی در فیلم «استوار و پاسبان» را هم بپایان رسانیده‌ام و اینطور که احساس می‌کنم ، من و مرتضی عقیلی در کنار هم زوج جالبی در فیلم مزبور شده‌ایم و دو سه پیشنهاد بازی در فیلم به ما شده و بعید نیست که من و عقیلی برای مدتی زوج هنری جدیدی در سینمابوجود آوریم !

ــ و خوانندگی ؟

ــ قرارداد یکساله‌ای بایکی از کمپانیهای صفحه پرکنی بامضاء رسانیده‌ام که در عرض یکسال ، باجرای حدود ده ترانه جدید بپردازم که این ترانه‌ها بصورت صفحه نیز عرضه خواهد گردید ، و در مورد خواندن در کاباره ها هم که پیشنهاداتی بمن شده است باید بگویم فعلا خیال اینکار را نداشته و به خوانندگی در رادیو و تلویزیون و ارائه صفحه ، اکتفا خواهم کرد .

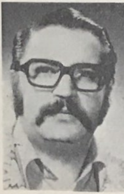
ــ چه نظری در مورد برنامه ها و سریالهای تلویزیونی داری ؟

ــ واله من عقیده‌ام در این مورد بدین ترتیب است که مشروط برآنکه هرچه بیشتر در تنوع کار تلویزیونی کوشیده و در ضمن از کش‌دادن مسائل مختلف دربرنامه‌ها و سریالهای تلویزیونی خودداری شود ، خیلی بهتر بوده و دراین صورت است‌که تلویزیون دلبستگی کامل و بیشتری برای طرفداران و نیز دست‌اندرکاراش پدید خواهد آورد .

ــ و یکمقدار هم هرچه میخواهد دل تنگت بگو ؟

ــ دلم میخواهد که همیشه در قالب طنز و خنده ، بیان‌کننده مسائل عمیق و قابل فکر باشم و شاید هم بهمین جهت به نقشهای کمدی ، البته در حدی بدور از جلف‌بازی و سبکی ، علاقه بی‌اندازه داشته و دارم و ایفای چنین کاراکتر هائی ، گوئی تسکینی برای من است و زندگی‌ام را پر می‌کند . و دیگر آنکه در مقابل این سئوال که بسیاری تاریخ ازدواج مرا جویا می‌شوند باید بعرض برسانم که حسین حسینی موقعی تن به ازدواج میدهد که زنی بتورش بخورد که همه آنچه می‌اندیشد داشته باشد .

بقیه موزیک



نیم دوجین موزیک متن ونیم دوجین آهنگ

● حسین واثقی که ضمن فعالیت پی‌گیر در زمینه ساختن موزیك متن برای فیلمها، بساختن آهنگهائی برای‌خوانندگان مختلف نیز میپردازد ، در حال حاضر عهده‌دار ساختن موزیك متن شش فیلم است که این فیلمها عبارتند از: ناتجیب ــ ساعت فاجعه ــ فتنه چکمه‌پوش ــ همیشه قهرمان مرد ــ ساحره. واما بد نیست‌بدانید که واثقی شش آهنك هم برای خوانندگان مختلف ساخته که یکی پس از دیگری باجرا درخواهد آمد و «ای‌وای» ، «دل من تنها بمونه» ، «قاصدك»، «سرآدم‌چی‌میاد»، «مدقلی» و «کو» اسامی انتخابی این آهنگها میباشد واولی را نلی ، دومی را پرتو، سومی را حسن شجاعی و چهارمین آهنك‌را پونه اجرا می‌کندو دوآهنك‌آخری نیز باصدای ایرج بگوش خواهد رسید!

موزیك متن غریبه

● بالاخره بابك بیات برای ساختن موزیك متن فیلم «غریبه» انتخاب گردید و بیات که موزیك متن فیلم «شیرتوشیر» نیز ساخته او می‌باشد،اینروزهاسرگرم ساختن موزیك متن «غریبه» است و در نظر دارد کهاز صدای‌یك خواننده نیز در متن فیلم استفاده نماید.





معرفی یك فیلم

اتل، متل، توتوله

● **ایرج قادری** همانقدر که در کار بازیگری موفقیت یافته است فیلمهائی را هم که کارگردانی نموده برایش پرموفقیت بوده است. بهمین جهت بعد از دگرگونیهائی که‌بدست فیلمسازان‌جوان در سینمای ایران پدید آمد او از هنرپیشگان معدودی است که توانسته در مقام کارگردانی‌همچنان دوام بیاورد.

چندین سال قبل غالب هنرپیشگانی که در کار بازیگری موفقیت می‌یافتندخود بکارگردانی هم رومیآوردند ولی بعدازساختن یکی، دو فیلم از میدان بدر میرفتند و بهمان بازیگری اکتفاء مینمودند فیلمهائی که قادری‌بعنوان اولین تجربه‌ی خود در زمینه کارگردانی ساخته است توانست برایش موفقیتی کسب نماید ولی چون او به ادامه این کار علاقمند بود آنقدر این کار را ادامه داد که اکنون همه او را بعنوان یك فیلمساز و کارگردان خوب قبول دارند و شاید بهمین جهت باشد که فردین حاضر شد کارگردانی فیلم «سکه شانس» را به او واگذار نماید.

از فیلمهای خوبی که قادری تاکنون کارگردانی کرده میتوان علاوه برسکه شانس، قلبها برای که می‌طپد، نقره داغ، لیلاج، بسترهای جداگانه، رابطه» و چند فیلم دیگر را نامبرد.

اتل‌متل توتوله فیلم تازه‌ای است که قادری آنرا کارگردانی نموده، موفقیتی که ایفای رل‌فیلم «کوچه مردها» برای قادری دربر داشت او را بفکر انداخت تا در فیلم تازه‌ای با آن تیپ بازی‌نماید. بهمین جهت سناریوی «اتل‌متل توتوله» را تنظیم نمود و طبق قراردادی که با کوروش فیلم‌داشت آنرا جلوی دوربین برد برای فیلمبرداری اتل‌متل توتوله اکیپی به شیراز سفر نمودند تا صحنه های مختلف آنرا در این شهر زیبا فیلمبرداری نمایند.

هنرپیشگان

● برای ایفای‌نقشهای اصلی فیلم یکعده از هنرپیشگان خوب و مورد توجه فیلمهای ایرانی برگزیده شدند که همراه اکیپ برای بازی در آن به شیراز رفتند.

نقش اصلی را خود «قادری» بازی مینماید و همانطور که اشاره شد او در قالب یك نقش کمدی همان تیپی را که در فیلم «کوچه مردها» ارائه داده در این فیلم ایفا نموده است.

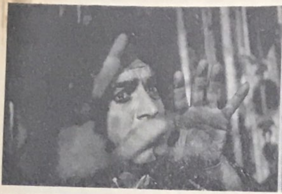
بهمن مفید برنده جایزه سپاس امسال بخاطر فیلم داش‌آکل که اینروزها سخت مورد توجه فیلمسازان است یکی دیگر از نقشهای مهم اتل‌متل توتوله را بازی نموده است.

مه‌ناز ستاره موفق فیلمهای









تبلیغاتی که از او سال گذشته فیلم **لوطی را دیده‌ایم نقش ستاره اصلی** فیلم اتل‌متل توتوله را بازی کرده است که با مهارت از ایفای آن **برآمده است .**

رضا فاضلی ایفاگر یکی دیگر **از نقشهای مهم فیلم اتل‌متل توتوله** است که با تیپ کاملا تازه‌ای آنرا **ارائه داده است .**

ژاله ستاره قدیمی سینما و **تئاتر که از کاندیدا های خوش** اقبال امسال برای دریافت جایزه سپاس بود در اتل‌متل توتوله **ایفاگر نقش مهمی است .**

«سهیلا» که درچند سال اخیر **تقریبا از کار بازیگری در فیلمهای** ایرانی بدور بوده است در اتل‌متل **توتوله نقش حساس ولی‌کوتاهی** بازی کرده است که امید میرود **برایش با موفقیت باشد .**

فرنگیس فروهر که اخیرا با ایفای چند نقش خوب موفقیت داشته است بار دیگر در اتل‌متل توتوله بازی در خورتوجه‌ای ارائه میدهد و بالاخره **جمشید مشایخی «خان دائی» معروف فیلم «قیصر»** یکی از بهترین بازیهای خوب خود را در سینما در این فیلم ارائه میدهد .

فیلمبردار

● فیلمبرداری اتل‌متل‌توتوله را فیلمبردار جوان و پرتلاش فیلم های ایرانی **کمال مطیعی** انجام داده است .

مطیعی با فیلم قصه شب‌یلدا رویه خود را در سینما تغییر داد همکاری مطیعی با ساموئل که بعدا فیلم دیوار شیشه‌ای را نیز برای او فیلمبرداری نمود توام با موفقیت بود و قادری نیز که از **کارش در اتل‌متل توتوله رضایت داشت فیلمبرداری فیلم بعدی خود** «عطش» رانیز بعهده وی گذاشت .

موزیك

● **برای فیلم اتل‌متل توتوله «احسین واثقی»** موزیك متن ساخته است .

واثقی در چند سال اخیر با ساختن آهنك متن برای چند فیلم **منجمله کوچه مردها ، میعادگاه** خشم ، زیر بازارچه ، نقره‌داغ ، **توبه و چند فیلم دیگر سخت مورد** اقبال فیلمسازان واقع شده وی‌یکی از بهترین کار های خود را در فیلم «اتل‌متل توتوله» انجام داده **است .**

تهیه

● فیلم «اتل‌متل توتوله» **ابتدا درکوروش‌فیلم جلوی‌دوربین** رفت‌ولی‌بعد ازاتمام فیلمبرداری‌آن **و انجام کار های فنی‌اش در تولید** فیلم‌چون‌مورد توجه «هایراپتیان» صاحب تولید فیلم قرار گرفت‌آنرا از صاحبان کوروش فیلم خریداری نمود و امتیاز آن بوی واگـدار **گردید .**

پخش

● امور پخش و توزیع فیلم اتل‌متل‌توتوله درتهران وشهرستانها بعهده سازمان سینمائی ژورك است . سازمان مزبور که یکی از مراکز خوب فیلمسازی کشور میباشد تاکنون در زمینه پخش و توزیع فیلم تهیه کنندگان دیگر فعالیتی نداشته و اتل‌متل توتوله اولین **فیلمی است که امور پخش آن‌بعهده** این سازمان محول گردیده است .

اتل‌متل توتوله پیش‌بینی میشود در ردیف فیلمهای موفق **امسال قرار گیرد .**



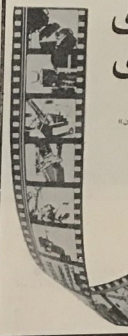


فیلمسازی آماتوری

از : فریدون ـ م صالح

«خبرنگار فیلم وهنر درآلمان»

« ۹ »



حرکات مختلف دوربین :

تا اینجا این موضوع روشن شده است که نوشتن سناریومستلزم تعریف وقایع در پلان‌های مختلف میباشد که در داستان اصلی اتفاق افتاده و یابعبارت دیگر عمل‌میشود ـ همچنین بایستی توجه داشت که خود دوربین هم در موقع خود، عمل میکند ـ بدین معنی که، دوربین هم نه‌اینکه فقط حرکت‌را ضبط کند بلکه خود نیز قادر بحرکت است و حرکات دوربین «اصطلاحاتی» دارد که در ذیل به آنها اشاره می‌کنیم.

حرکت پانوراما (افقی) :

این حرکت از چپ براست یا برعکس از راست به چپ انجام میشود (در سناریو قید شده ـ برداشت نزدیك حرکت دوربین پانوراما ـ محل فیلمبرداری اطاق کار بزرگی است که در گوشه‌ای یك میز تحریر ودر طرف مقابل در ورودی یك قفسه کتاب وجود دارد ـ هنرپیشه وارد اطاق شده و برای برداشتن کتابی بمیزنزدیك میشود وبعد از نگاهی به روی میز بطرف قفسه کتابها میرود) در موقع فیلمبرداری حرکت دوربین به‌این صورت است که اول در ورودی را نشان میدهد وقتی هنرپیشه وارد اطاق شد وبطرف میز رفت، دوربین هم از پهلو و موازی حرکت، او بحرکت در آمده با او پیش میرود تا به‌قفسه کتاب برسد.

حسن فیلمبرداری در حرکت پانوراما این است‌که تماشاچی‌آنچه را که از نظر بازگوئی داستان حائز اهمیت است همیشه در تمام طول پلان در جلوی دوربین در مد نظر دارد و به آن توجه‌میکند واین پشت ،موضوع یا شخص مورد فیلمبرداری است که مرتب در حال تغییر است ـ بهمین جهت‌از این نوع حرکت دوربین بیشتردر مواردی استفاده‌میشودکه بخواهند توجه تماشاچی را در طول پلان به موضوع معینی جلب نمایند. این نوع حرکت دوربین خیلی زیاد مورد استفاده قرار میگیرد ولی فیلمساز بایستی مواظب باشد که باانتخاب آن لطمه‌ای بسه‌نکته اصلی (توازن ـ همبستگی وصرفه جوئی) نزند.

حرکت عمودی دوربین :

این حرکت از بالا به‌پائین یا برعکس از پایین به بالا انجام میگردد ـ بطور مثال در کادر فیلم صورت شخصی با برداشت بزرك فیلمبرداری میشود ـ این شخص سکه‌ای گم کرده که زیر پای او افتاده وبرای اینکه در این پلان ارتباطی بین او و سکه گم شده برقرار شود ـ فیلمساز از حرکت عمودی دوربین استفاده مینماید. بدین ترتیب که دوربین آهسته بطرف پائین میرود، از روی سینه رد شده، بطرف‌پاها رفته تااینکه به نوك پا میرسد وسکه را که در کنار پای شخص افتاده، نشان میدهد.

حرکت بجلو یا بعقب :

دراین نوع حرکت، دوربین داخل صحنه شده و بطرف شیئی‌یا شخص بخصوصی پیش میرود (از برداشت توتال «کلی» تا برداشت بزرك) یا برعکس از قسمتی از صحنه بطرف عقب رفته و تمام‌صحنه را نشان میدهد (از برداشت بزرك تا برداشت توتال «کلی»).

این حرکت دوربین‌را امروز اغلب فیلمبرداران با کمك عدسی (زوم) که کانون آن متغیر است، انجام میدهند.

حرکت دوربین سوار :

از همان شروع سینما فیلم برداران سعی میکردند که‌امکانات جدید وتازه‌ای‌برای‌حرکت دوربین پیدا نمایند ـ ازجمله وصل‌دوربین زیر واگن قطار یا کنار گلگیر اتومبیل که البته در اوایل کار صحنه‌های فوق‌العاده جالبی بود، ولی تدریجا اثر خودش را از دست داده است ـ اما کم‌وبیش این نوع‌حرکت دوربین (مخصوصا در فیلم هائی که درباره اتومبیل رانی وغیره تهیه میگردد) بکار برده میشود ـ

وقتی در جائی از سناریو نامی از (حرکت دوربین سوار) نام برده شد منظور از دوربین است‌که روی یك وسیله نقلیه سوار شده است که درموقع فیلمبرداری‌گاری دستی را یا (جرثقیل) را همراه بازیکنان بحرکت در میآورند ـ

دیافراگم در سناریو :

یکی دیگر از نکاتی که فیلمساز بایستی توجه داشته باشد شروع و قطع پلان‌ها با استفاده از (دیافراگم عدسی‌دوربین) است ـ البته این بستگی به‌خواست خود سناریست دارد که‌بخواهد صحنه‌ای را از تاریکی آهسته آهسته روشن ویا برعکس از روشنائی به‌تاریکی برساند.

همانطوریکه قبلا گفته شد هرچه دیافراگم کوچکترودرنتیجه بیشتر بسته باشد نور کمتر بفیلم میرسد ودر نتیجه صحنه (درکپی پوزتیف) تاریك و سیاه وبرعکس هرچه دیافراگم عدسی بزرگتر یعنی بیشتر باز باشد نور بیشتر بفیلم میرسد که صحنه روشنتر و سفید میافتد ـ

حال اگر سناریست بخواهد پلانی را طوری شروع کند که از سیاهی بنور معمولی برسد، در سناریو بعداز نمره پلان و مکان دوربین مینویسد (دیافراگم باز).

برای برداشتن‌این‌پلان دیافراگم عدسی را کاملا بسته و فیلمبرداری را شروع میکنند و بعد آهسته دیافراگم را باز مینمایند (این‌کار را بایستی یك‌آسیستان انجام‌بدهد) تا اندازه آن برای نور صحنه‌کافی باشد ـ

همچنین اگر بخواهند پلانی را بتاریکی برده و قطع کنند در سناریو در آخر پلان نوشته میشود (دیافراگم‌بسته) که‌عکس دیافراگم باز عمل خواهد شد. بدین معنی که وقتی فیلمبرداری پلان تمام‌شد دیافراگم را آهسته میبندند. ضمنا از اصطلاح دیگری‌بنام (دیافراگم دوبل) استفاده میشود و آن در مواقعی بکار برده میشود که بخواهند از یك پلان به پلان دیگر بروند بدون اینکه پلان اولی یك دفعه قطع شود بلکه مقداری از انتهای پلان اول و مقداری از آغاز پلان‌دوم روی‌هم فیلمبرداری میشود.

در فیلم‌های‌سینمائی این‌عمل در موقع چاپ در لابراتوار انجام میگیرد ولی چون فیلمسازآماتور از دستگاه چاپ برخوردار نیست واغلب از فیلم (پوزتیف) استفاده میکند بایستی این اعمال را با دوربین فیلمبرداری خودش انجام بدهد که در بخش فیلمبرداری در این مورد مفصلا شرح‌ودر عکسهای متعدد نشان داده خواهد شد.

مروری بر فیلمهای استانلی کوبریك

ترجمه: جمشید اکرمی (۳)

کوبریك تیرگی دید خودرا نسبت به «انسان» یك عصر مکانیستیك در فیلم «اودیسه فضائی ۲۰۰۱» (۱۹٦۸ ــ درتهران: راز کیهان) مورد مکاشفه‌ای هرچه موشکافانه‌تر قرار داد . وی در ادای توضیح آنکه چگونه ایده ارژینال این‌فیلم به ذهنش راه باز کرد ، می‌گوید: «اکثر منجمین و دانشمندان علوم فضائی قویا متقاعد شده‌اند که در سراسر دنیا ــ اعم از کره ارض وسیارات سماوی ــ نشان اززندگی وموجودات زنده هست . بسیاری از موجودات این سیارات ازنظر میزان بهره‌وری از هوش و عقل انسانی با ما برابرند و بسیاری از آنان نیز ازاین حیث مافـوق ما هستند .

کوبریك ، همان زمان کـه این ایده را در ذهن داشت ، بـا «آرتور سی . کلارك» که فکـر می‌کرد داستان کوتاه «علمی ــ تخیلی او موسوم به «سربازنگهبان» می‌تواند اساس یك سناریو باشد ، تماس گرفت و بقیه ماجرای‌ساخته شدن این فیلم ، اینك گوشه‌ای از تاریخ سینماست ! .

آنان نخست داستان کوتاهی راکه دردست داشتند ، به یك‌نوول بسط دادند تا به تمام قابلیتها و ظرفیتهای سوژه، امکان خودنمائی داده باشند و آنگاه براساس ایـن نوول ، سناریوی فیلم را نوشتند.

کمپانی متروگلدوین مایر ، سناریوی آنها را خرید وسرمایه‌ای معادل شش میلیون دلار به تهیـه فیلم اختصاص‌داد، واین بودجه‌ای بود که پس از چهـار سال طول زمان تهیه فیـلم ، سربه ده‌میلیون دلار زد .

«اودیـه فضائی» در آغاز با نقدهای بی‌تفاوت و حتی خصمانه مواجه شد ، اما بعدا نقطه نظـر منتقدین در قبال این فیلم کـاملا تغییر یافت . علیرغم این، استقبال تماشاگران عادی از فیلم ، تقریبا باور نکردنی بود . فیلم ، تا بـه امروز ١٦ میلیون دلار فـروش داشته است واین البته مرز انتهائی نیست ، چرا که این فیلم باابعادی کاملا وسیع در سطح جهانی توزیع شده‌است و مسلما رقم فروش آن‌از این مرز تجاوز خواهدکرد .

«اودیـه فضائی ۲۰۰۱» بـا طلوع تمدن آغاز می‌شود.درسکانس افتتاحیه فیلم ، یك انسان میمون شکل را می‌بینیم که می‌آموزد از یك استخوان به چه ترتیبی برای از بین بردن‌یکی از همنوعان خود استفاده کند ، و فیلم از اینطریق، به لطف این تلویح کنایه‌آمیز ، گامی به‌سوی انسانیت برمی‌دارد . زمانیـکه مـرد میمونی اسلحـه استخوانیش را باحرکتی مارپیچ گونه به هواپرتاب می‌کند ، شاهد یك«دیزالو» می‌شویـم بـه یـك سفینه فضائی ، در سال ۲۰۰۱ ، که به آهنگی شتابان سینه فضـا را می‌شکافد .

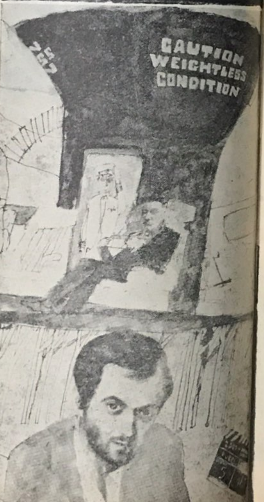
کوبریك در اینمورد گفتـه است :

«این یـك حقیقت قابـل رویت وانکار ناپـذیر است کـه تکنولوژی بشر به تمامی از آنچه که او به‌عنوان «وسیله ــ اسلحه» کشف کرده‌است ، پیدا آمده ورشد کرده است . تردید نیست که یك رابطه احساسی و عاطفی عمیق‌بین انسان و جنك افزارهای ماشینی او وجود دارد ، جنك افزارهائی که به منزله فرزندان او هستند . ماشین آغاز آن کرده‌است که به گونه‌ای زرف و گـست ناپذیـر در زندگی امروز خود نمائی کند وحتی وسوسه‌ها و علائق عاطفـی چندی را نیز جلب خود سازد .

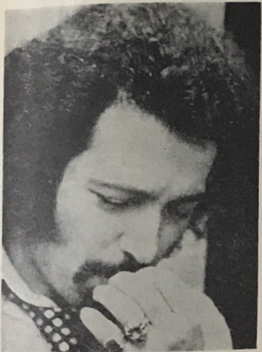
مع‌الوصف ، کوبریك معتقد است که انسان باید برای بـاز ستاندن و تثبیت سیادتش ، به فقط برماشین که برخود نیز ، همچنان بجنگد .

«یك کسی گفته است کـه «بشر» رشته ارتـباط گمشده‌ایست بیـن میمونـهای وحشی اولـیه وموجودات کاملا متمدن اعصـار آینده . شما شایدبگوئید که‌این‌یك تم‌لاینفك داستان «اودیسه ۲۰۰۱» نیزهست، ما آدمهـای این عصر ، موجودات نیمه‌متمدنی هستیم کـه حس‌تعاون در وجودمان هست، و نیزمهر وعاطفه . ولی بهرحال‌نیاز به‌یك جورتبدیل‌وضع‌داریم، یکجور انتقال به یك زندگی سطح بالاتر. از آنجا که وسائل از میان بردن زندگی و محو حیات در کـره زمین ، در دست هست ، پرهـیز جستن از یك سرانجام فاجعه آسای احتمالی ، به چیزی بیش از فقط طرحریزی دقیق وهمکاری معقول ومنطقی نیاز خواهد داشت .

در شماره آینده تمام میشود







خبرهای موزیك

ترانه دو صدائی ماسیس و اونیك !

● ماسیس و اونیك که زمانی باتفاق داریوش ، کیوان ، افشین وتلی دربرنامه‌های تلویزیونی «شش‌وهشت» و «چشمك» شرکت داشتند واکنون تنها خوانندگان بازمانده برنامه‌های مذکور، ماسیس واونیك بشمار میروند، که قرار است که باتفاق هم یك ترانه دو صدائی جدید بخوانند و اونیك که ضمن خوانندگی گهگاه به ساختن آهنگی نیز میپردازد ، در صدد ساختن آهنك این ترانه که انتخاب شده از ترانه‌های ارکاد ترانه برای ارمنی محسوب می‌شود است!

تا سه نشه

● قرار است «نلی» که تا چند روز دیگر صفحه‌ای بادوترانه از نلی که «کی‌بهت‌یاددادده گولم زنی» و «سایه‌»ها عناوین آنهاست ببازار عرضه خواهد شد، وی‌اخیرا در فیلم «مرد» بجای سیمین علی زاده آهنگی خوانده است ، این سومین باریست که «نلی» بجای هنرپیشگان سینما در فیلم آواز میخواند ، مهناز وارغوان ، دو هنرپیشه دیگر هستند.



صدای‌فرهاد در یك فیلم دیگر

● بعداز «رضا موتوری»... و «خداحافظ رفیق» که در آنها از صدای فرهاد بهره‌گیری شده‌و ترانه‌هائی بوسیله فرهاددر فیلمهای مذکور اجرا گردیده بود ، اکنون «زنجیری» را نیز باید به لیست اینگونه فیلمها افزود چه که چند روز پیش فرهاد ترانـه‌ای تحت عنوان «خسته‌ام» را که شعر آن سروده تورج نگهبان و آهنك آن نیز از ساخته‌های سازنده موزیك متن این فیلم محمد اوشال است ، برای فیلم «زنجیری» اجرا کرد و این درحقیقت دومین ثمره‌همکاری فرهاد بامحمد اوشال‌است‌که چندی پیش نیزآهنگی تحت‌عنوان «اسیر شب» را باشعری از عباس صفاری برای اجرا در اختیار فرهاد قرار داده بـود ، و حـال متن شعر :

خسته‌ام از همه
خسته از دنیا
آسمان بشنو از
قلب من این صدا
ای زندگی بیزار از توام
بیزار از این عالم
بیگانه‌ام با سیمای تو
دیوانه دنیای تو
خسته‌ام از همه
خسته از دنیا
آسمان بشنو از
قلب من این صدا
درهم مشکن زنجیر مرا
بهتر که شوم رسوا
رفتم که دگر بادست شما
پنهان شوم از چشم دنیا

سفر واروژان

● واروژان که با ساختن موزیك متن فیلم «رشید» فعالیت خویش را در زمینه موزیك متن سازی برای فیلمها گسترش داد و بتازگی نیز ساختن موزیك متـن فیلم «فدائی» را بپایان رسانیده که ناصر دراین فیلم بخواندن یك ترانه پرداخته است ، وی بـرای تکمیل تحصیلات خویش در زمینه موزیك بزودی عازم فرانسه‌خواهد شد وبرای مدتی فعالیتهای هنری خویش را درایران مسکوت خواهد گذاشت.

بقیه درصفحه ۳۱





حمیرا و مهستی

دربرابر یك مشت سؤال مشترك

● مهستی که بقولی «خانم۴۳۰» لقب گرفته و این بدان جهت است که مهستی با اجرای گلهای۴۳۰ کار خوانندگی را آغاز نمود از خوانندگانی بشمار میرود که پله‌پله مسیر خوانندگی را پیموده وضمنا بجز شایعاتی که زمانی درمورد عشق مهستی با پرویز یاحقی برسر زبانها افتاد و این شایعه باازدواج یاحقی وحمیرا بایکدیگر فروکش کرد و در ضمن یکزمان نیز از وجود روابطی آنچنانی بین مهستی و کوروس سرهنك زاده حـرفهائی زده می‌شد ، مهستی تاحدامکان ازجنجال پراکنی بدوربوده وپیوسته همسر وتنها فرزند خویش‌رامقدم‌برهمه دانسته است.و امامهستی از یکی دوسال پیش یك همکاری پی‌گیر را با جهانبخش پازوکی آغاز نمود و ساخته‌های این آهنگساز و ترانـه سرای نسبتا تازه‌کـار را خواند و از این همکاری ، یك بهره‌برداری دوجانبه نصیب مهستی وپازوکی گردید و درواقع علاوه بر آنکه ساخته‌های پازوکی گل کرد. بلکه‌صدای‌مهستی‌هم‌نیز بیش‌از پیش‌مورد توجه‌واقع‌شد ومهستی باافزودن فعالیت خود باآهنگسازان باصطلاح حساب شده‌دیگر ،توانست به موقعیتی قابـل توجه دست یابد و حتی از حمیرا که قبل از مهستی بخوانندگی رو کرده و مهستی دنبال زمینه‌ای را که ابتدا حمیرا به خواندن درآن‌زمینه اقدام کرده بود گـرفت وهمین باعث شد که از او بعنوان رقیب حمیرا نامبرده شود، نسبتا پیشی گرفت و تا حدی که بقولی حمیرا رقیب مهستی شد و نه‌مهستی‌رقیب حمیرا !

بهرحال این اواخر همزمان باقطع موقتی فعـالیت مهستی بـا پازوکی و نیز نوعی کم‌کاری او،حمیرا جنبشی را در کارخوانندگی آغازنموده وباکمك‌همسرش یاحقی‌یکی پس ازدیگری اجرای ترانـه‌های متنوع را برعهده گرفته وجبران کم‌کاری‌های خود را در زمینه خوانندگی نموده است.

واما در ذیل ، چند سئوال مشترك با این دو خواننده مطرح‌شده که بدنیست به‌آن توجه کنید:

— نظر شما درباره رقابت‌هائی که در زمیـنه خـوانندگی بین خوانندگان پیش می‌آید چیست ؟

حمیرا: رقابت در هر زمینه‌ای که میخواهد باشد ، درهر صورت غیرقابل انتقاد بوده و در واقع یك نوع «فرصت» برای عرضه وجود بحساب می‌آید ، همین !

مهستی : نه‌خیال کنید که‌از رقابت میترسم، ولی بخاطر آنکه رقابت ، تولید مقادیری جنجال وسروصدا می‌کند و منهم از این عوامل متنفرم ، با عنوان کردن‌رقیب و رقابت میانه خوشی ندارم واگر هم در مسیر آن‌قرار گرفته‌ام ناخودآگاه و بدون میل شخصی بوده وبس !

— درانتخاب ترانه‌ها وآهنك هائی که اجرا می‌کنید تا چه حد وسواس بخرج میدهید ؟

حمیرا: تاحدیکه اگر «دلخواه» نباشند، حاضرم خـوانندگی‌ام را برای هرمدت که شده مسکوت بگذارم !

مهستی: من‌بیشتر بـه خـودآهنگساز وترانه‌سرا توجه کرده و می‌کنم و وقتیکه آهنگساز وترانه‌سرائی را برای همکاری برمی‌گزینم ، با اطمینان به‌اثر او سعی می‌کنم به بهترین نحوی که قادر هستم ارائه دهنده آن باشم.

— چه‌تصمیماتی‌در مورد‌ادامه‌فعالیت هنری خویش دارید ؟

حمیرا: از درجا زدن پرهیز کردن و برداشتن یـکی پس از دیگری قدمهائی مستحکم در راه‌خوانندگی بدور از ابتذال ، این است هدف من برای آینده !

مهستی: من همچنان در دوزمینه خاص موسیقی بکارم ادامه خواهم داد که‌یکی خواندن آهنك‌هائی در زمینه موسیقی اصیـل ایرانی است و دیگری اجرای آن‌نوع آهنگهائی که درست است که اصالت آنچنانی را احتمالا دارا نیست ، ولی خوب آنچیزی میباشد که خواستار دارد و منهم خودراموظف به‌انجام این خواسته مشروع میدانم !

آغاز دومین هفته نمایش موفقیت آمیز فیلم
بزرگ سال در گروه ممتاز سینمائی پایتخت

آسیا ـ رکس ـ شهوند ـ لیدو ـ رنگین کمان ـ ژاله
ـ پاسارگاد ـ توسکا ـ المپیا ـ چرخ و فلك ـ شرق ـ فیروزه
ـ درایوین سینما ونك ـ و... دیانا ـ حافظ

ناصرملک مطیعی ◦ فروزان ◦ بهمن مفید

برندگان جایزه سپاس سال : ۱۳۵۰ در فیلم





خاطرخواه

محصول: فیلمکو فیلمز



اقتباس از داستان: ارونقی کرمانی

با شرکت: ثریا بهشتی کارگردان: امیر شروان ـ فیلمبردار: مازیار پرتو ـ موزیک متن: انوشیروان روحانی

سینمای سیاه

یافت کوتو ـ ارل کامرون ـ دیك گریگوری ـ ارول‌جان ـ ابه لینکلن ـ ریموند سن‌ژاك ـ اوسی دیویس ـ کالوین لاکهارت ـ سامی دیویس ـ جیم براون ـ گادفری کمبریج ـ ریچارد روند تری... علاوه براینهاکه معروفترین هنرپیشگان سیاهپوست سینماهستند تعدادی در تلویزیون با کاراکتر های چشمگیر معرفی شدند که معروفترینشان: بیل‌کازبی (تعقیب دایان کارول (جولیا) ـ کریك موریس (بالاتر از خطر)ـ پرسی رودریگز (کارآگاهان) می‌باشند.

نکته قابل توجهی که باید دراینجا به ذکر آن پرداخت دست گذاشتن روی سبکهای مختلف سینمایی ازجانب‌سیاهپوستان است. دیگر آن زمانی که سیاه فقط در لباس خدمتکار یك مالك ثروتمند به‌ایفای نقش می‌پرداخت گذشته است . دیگر ما سیاهان را در فیلمها ، در مزارع پنبه نمی‌بینیم، وقایع کتاب «کلبه عموتوم» که نوشته «هریت‌استو» است دیگر تکرار نمی‌شود . چه نه تنها سیاه امروز قدر و منزلت پیدا کرده ، بل با هنری که از خویش بروز داده ثابت نموده که‌قابلیت تحسین شدن را دارد. قبل از معروف شدن سیاهان در سینما ـ هنر سیاهان محدود به موزیك خاص واصیل خودشان یعنی (جاز) می‌شد ، سیاهانی مثل: «لوئی آرمسترانك نت‌کینك‌کول ـ ری چارلز ـ الافیتزجرالد ـ جانی ماتیس ـ ابه‌لینکلن ـ ارتافرنکلین ـ شرلی بسی ـ جیمز براون» وخیلی‌های دیگر که شاید در فیلمها روی سن کاباره‌ها، هنر بی‌مانندشان را تحسین کرده باشید.

امروزه سیاهان با تیتر معروف خود که (سیاه زیباست) خود را قابل برابری با دیگر نژادها می‌دانند و چه بسا اگر برتر ندانند کمتر به حساب نخواهند آورد . آنها کسانی‌چون «پاتریس‌لومومبا» و «مارتین لوترکینك» هایی را دارند که جانشان را برسر برابری نژاد سفید و سیاه از کف داده‌اند هنرمندان بزرگی چون «مارلون براندو ـ فرانك سیناترا ـ دین مارتین ـ چارلتون هستون» آنها را همراهی و یاری نموده‌اند تا در مبارزات ضد تبعیض نژادی ، حرفهایشان را بزنند و کینه‌های دیرین را بدور ریزند و جامعه‌ای متساوی و برابر تشکیل دهند .

زمانی بود که‌به‌این تبعیضات بشدت در فیلمها اعتراض می‌شد ، فیلم «غول»ساخته«جورج‌استیونس» از آن جمله است. امروزسیاهان حتی در عرصه سینما کارگردان سیاهپوست نیز دارند ، وگرچه با فیلمی که از او در اینجا به‌نمایش درآمد، پختگی و قدرت لازمه وجود نداشت ولی بهرحال همین تهیه فیلم از جانب سیاهان گام بزرگی در راه پیروزی آنان است. به خصوص که بعداز سالها سیاهان ثابت کردند که نه تنها مظلوم و توسری خور نیستند، بل بادیگران تفاوتی ندارند.این‌شخص «گوردون پارکر» است که فیلمش «شفت» می‌باشد. نخستین فیلم او «درخت دانش» است که‌در فستیوال باهاما نیز به‌معرض نمایش درآمد.

علاوه براینها، سیاهان، هنرمند بزرگی چون «گادفری کمبریج» را دارند که در نقش‌های کمدی به حد استادی رسیده است وفیلم هایی‌چون «بزرگترین شیادان‌عالم» و «روانشناس‌رئیس‌جمهور» دلیلی است براین ادعا. معروفترین فیلم هائیکه سیاهان در آن ایفای نقش نموده‌اند اینها است:

برباد رفته ـ کشتی نمایشات هاله‌لویا ـ پورگی وبس ـ دو جنتلمن شارینك ـ کلبه عموتوم ـ شکاف ـ کمدین‌ها ـ کنر ـ مزدوران ـ جوانا ـ حادثه‌توماس کراون ـ نسل خشمگین ـ شفت و ... وچند فیلم دیگر به‌اضافه فیلمهایی که در فوق نامشان‌رفت.

ضمنا مشخص‌ترین فیلمسازی که سیاهان را در آثارش بکار گرفت «استنلی کریمر» می‌باشدکه بامطرح ساختن مسایلی پیرامون تبعیض نژادی (که منظور بهره‌برداری از این سوژه و تجارت صرف بوده) بیشترین فیلمهای سیاهان را او امضاء نموده است.

بهرحال «سینمای سیاه» می رود که به سپیدی بگراید و جهانیان را متوجه سینمائی نو در بطن سینمایی کهنه بسازد.

چگونه صداها ،سکه سازشدند؟

کلام دوبلورها برمی‌آید، علتش کم‌بودن تعداد گویندگان مبرزاست .

گویندگان امروز ، همانهائی هستندکه از هشت سال‌پیش به‌این‌سو وجود داشته وعلتش (باز با استناد به‌گفته دوبلورها) زیاده‌طلبی ، کارآموزهای امروزیست که معمولا چون میخواهد ازهمان ابتدا از کارش بهره‌برداری کند ونمی‌شود ، در نتیجه ازکارکنار میرود ، حال آنکه دوبلورهای قدیمی ، حتی دوسال، بصورت مجانی ، فعالیت نموده‌اند .

ایرادی که به دوبله می‌گیرند واکثرا وارد نیست ، تغییرداستان فیلم‌ها ومقام وموقعیت افراد درفیلم است‌که این را معمولا صاحبان فیلم تکلیف می‌کنند و دوبلور ناچار از انجام آنست ، ولی شنیده شده است که مدیران دوبلاژ راسا بقولی (برای خوش‌خدمتی) تغییراتی داده‌اند تا ضمن مقبول طبع تماشاگر سهل‌پسند واقع شده وبدین ترتیب منزلتی نزد صاحب فیلم داشته باشد ! که تعداد این چنین دوبلورها و آدمهای دست‌اندرکارش مشخص هستند که در فرصتی به‌آن خواهیم پرداخت .

اما مشکلاتی که ما دریکسال اخیر از حرفهای دوبلورهای بانام در کار دوبلاژ استنباط کرده‌ایم ، بصورت گذرا نقل می‌کنیم .

* درکار دوبلاژ هم ، مثل همه‌کارهای دیگر (متاسفانه) زدوبند ودسته‌بندی وجود دارد .

* گروهی تازه‌کار ، به دوبلاژ لطمه میزنند ، اینها باپذیرفتن مبلغ کمتر ، منزلت واهمیت کار را کاهش میدهند .

* بین دوبلورها اتحادی وجود ندارد واطمینانی فیمابینشان برقرار نیست .

* دستمزد دوبلورها خیلی دیر پرداخت میشود وایطور که عنوان میشود ، بعضی ازمدیران دوبلاژ دراین امر مقصرند .

* تامینی در کار دوبلاژ وجود ندارد ، ازبیمه وبازنشستگی‌خبری نیست ، اگر دوبلوری احیانا صدایش را از دست بدهد ، کسی و مرجعی نیست که او را یاری بدهد وعلتش محدود بودن وکلا کم تلاش بودن اتحادیه گویندگان است ... که در این مورد وکلا درباره مشکلات کار دوبله ، از هفته آینده بادوبلورها گفتگو میکنیم .

استودیوهای دوبلاژ

استودیوهای دوبلاژ برسه‌دسته‌اند، استودیوهائی که‌منحصرابرای دوبله بوجود آمده‌اند، استودیوهائی که برای دوبله فیلم هائی تلویزیونی فعالیت می‌کنند و استودیوهای تهیه کننده فیلم ایرانی ، که انحصارا فیلم های تهیه شده درایران را دوبله می‌کنند (اسامی که بعنوان مثال درذیل میآید، کامل نیست)دماوند ــ راما ــ پاسارگاد ــ شهاب ــ تلویزیون ملی ایران ــ کاسپین ــ آوازه ــ تلویزیون فیلم ــ پارس فیلم ــ میثاقیه ــ عصرطلائی ــ مهتاب‌فیلم ــ مهرگانفیلم ــ نقش جهان ــ ایران فیلم ــ پلازا .

دوبله و هنرپیشگی

برخی از دوبلورها هستند که قبلا در فیلم‌ها بازی میکردند و حالا انحصارا کار دوبله می‌کنند، وبرخی دیگر نیز قبلا کارشان دوبله بود و حالا منحصرا درفیلم‌ها ظاهر میشوند ، تعداد دیگری از دوبله بسینما روی آوردند وحالا به‌تناوب این‌کاررا ادامه میدهند وبا اینکه بطورکلی بدوبله بازگشت کرده‌اند ، بهرحال برخی ازنامهائی که خاطرمان هست ، در اینجا نقل می‌کنیم :

ناصر ملک‌مطیعی ــ فروزان ــ بوتیمار ــ بهروز وثوقی ــ منوچهر والی‌زاده ــ چنگیز جلیلوند ــ نقی‌طهوری ــ منوچهر نوذری ــ ایرن ــ فرشید فرزان ــ فرخنده ــ سیامك یاسمی ــ مرتضی حنانه ــ فریبرز صالح ــ پروین ملکوتی ــ آذرشیوا ــ تاجی احمدی ــ حمید قنبری ــ توران مهرزاد ــ محمدعلی زرندی ــ مهین دیهیم و ....

و گفتگو با دوبلورها :

واز هفته‌آینده «فیلم وهنر» صفحه تازه‌ای خواهدداشت و در این صفحه ما هربار بایکی ازدوبلورها گفتگوهائی خواهیم داشت .

رضابیک ایمانوردی

● **در یکی دو فیلمی که کارگردانی کردیدخودتان نمایشگر نقش یك قهرمان بوکس بودیدچرا بهایفای این قبیل نقش‌ها ادامه ندادید ؟**

ـ من اصلا از کاراکتر یك بوکسور خوشم میآید ، یعنی از ورزش ، مخصوصا اگر خصایصی مثل «محمدعلی کلی» داشته باشد وعلاقه دارم یك روز قهرمانانی‌که ما در سینمای خودمان‌نشان میدهیم از قهرمانان ورزشی باشند و فی‌المثل بجای دشنه در دست این قهرمانان ، یك دستکش بوکس‌باشد واین چیزی است که من همیشه مراعات کرده‌ام.

● **تا چه حد می‌توان در زمینه ورزش و زندگی یك‌قهرمان ورزشی در ایران فیلمهائی ساختو این فیلمها چگونه باید باشند ؟**

ـ من امیدوارم روزی این فرم مراعات بشود و همانطور که گفتم، بجای آن که یك قهرمان معمولی را نشان بدهیم یك‌قهرمان ورزش را در فیلم‌های خودمان عرضه کنیم خصوصا اگر خصایص مثبت هم داشته باشد. این کار دو فایده دارد یکی آن که نوجوانان را به‌ورزش کردن تشویق می‌کند ودوم آن که پذیرش این نوع قهرمانان هم برای مردم راحت‌تر خواهد بود و من امیدوارم بازار خوبی در این زمینه پیدا بشود.

● **چه خاطره‌ای از دوران فعالیت‌های ورزشی خود دارید و اصولا ورزش تا چه حد در زندگی شما تاثیر داشته است؟**

ـ خاطرات فراوانی دارم . اما این خاطرات یك چیز را بمن ثابت کرده و آن این که صفا و حسن نیتی که در ورزش و ورزشکار هست در هیچ محیطی وجود ندارد.

در ورزش آدم‌هائی که از لحاظ فرم اجتماعی مختلف هستند مساوی و برابرند ولی در سمت‌های دیگر اجتماع این مساوات و طرز تفکر وجود ندارد مثلا در روی یك تخته هالتر کسانی که تمرین میکردند یادم میآید یك دکتر، یك دبیر و یك‌شاگرد بقال بودند وهمه این افرادبرای باشگاه و یکدیگر احترام مساوی داشتند.

ورزش مثل سینما نیست که هر نورسیده یا نوجوانی برای پیشکسوت خود رجز خوانی کند. در سینما جوانانی که تازه از گرد راه رسیده‌اند و هنوز دست راست و چپشان را نمی‌شناسند، می‌توانند از یك نفر که مثلا سالها تو این کار استخوان خرد کرده و سمت پیشکسوتی آنها رادارد، بدبگویند واورا لجن‌مال کنند. امادر ورزش هیچکدام از این چیزها وجود ندارد هرچقدر هم پیشکسوت‌ضعیف تر و نورسیده قوی‌تر باشد باز این جوان تازه از راه رسیده سعی می کند از تجارب و فهمی که آن پیشکسوت در ورزش مورد علاقه او دارد، استفاده نماید.

علی جباری

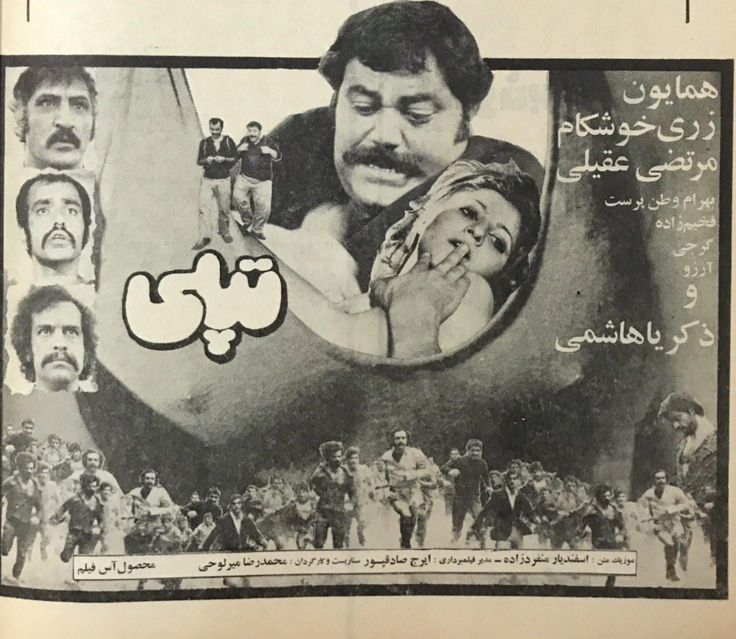
کاران سینما سعی خواهند داشت بهترین بازیها ویا کارهایشان ارائه را دهندتابه‌جایزه‌سپاس دست یابند واین یك‌گام برای ترقی سینمای ایران بود.

● **نمیدانم تاحال مجله فیلم و هنر را مطالعه کرده‌اید نظرتان در موردش چیست ؟**

علی جباری: من اصولا به مطالعه علاقمندم تمام نشریات را مطالعه میکنم و از مطالب این‌مجله خوشم می‌آید.

آغاز دومین هفته نمایش موفقیت آمیز در سینماهای :

کاپری - نیاگارا - اروپا - میامی - الوند - کیهان - مارلیک - اورانوس - ری - اسکار - فردوسی - سیلورسیتی (قلهک) و سیلوانا



گزارش فیلم

ترحم قصد کمك به «هرمی» را دارد ؟!

دراینجاست که «مالیگان» خیلی جدی میشود وکاراکترها (حتی رفیق هرمی «جری‌هوسر») آرامشی معقولانه می‌یابند و خیلی سنگین و شمرده حرف می‌زنند ــ حرفهائی که دوپهلو و جنبه‌داراست ــ سپس مصیبت جدائی با نامه‌ای که «دوروتی» از خود بجاگذاشته ــ فرود می‌آید و یادآوری این نکته که هیچوقت همدیگر را فراموش نخواهند کرد .

بدین‌ترتیب «رابرت مالیگان» در پرداخت عشق بجائی‌میرسد که قبلا بطورغیر مستقیم با لحنی‌کنایه آمیز آنرا مورد خطاب قرار داده بود .

● در یکی از صحنه‌ها که قهرمانان فیلم به سینما میروند فیلمی از «پل هنرید» و «بت دیویس» در حال نمایش است که بظاهر عشقی از سالهای ۴۰ را بازگو می‌نماید که در آن «پل هنرید» دوسیگار را باهم روشن می‌کند ویکی را به «بت‌دیویس» میدهد و گفتگوی عاشقانه آنها از ماه و ستارگان است واین با عشقی که در داخل سالن سینما بین قهرمانان جوان فیلم میگذرد کاملا متفاوت است چون دستهای حریص ولی مضطرب «هرمی» در جستجوی سینه‌های دختر است و اشتباها بازو را بجای سینه میگیرد و این عیر مستقیم کنایه‌ای است به‌عشق های آسمانی که توسط هالیوود ساخته وپرداخته میشد و «مالیگان» سرانجام در سکانس اختتامیه به چنین نقطه‌ای میرسد ونشان‌میدهد که هنوز هم قراردادهای سنت‌شده هالیوود حاکم است و (شاید) بطور ناخودآگاه در اعمال فیلم‌سازان امریکائی هنوز هم نفوذ دارد.

● در رگلام فیلم گفته شده که در زندگی هرکس‌یك «تابستان ۴۲» وجود دارد ولی بعقیده ما بعید بنظر میرسد که در زندگی آقای «رابرت مالیگان» این چنین تابستانی بوده‌باشد.

بازگشت گوگوش

هیچ‌کسی بحدگوگوش درمطبوعات ایران مطلب چاپ نشده است و مطبوعات کشور برای کسب خبر و عکس تازه برقابت های شدید پرداخته‌اند . در هرحال بازگشت، سفر و زندگی گوگوش همچنان مسئله داغ هنری مطبوعات ومجامع و محافل مختلف است و پیش‌بینی میشود که بازگشت وی بایران سبب شود که بار دیگر تصاویر او روی جلد مجلات را بخوداختصاص دهد . جالب آنکه درآمد گوگوش از پورسانتاژ صفحاتی که از او در ایران ضبط شده است در هرماه در حدود یك میلیون ریال است که همه باروپا حواله میشود تا صرف مخارج او وهمراهانش شود. تصور میرود که بازگشت گوگوش بایران این بار تحت شرایط‌خاصی صورت گیرد و در کار او ، درآمد و مخارج او کنترل‌شود تاهنرمندی که اینگونه در میان مردم محبوبیت دارد ، زندگیش دچار دشمنی ها و کینه‌توزی ها و رقابت های بیحاصل عده‌ای نشود و زندگی ساده و آرامی را در کشور خود از سرگیرد .

زری‌خوشکام

● نظرتان‌راجع به‌مطبوعات چیست ؟

ــ مطبوعات واقعا اعصاب‌مرا خرد کرده‌اند چون با انتشارخبرها وشایعات بی‌اساس در اطراف من، باعث شده‌اند که من بطور کلی‌از مطبوعات دوری کنم . من واقعا از آنها گله دارم چون‌بخاطر بالا رفتن تیراژ خودشان ، درزندگی خصوصی من دخالت می‌کنند ! پس ازاین ما سعی می‌کنیم بعضی از جراید را بهیچوجه نخوانیم چون مطالبی که درمورد ما می‌نویسند بهیچوجه با واقعیت وفق نمیدهد و فقط بخاطر فروش خودشان بوده و بدون در نظر گرفتن زندگی‌خصوصی من و علی مطلب درباره ما می‌نویسند که‌البته برای ما بی‌تاثیر است .

حق تماشاگر

یا مال بد، بیخ ریش صاحبش — اما آیا این جواب قانع‌کننده و منطقی است؟ آنهم در زمانی که سینما تا حد نان و گوشت یکی از حوائج روزمره مردم شده است — بیائید آمار تعداد کسانی را که هرروز در تهران سالنهای سینماها را پر و خالی می‌کنند، بگیرید. خواهیددید که‌چه‌رقم‌قابل ملاحظه‌ای است — بنابراین نمیتوان حق‌مسلم اینهمه مردم را نادیده گرفت و بآنها ظلم نمود — روی این نظر من تماشاگر میخواهم که ضابطه‌ای در کار نمایش فیلم باشد — حال که صاحب سینما بطور یکطرفه تصمیم گیرنده و عمل‌کننده است. تا فیلمها روی دلبخواه کم وکوتاه یا مسخ و مثله نشود و بجای اینهمه آگهی های سرسام‌آور (مخصوصا روی کلمه سرسام‌آور تکیه می‌کنم تا صاحبان آگهی ها بدانند که تبلیغی باین شیوه نتیجه عکس دارد — باور کنید) مثل همه‌کشور های مترقی یك فیلم کوتاه نمایش داده شود — با توجه باینکه تعداد فیلمهای کوتاه ساخته شده درایران کم نیست و سطح کیفی آنها هم خیلی بالاست بطوریکه حتی در فستیوالهابا‌موفقیت روبروبوده‌اند، تا من تماشاچی حال که ده ریال (باز هم ناقابل البته در مقابل اینهمه طمطراق سنگین و رنگین سینماها) اضافی‌می‌پردازم —احساس غبن و حقارت نکنم و واضح‌تر گفته باشم لااقل بمن توهین نشود.

ایده

مصیبت وارده را بدوست وهمکار محترم جناب آقای امیر تیمور دادفر تسلیت میگوئیم.

حسین حاجی‌پور — محمدتقی نجاتی — حسین مرتضوی

برنامه امشب سینما

تخت جمشید



سوار کاران

باشرکت: عمرشریف — جك‌پالانس — لی‌تایلور یانك

شروع سانسها: ۱۱ صبح — ۲ — ۴ — ۶ — ۸ — ۱۰ شب

برنامه آینده: ارتباط فرانسوی

دوست گرامی آقای تورج نگهبان

خود را در مصیبتی که به شما روی آورده، سهیم دانسته و صمیمانه بشما تسلیت می‌گوئیم.

بیوك کاظمی

برنامه امشب قویترین گروه سینمائی پایتخت

اونیورسال - ایران - پاسیفیك - مهتاب - کریستال - تیسفون - ساینا - پرسپولیس - مراد - موناکو - دریا - کارون - داریوش - آستارا (تجریش)



فرخ ساجدی

دارند؟ مسلمانه چون هیچکدامشان تاکنون یك‌چنین اباطیلی درمورد تو اظهار نداشته‌اند و لابد باین علت است که بحسابت نمیآورند، میگویند یکی را بده راه نمی‌دادند، سراغ خانه کدخدا را میگرفت، حالا نقل توست توچطور میتوانی منکر هنرمند بودن «فروزان» بشوی او کسی است که سینمائی که تو سنگش را ناشیانه بسینه‌ای که نمی‌خواهی نشان بدهی میزنی بوجودش افتخار میکند و بزرگترین جایزه سینمائی را تقدیمش میدارند تو منکر هنر گوگوش و ایرن میشوی؟ تو نمی توانی «فردین» را قبول نداشته باشی که رکن همین سینمائی‌است که تو را نزد خودش راه داده است و خیلی‌های دیگر که تو قدم درجای پای آنها میگذاری و در این کار پیش کسوتند —

من ده سال است که دست اندرکار تاتر و سینما هستم ودیپلم هنرپیشگی‌ام را از یکی ازبهترین آکادمی‌های هنرپیشگی برلن گرفته‌ام. من‌باندازه‌موهای پوستیژ سرتو درباره سینما کتاب خوانده‌ام و مطالعه دارم بااینحال هرگز بخودم اجازه‌نمی‌دهم حتی یکیشان را نفی کنم و همه‌شان را باستادی قبول دارم و تو وقتی دلیلی برای حرفهایت نیافته‌ای که بگوئی با جسارتی که فقط در خور اطفال و مهجوران است اظهار داشته‌ای که هنرپیشگان باایجادروابط خصوصی با تهیه کنندگان و کارگردانان برای خودشان رل دست و پا می کنند وبکلی منکر هنرشان شده‌ای وجز این نیز از کسی چون تو انتظار نمیرفت.

در پایان خانم دادستان سینه نشان نده که‌هیچکس‌را قبول ندارد رسالت خودش را ابراز میداردکه بعله، من برای این بسینمای‌فارسی قدم گذاشته‌ام که خیلی چیزها یاد بگیرم و خیلی چیزها یاد بدهم— ودر مورد شق اول که علیامخدره شکسته نفسی فرموده‌اند و در مورد شق دوم هم وای بحال هنرمندان واژگون بخت سینمای ایران چون همین فرداست که تابلوی کلاس هنرپیشگی «ژاله سام» در حالی که یکی‌ازعکسهایشان‌ملبس بتنبانك یا چیزهائی از این قبیل است‌بالا میرود و هنرپیشگان ما مجبور شوند برای فرا گرفتن انواع سکس های خوشمزه ایرانی و فرنگی از قبیل خورشت بادمجانی، کوکوئی ژیگوئی و غیره البته غیر از آبگوشتی نزد اوتعلیم بگیرند این امکان هم هست که گرمابه‌ای نیز با ٣٤ نمره جهت شستشوی انواع سکسهای کثیف دایر نمایند. و بلیف زدن سروتن سکسها وزدودن کثافتشان اقدام بنماید شاید عقده هایشان گشوده شود وسلامت‌روحی و فکریشان را باز یابند. **والسلام.**

همایون

میکردند که‌چرا میخواهم این‌نقش را بازی کنم. اما پس از دیدن‌آن همین دونفر آمده بودند توی راه تلویزیون تابمن‌تبریك بگویندو...»

پس از آن، همایون تمام «هم» و سعی خود را مصروف تهیه و ساختن فیلمی براساس این داستان مشهور «اشتاین‌بك» میکند واینك ثمره زحمات و تلاش او ودیگر همکارانش را در فیلم «تپلی» مشاهده می‌کنیم.

همایون همچون قهرمان فیلم «تپلی» موجودی است حساس و دوست داشتنی. قلبی همچون کودکان دارد و درست مثل این است که او همزاد «تپلی» یا «لنی» کوچولو قهرمان دل نازك وحساس «جان اشتاین‌بك» باشد. به حرف هایش درمورداین‌فیلم واحساساتش در قبال چگونگی بوجود آمدن «تپلی» گوش فرا میدهیم:

● **بوجود آورنده «تپلی» من بودم. من ده سال بود که در فکر فیلم کردن تپلی بودم، چرا که قبلا پیس تلویزیونی آنرابازی کردم.**

● **گفته بودم هرکس سناریوی این فیلم را بنویسد سی‌هزار تومن باو پرداخت خواهم کرد.**

● **سناریوی فیلم را «میر لوحی» نوشت و من با «ایرج صادقپور» شریك شدم و فیلم را ساختیم و گفتیم میرلوحی کار- گردانی کند.**

● **وقتی کسی میگوید فیلم را من ساختم دلگیر میشوم. اگر مساله من باشد «من» — من جلوتر است. این فیلم کار گروه بود و همه گروه خوب بودند.**

● **آنقدر این نقش‌را دوست دارم که سالها باآن زیسته‌ام. دهها بار کتابهای اشتاین‌بك را در بولوار الدورادو روی یك پتو و زیر چراغ دوره کردم.**

● **«لنی» را دوست دارم چون صادق است.**

● **اگر این فیلم را استقبال کردند همیشه در چنین فیلم‌هائی ظاهر خواهم شد.**

● **چون دوست داشتم این فیلم را خودم بسازم خواستم در ساختنش شریك بشوم.**

● **بازهم تاکید میکنم که این فیلم کار گروه است نه یك‌فرد ودر «تپلی» همه خوب بودند.**

پرویز فنی زاده

کار جدی اودر سینما بشمارمیرود. در این‌ساخته خوب «بهرام‌بیضائی» فنی‌زاده در نقش «حکمتی» معلم ظاهر میشود، مردی که با یادبود های مادرش از محله‌ای دیگر به محله تازه میآید، اما نمیدانند که او یك قربانی بیش نیست.

فنی‌زاده در این نقش کاری بی‌نقص و تمیز ارائه میدهد، بطوریکه تحسین هیئت داوران نخستین جشنواره بین‌المللی تهران را که فیلم «رگبار» را برنده پلاك طلای فستیوال می‌کنند، جلب می‌نماید. بهرام بیضائی در مورد کار فنی‌زاده و نحوه عرضه این کاراکتر میگوید:

«فنی‌زاده میخواست برای ایفای این نقش، همه چیز راتجربه کند. این بود که لحظه‌ای از تمرین ومکاشفه و بحث باز نمی- ایستاد، پرویز فکر میکرد که این نقش هم چون سایر نقش هائی است که باید بطور عینی و طبیعی روی سن تئاتر ارائه بدهد، بدین جهت تمامی وجود خود را برای هرچه نشان دادن و تجسم کردن این نقش بطور واقعی و طبیعی، بکار بست.»

بهرحال وجود فنی‌زاده و امثال او برای سینمای نو ایران مغتنم است و امید میرود که در آینده نزدیك او و کسانی چون فنی‌زاده موقعیت بهتری درسینمای جدید ایران کسب نمایند.

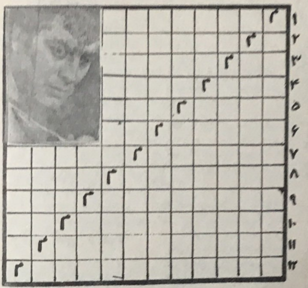
چارلتون هستون

(این فیلم اینك در تهران روی اکران است)و «مرد امگائی» بازی کرده، از بازیگران پولساز سینماست که در ضمن این فرصت خوب را هم بدست آورد که باکارگردانان استخوانداری چون«آنتونی مان، ویلیام وایلر، فرانکلین شافنر و جورج استیونس» همکاری داشته باشد. در همین مورد از او سئوال کردیم:

«آنتونی‌مان» شخصیت بزرگی بود که ایده‌های با ارزشی در هنر سینماداشت اما متاسفانه از میان ما رفت. ویلیام‌وایلر کارول‌رید، فرانکلین شافنر وبخصوص جورج استیونس بمن بهترین رلها را بخشیده‌اند اما فراموش نکنید که این نقش‌ها به روحیات اصلی خودم هیچگونه ارتباطی ندارد.»

مسابقات

جدول سینمای ایران



افقی :

۱- کارگردان فیلم طلوع و فریاد ۲- کارگردان فیلمهای پهلوان مفرد و غلام ژاندارم با حذف حرف آخر ۳- برنده جایزه سپاس مرد نقش دوم امسال ٤- بهترین بازیگر مرد امسال که سپاس گرفت ٥- کارگردان و سناریست فیلم پسر زاینده‌رود ٦- هنرمند رادیو و همسر یك ستاره ایرانی ۷- نام‌و فامیل کارگردان فیلم گربه‌رو دم حجله میکشن ۸- فیلمی بکارگردانی اکبر هاشمی‌که خود نیز در آن بازی داشت ۹- برنده سپاس سال ۱۳٤۸ بهترین فیلمبردار رنگی که آدمك نیز از کارهای او است ۱۰- فیلمبردار با ذوق حکیم باشی و حیدر ۱۱- فیلمی ساخته شباویز باشرکت‌فردین و پوری بنائی ۱۲ - فیلمی بکارگردانی ساموئل خاچیکیان.

طرح و تهیه توسط : محمدابراهیم پروانه

مسابقه بزرگ

«۱۳»

کلیه پاسخ‌های این مسابقه بایك ریال تمبر باطل نشده باید همراه باشد. پاسخ‌های خود را بآدرس «تهران ــ صندوق ۱۹۴۷» ارسال دارید.

● متاسفانه در طی دوهفته‌اخیر بخاطر انتشار شماره‌مخصوص سپاس امکان ادامه مسابقه بزرگ‌سیزده میسر نشد و ناچار شدیم فقط بدرج جدول اکتفا کنیم. شك نیست که‌هرهفته انبوه نامه‌ها بحدی است که حتی بما فرصت‌نمیدهد که‌ببررسی آن‌ها بپردازیم وآنها رادر لیست مربوطه ثبت نمائیم. و بهمین خاطر است که تاکنون پاسخ‌های هفته‌ششم وهفتم‌وهشتم ثبت نگردیده در هر حال درشماره ۳۸٤ مجله برندگان هفته اول مسابقه بزرگ سیزده انتخاب ومعرفی شدند ودر این شماره بمعرفی هجده برنده هفته دوم می‌پردازیم و از هفته آینده هرهفته برندگان‌را اعلام ودرصورت لزوم دربعضی هفته‌ها برندگان دوشماره رامعرفی‌خواهیم کرد.

لازم بتذکر است که تاکنون‌بیش از سه هزار نفردر این‌مسابقه شرکت ودر حدود دوهزار نفرنیز هرهفته این مسابقه را دنبال می نمایند.

اینك برندگان هفته دوم

دوشیزه **سیمین‌دخت احسان** از شمیران (برنده یك ساعت) آقای **قاسم جواهری** از کرمانشاه ــ **ابراهیم حامدی** ازرشت (برنده یك خودنویس) **محمد صادق قادری** از شیراز ــ **رضا همراهیان** از یزد ــ **کاظم عسلی** از بندر گناوه‌**حمید هاشم آبادی** از قزوین‌ــ **مسعود رضائی** از اهواز (برنده‌یك‌جلد کتاب) ــ **پروانه محبی** ــ **رویا جلالی** ــ **محمود میرزا قاسمی** ــ **عباس‌محمودی** ــ**حمید کتابچی** **اسماعیل تربتی** ــ **قمرالملوك میرپنج** ــ **ژانت پاپازیان**ــ **علی حاتمی** **جواد قربانی** از تهران برنده‌بلیط لژ سینما.

از خانم **سیمین‌دخت احسان** تقاضامندیم با در دست داشتن شناسنامه بعداز ظهر یکی از روزهای دوشنبه، چهارشنبه بدفتر مجله مراجعه نمایند. جوایز برندگان‌توسط پست ارسال شد.

اینك آغاز هفته نهم

سیزده هنرپیشه ایرانی وخارجی نام‌ببرید که از تلویزیون به سینما کشیده شده باشند مانند: حسین حسینی ــ دیوید جانسون

رنگارنگ

گزارشات هفته

● نتایج «سپاس» همچنان در هفته گذشته مورد بحث محافل هنری و مطبوعاتی ما بود و بیشتر اظهار نظرهای مخالف قبل ازاینکه دلایلی قانع کننده‌ای داشته باشند فقط ازروی احساسات‌شخصی عنوان میشدند.

● مجله «ستاره سینما» پس از مدتی سکوت در هفته قبل‌دومین شماره دوره جدید خود را منتشر ساخت.

دوره جدید این مجله‌را رضا سهرابی باهمکاری‌عده‌ای ازجوانان اداره می‌کند.

● امید ایران بمناسبت نوزدهمین سال انتشار خود شماره مخصوص ارزنده‌ای منتشر ساخت‌که جمعی از باارزش‌ترین همکاران قدیمی مطبوعات درآن‌مقالات جالبی داشتند.

● باشروع‌فصل گرماتغییرات عمده‌ای در برنامه های تلویزیون داده شده است که از آن جمله تغییر ساعت شروع برنامه مخصوص جمعه‌ها از ساعت ۱۳ به ۱۰ صبح است و در ساعت ۱۵ هرجمعه نیز قرار است یك فیلم سینمائی نمایش داده شود.

● علاقمندان به‌فوتبال باهمه اشتیاق به دیدن مسابقه ایران و کره که درپاکستان انجام شدبخوبی نتوانستند از این برنامه درتلویزیون لذت ببرند و علتش انتخاب غلط جای دوربین های تلویزیونی بود که بکلی تماشاچی را نسبت به موقعیت های زمین گیج و گمراه می‌نمود.

کارگردان و کامرامن – های این رپرتاژ پاکستانی بودند.

● فیلم « تارتوف » اثر «مورنائو» توسط آرشیوفیلم ایران و «از عشق تا ابدیت» فیلمی که شامل سه داستان است و توسط «لوئی‌مال» و «روژه وادیم» و «فدریکو فلینی» ساخته شده است توسط سینه کلوب برای علاقمندان و اعضاء نمایش داده شد.

● کاخ جوانان هفته قبل فیلم «سه‌قاپ» فیلم برگزیده سال ۵۰ منتقدین فیلم را که جایزه‌سپاس بهترین بازیگر و سناریست سال را نیز بدست آورده است برای علاقمندان نمایش داده و « ناصر ملك مطیعی » بازیگر اول آن با استقبال بی‌نظیری از طرف جوانان مواجه گردید.

● در هفته‌ای که گذشت ، مطبوعات تهران در باره «سپاس» بحث ،مصاحبه وانتقاد وپیشنهاداتی مطرح کردند :

روزنامه و مجلاتی که درهفته گذشته برای چهارمین جشنواره سپاس نوشته‌اند اینها هستند :

سپید و سیاه – تماشا – آیندگان – آفتاب شرق – دیپلمات – کاریکاتور – اطلاعات هفتگی – اطلاعات جوانان – کانون سپاهیان انقلاب – ستاره سینما – اطلاعات بانوان ...

رادیو ایران و تلویزیون ملی ایران نیزدرزمینه‌چهارمین‌جشنواره سینمائی سپاس درهفته گذشته برنامه‌هائی در جنك شب، رنگارنك و .. در باره سینما .. داشتند.

● در برنامه «درباره سینما» هفته قبل تلویزیون یکبار دیگر «سپاس» مطرح‌شد و درطی‌گفتگوی «بهمن فرمان‌آرا» (مجری برنامه) با «بابك ساسان» منتقد و نویسنده سینمائی مطالب تازه‌ای در مورد نحوه اجرا و قضاوت جشنواره‌سپاس عنوان گردید و ضمن آن مقایسه‌ای بین «سپاس» و «اسکار» بعمل آمد.

ترین‌های هفته

● بهترین فیلم : شاهد جنایت

● صمیمانه‌ترین فیلم : روزگاری که مردم از ته دل می‌خندیدند

● سکسی‌ترین فیلم: صف دختران زیبا

● پرفروش‌ترین فیلم : قوزك‌پا

● مهجورترین فیلم : خانه قمرخانم

● ناکام‌ترین فیلم : زیبای هزار چهره

● عریض و طویل‌ترین فیلم : آزادی

● پرهنرپیشه‌ترین فیلم : ده‌فرمان

● بااسکارترین فیلم : ارتباط فرانسوی

● ایرانی‌ترین فیلم : درشگه‌چی

● «موج‌نو»ئی‌ترین فیلم: تجسم

● تکراری‌ترین فیلم : قیصر

● معصوم‌ترین فیلم : رگبار

● ماجرائی‌ترین فیلم : سلطان جزایر

روی پرده

* شاه لیر (روسی)

« گریگوری کوزینتسف » فیلمساز روسی از یك دیدگاه کاملا شخصی استنباط جدیدی از«شاه‌لیر» شکسپیر را ارائه میدهد. فیلم مزبور در نخستین جشنواره جهانی فیلم در تهران برنده جایزه بهترین فیلم و بهترین هنرپیشه مرد شده است.

* پاداش تجاوز (آمریکائی)

بدنبال هجوم سکس بسینمای وسترن «برت کندی» کابوئی‌مونث (راکوئل ولش) را در گیرودار ماجرائی برای انتقام جوئی به هفت‌تیرکشی و زد و خوردمیکشاند که «رابرت کالپ» و « ارنست بورگناین» و «کریستو فرلی » در طرف دیگر قضیه هستند.

* قوزك‌پا (فرانسوی)

براساس کتاب موفق و پر فروش «قوزك‌پا» نوشته «آلبرتین سارازان» که در ضمن تمام‌ماجرای آن میتواند سرگذشت نویسنده‌اش‌هم باشد «گی کازاری» فیلمی لطیف و عاشقانه ساخته است که طرفین این ماجرای عشقی دو نفر از آدمهای بازنده و مطرود اجتماع هستند.

«مارلن ژوبر» و «هورست بوخهولتس» بازیگران اصلی این فیلم میباشند.

* تپلی (ایرانی)

براساس کتاب «موشها و آدمها»ی جان اشتینبك – رضا میرلوحی فیلم تپلی را با شرکت همایون و زری خوشکام و مرتضی عقیلی و زکریا هاشمی بنا کرده است که در آن آرزو های آدمها مطرح است و این فیلم غیرمتعارفی در سینمای ایران میباشد.

* خاطرخواه (ایرانی)

امیر شروان یکی از موفق–

برندگان دیپلم مجمع منتقدین فیلم ایرانی چگونه تعیین شدند ...

● مجمع منتقدین فیلم‌ایرانی همه ساله بهنگام پخش جوایز سپاس به «بهترین فیلم» و «بهترین فیلمساز» و «بهترین بازیگر» انتخابی خود از طریق رای گیری دیپلم افتخار میدهد و امسال «سه‌قاپ» باآوردن چهار رای بهترین فیلم و «جلال مقدم» باپنج رای برای کارگردانی «فرار از تله» بعنوان بهترین فیلمساز و «نصرت کریمی» باپنج رای بعنوان بهترین بازیگر باین ترتیب انتخاب میشوند :

اسامی منتقدین	بهترین فیلم	بهترین فیلمساز	بهترین بازیگر
جمشید ارجمند	داش‌آکل	مسعود کیمیائی	نصرت کریمی
جمشید اکرمی	داش‌آکل	جلال مقدم	نصرت کریمی
جمال امید	سه‌قاپ	جلال مقدم	ناصرملک‌مطیعی
هوشنگ حسامی	درشگه‌چی	جلال مقدم	کریمی ــ ایرن ــ شهرزاد
بیژن خرسند	فرار از تله	جلال مقدم	داود رشیدی
پرویز دوائی	سه‌قاپ	ذکریا هاشمی	ذکریا هاشمی
رضا سهرابی	درشگه‌چی	نصرت کریمی	نصرت کریمی
ایرج صابری	درشگه‌چی	جلال مقدم	نصرت‌کریمی
آلبرت کوچوئی	داش‌آکل	مسعود کیمیائی	بهروز وثوقی
پرویز نوری	سه‌قاپ	ذکریا هاشمی	بهروز وثوقی
ناصر نویدر	سه‌قاپ	ذکریا هاشمی	آفرین

«بیژن مهاجر» بعلت مسافرت و «بابك ساسان» بعلت اینکه تمام‌فیلمهارا ندیده‌بود دراین‌رای‌گیری شرکت نکردند .

«بهرام ری‌پور ــ هژیر داریوش و فریدون معزی مقدم» نیز چون در جمع ژوری جشنواره بودند ، آرایشان دریافت نشد .

لابلای مطبوعات

● **ایرج قادری :**

ــ ... الان شاید دو سه‌تا استودیو کار داشته باشند وضع طوری شده که سینما و بازیگری به دلایلی برای چندتائی، انحصاری شده است و بقیه دست روی دست گذاشته‌اند ...

سینمای ایران باتمام نیرو دارد میرود که به‌خط وحال‌تازه‌ای برسد میشود گفت که موج بالا گرفته است ...

کیهان

● **نصرت کریمی :**

ــ ... اگر کسی هنری دارد باید ارائه دهد و در معرض‌قضاوت عموم قرار دهد ، اگر که آثاراو دارای ارزش هنری باشند دیریازود به اخذ جوایزی از جشنواره های مختلف نایل خواهد شد . من اگر به خاطر جایزه فیلم بسازم تاحد کودك خودخواهی که در انتظار بارك‌الله دقیقه شماری می‌کند تنزل خواهم کرد .

● **پروین ملکوتی:**

ــ ... این موضوع را همیشه در قرارداد هایم ذکر کرده‌ام که من درصحنه‌های لختی بازی‌نخواهم کرد ولی این فیلم را اگر ببینید بمن حق میدهید که چندان دراین مورد بخصوص سختگیری نداشته باشم ■

بهرحال در خانواده‌ای که همیشه بحث برسر بچه هفتمی‌است‌و باتوجه باینکه این مسئله مستقیما به رختخواب ارتباط دارد من‌چطور میتوانستم بازی در این صحنه‌هارا قبول نکنم سناریوی فیلم ایجاب میکرد که من گاهی ...

ستاره سینما

ترین قصه‌های «ارونقی کرمانی» را بابرگزیده‌ترین ستارگان سینمای ایران «ملك مطیعی» «فروزان» و «مفید» به سینما می‌کشاند و میدانی قصه خاطرخواهی را که چسان آغاز میشود و آغازگر زندگی ...؟

* تابستان ۴۲ (آمریکائی)

«رابرت مولیگان» بنحوی رومانتیك از نخستین جوانه‌های عشق پرده برمیدارد و به نوسانات روحیه قهرمانان نوجوان خودمی‌پردازد و این فیلمی است باچهره‌های تازه چون «جنیفر اونیل» و «گاری گریمز»

* تیره‌تر از کهربا (آمریکائی)

از داستان پرالتهاب «جان دی‌مکدونالد» نویسنده داستان‌های پلیسی امریکائی فیلمی پرالتهاب و خشن وسکسی‌ساخته‌شده که‌رودتیلور و سوزی کندال در صدر ماجرا قرار دارند .

کلمات قصار

● گاهی اوقات نشان دادن صحنه های سکسی باعث غمگین شدن تماشاگر می ــ شود !

مرجان

● ... شعور من بکارهای فلینی نمیرسد .

فریدون گله

● خارج از گودنشسته‌ام و ناظر هیاهو و عربده‌جوئی تازه واردین هستم .

سیامك یاسمی

● فیلمساز‌باید فیلم‌بسازد چه از دسته جوان چه از دسته قدیمی ...

فریدون ژورك

● من اساسا روحیه‌ای تلطیف شده دارم .

نظام فاطمی

● کار سینما اکتسابی نیست ، بلکه باید عاشقش بود .

قدکچیان

گزارش فیلم

از : ایرج صابری

پاداش تجاوز

کارگردان: برت کندی

● «برت کندی» را همیشه در مقابل این‌اتهام دیده‌ایم که دنباله‌روی «جان فورد» است واز کارهای او تقلید می‌کند صرفنظر از اینکه تقلید بطور دقیق، خود هنری است ــ باید توجه داشت که این اتهام ممکن است‌درمورد اکثر کسانیکه به سینمای وسترن روی می‌آورند صادق باشد چون خواه ناخواه مقداری تاثیر پذیری از سینمای «فورد» قبل از اینکه تعمدی باشد ــ اضطراری است . اما باتمام این احوال در کارهای اخیر ــ بخصوص فیلم مورد بحث ــ او رابیشتر متمایل به‌وسترن‌های اروپائی دیده‌ایم تاوسترن‌های سنتی خاص سینمای امریکا.

● امتیاز کار او در این فیلم تسلط چشمگیرش در اجرای لحظات خاص این سینماست که بهرحال پس از تجربه‌هائی که‌داشته زیاد هم غیر مترقبه نیست ــ بطوریکه خیلی رندانه سینمایش را از دام سکس «سوپراستار»ی چون «راکوئل ولش» رهانیده است ــ باتوجه باینکه آقای «پاتریك ــ کورتیس» شوهر خانم، در مقام تهیه کننده همه هدف و منظورش این بوده که فیلمی کاملا شخصی برای قد و قامت و تیپ خاص همسرش بسازد ــ بطوریکه خیلی بطور حساب شده حتی «توماس پرایس» (رابرت کالپ) را ازبین می‌برد تا قهرمانی جز خانم «هانی کالدر» در فیلم نباشد.

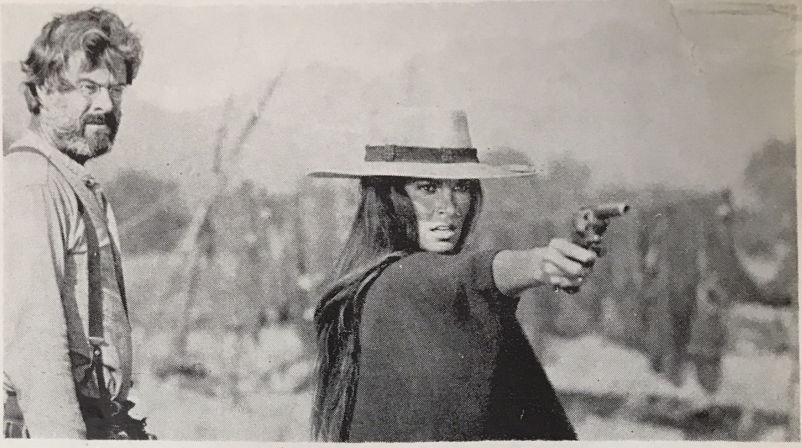
● استخوان بندی ماجرای فیلم بسیار قراردادی است. آرامش خانواده‌ای دستخوش طوفانی‌میشود که سه مرد نابکار بپا می‌کنند ، مرد کشته میشود و زن ــ «هانی کالدر» (راکوئل ولش)ــ مورد تجاوز قرارمیگیرد. حال زن در عطش‌انتقام میسوزد لهذا یك‌جایزه بگیر «توماس‌پرایس» ــ را اغوا می‌کند تابکمك‌اوفوت‌وفن مبارزه وهفت‌تیر کشی رابیاموزد. مطابق معمول او به‌هشدارها ونصایح‌خیلی دلسوزانه و پرتفاهم «توماس» اعتنائی نمی‌کند و بالاخره بمنظور خود نایل شده و باآن‌سه مرد رو درررو میشود ...

«برت کندی» مسلما با این ترکیب بخصوص وجود یك زن سکسی در راس ماجرابعنوان‌قهرمان کاری نمیتواند بکند لذا سعی می نماید که در روابط و هویت کار- اکترها دست ببرد تا فیلم را از ورشکستگی مطلق نجات دهد ومی بینیم که در اینکار موفق هم می شود.

● مورد جالب آن شخصیت برادران «کلمنز» ــ آدمهای بد ماجرا است که بطور مطلق وهمیشه بازنده هستند وآنقدر هم خبیثند که قادر به‌تحمل یکدیگر نیستند. واین، شکست آنان را در راهزنی ودستبرد به بانك توجیه می‌نماید و اینها در سینمای وسترن آدمهای تازه‌ای هستند.

«رابرت کالپ» باتیپ جالب خود سیمای متفاوتی از یك‌قهرمان را ارائه میدهد ــ قهرمانی که در دوئل با «امت کلمنز» (ارنست بورگناین) از پای در می‌آید.

در هرحال این تازگی‌ها و استثنائات از اضمحلال یکی ازپاك ترین مکتب‌های سینما ــ خبر



● راکل‌ولش و رابرت‌کالپ در صحنه‌ای از «پاداش تجاوز»

میدهد . هرچند تماشاگر امروزی مثل یك بیمار روانی برای‌مشاهده عملیات سادیستی عطش سیراب ناپذیری داشته باشد. می‌بینیم که مرزها از میان برداشته شده و آدمهای «خوب» را از «بد» نمی توان تفکیك نمود ــ مرك «توماس پرایس» مردی‌که دارای‌خصوصیاتی از قهرمانان اصیل وسترن میباشد بطورتلویحی اشاره‌ای‌است باین‌نکته که با غیبت «فورد»ها قهرمانانی چون «ویل کین»ها و «شین»هـا سرانجامی جز نابودی ندارند. و حماسه‌های انسانی بدل به انتقام‌جوئی های خیلی زنانه و شخصی و پیروزیهای اندك شده است و بالاخره می‌بینیم که خانم «راکوئل ولش» جـای «جان‌وین»هـا و «گاری‌کوپر»ها و«جیمزاستوارت»ها را گرفته‌است. یعنی اینکه‌ششلول در دست «نامرد»هاست! حال که به چنین نتیجه‌ای رسیده‌ایم باید از کی تشکر نمائیم ؟ از آقای «پاتریك کورتیس» یا از آقای «برت کندی». در هـرحال این وسترن تفننی را جدی نگرفتیم‌روی این نظر توانستیم آنرا تحمل‌کنیم.

تابستان ۴۲

کارگردان : رابرت مالیگان

● مسئله فیلم، تجربه‌نخستین کشش‌های ناشناس جنسی است که منجر به شگفتی‌ها وتماس های متعلق بآن میشود. ویژگی خاص فیلم (لااقل برای ما ــ تماشاگر ایرانی) مربوط میشود به لحن جسورانه و بی‌پرده آن (هرچند دوبله نهایت احتیاط را در بکار بردن کلمات واشارات مخصوص بعمل آورده است) بی‌آنکه این خصوصیت امتیازی از جهت نوآوری و یا نو بودن سوژه داشته باشد .

«رابرت مالیگان» فقط ژست نوجوئی دارد و در پناه «عظمت» سوژه‌هائی پرطمطراق سنگر میگیرد وتنها سلاحش «پیام»های انسانی وکنایه‌دار مطروحه در حرفهای فیلم است ــ بنابراین میتوان گفت که‌او فیلمسازی است که مطابق با مد روز و خواست جماعت تماشاگر کار می‌کند اگرچه از وسترن (جدال در نیمه شب) تا درامهای اجتماعی وانتقادی (پلکان‌عوضی) رفت وآمد داشته باشد.

این بار طبق قراردادی‌ترین اصول متداول بین «عرضه» و «تقاضا» به سینمای بی‌پرده جنسی روی آورده است ــ منتها مطابق معمول سعی می‌نماید تا کارش چندان آسان وبازاری ــ ازانواع نمایش تن‌های برهنه وهم‌آغوشیهای آشکار نباشد ــ لذا برای احتراز از آن‌متوسل به‌لحن نیمه‌رومانتیك واحساساتی وبخصوص «اسلوموشن» و شعارهای خیلی ظریف وناپیدای «تنفر از جنك» میشود و با اینهمه این مشکل بزرك فیلم نیست .

● بی‌هدفی ناشی از توجه بیش از حد به حواشی (بـه‌صحنه هائی که در مغازه میگذرد و یا مکالمات بچه‌ها در ساحل و نزاع آنها توجه کنید) تماشاگر را تا نزدیکی‌های پایان فیلم، بلاتکلیف و گمراه نگه میدارد که آیا مسئله مشغله فکری نوجوانان است و مشکل تماس آنها با زنان ودختران یا نخستین عشق‌ودلبستگی «هرمی» (گـاری گریمز) بـه «دوروتی» (جنیفراونیل) که زنی مسن‌تر از اوست و هنگامی هدف فیلم مشخص میشود که دیگر خیلی دیر شده و فرصتی برای احساساتی شـدن (نمودن) تماشاچی بـاقی نمانده است ــ پس بی‌علت نیست اگر تماشاچی در مقابل تسلیم شـدن «دوروتی» به «هرمی» و صحنه هم‌آغوشی آندو دچار شگفتی می‌شود و نمیتواند آنرا بپذیرد ــ در حالیکه بنظر میرسد که این عشق وتماس غیرعادی ، هسته مرکزی درام را تشکیل میدهد ــ اماجنبه احساسی متعلق باین‌درام همانقدر از تفاهم و صمیمیت بدور است که نخستین عشق «هرمی» نسبت بـه «دوروتی» .

● «رابرت‌مالیگان» به‌شخصیت «دوروتی» توجه زیادی ندارد تا تماشاگر بتواند از همخوابگی او با «هرمی» پس از شنیدن خبر مرك شوهرش استنباط خاصی داشته باشد.

«دوروتی» میداند که «هرمی» در برخورد و معاشرت بـا جنس مخالف بی‌تجربه و شتاب زده است ولی به درجه اشتیاق او و هم در هنگام‌ملاقات بخصوص موقعیکه او روی نردبان است پی‌برده ــ وایندو در طی یك ملاقات غیر عادی و کاملا دراماتیك که «مالیگان» بطرز خیلی موثری ترتیب آن را میدهد باهم به‌بستر می‌روند وحال این سئوال پیش می‌آید که‌آیااومیخواهد باین‌وسیله خود راتسلی دهد ویا اینکه ازروی

بقیه درصفحه ۴۳



هُما
سفیر پیشرفتهای چشمگیر ایران
لندن، پاریس، فرانکفورت، ژنو
رُم، مسکو، استانبول، تهران، آبادان
ابوظبی، بحرین، بمبئی، دهران، دوها
دوبی، کابل، کراچی، کویت